

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زمین شناسی

سال سوم آموزش متوسطه

رشته علوم تجربی

عنوان و نام پدیدآور : زمین شناسی سال سوم آموزش متوسطه، رشته علوم تجربی [کتابهای درسی] ۲۶۲/۱ / مؤلفان : علی درویش زاده، ... [و دیگران] برنامه ریزی محتوا و نظارت بر تألیف دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی؛ [برای] وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.

مشخصات نشر : تهران : شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : [۱۳۲] ص. : مصور

شابک : 978-964-05-0447-5

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : مؤلفان : علی درویش زاده، حسن مدنی، محمود صداقت، احمد حسینی و علی هاشمی

یادداشت : چاپ چهاردهم

موضوع : زمین شناسی - راهنمای آموزشی (متوسطه)

موضوع : زمین شناسی - آزمون ها و تمرین ها (متوسطه)

شناسه افزوده : درویش زاده، علی، ۱۳۱۴ -

شناسه افزوده : سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، اداره کل چاپ و توزیع کتابهای درسی

شناسه افزوده : سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

شناسه افزوده : شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران

رده بندی دیویی : ۲۶۲/۱ ک ۳۷۳

شماره کتاب شناسی ملی : ۲۶۹۸۹۶۱

تغییرات کتاب توسط شورای برنامه‌ریزی درسی انجام شده است.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : زمین‌شناسی - ۲۶۲/۱

اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی : خدیجه امانی، پرویز انصاری‌راد، محمدحسن بازوبندی، یارمحمدبای،

سهیلا بوذری، هاله تیمورزاده، جهانبخش دانشیان، ژیلارنجبر،

سیدمحمد روحانی، مریم عابدینی، سروش مدبری و مازیار نظری

مؤلفان : علی درویش‌زاده، حسن مدنی، محمود صداقت، احمد حسینی و علی هاشمی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

صفحه‌آرا : مریم نصرتی

طراح جلد : محمدحسن معماری

حروفچین : فاطمه محسنی

مصحح : نوشین معصوم‌دوست، شهلا دالایی

امور آماده‌سازی خبر : فاطمه پزشکی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - ۱۷ کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

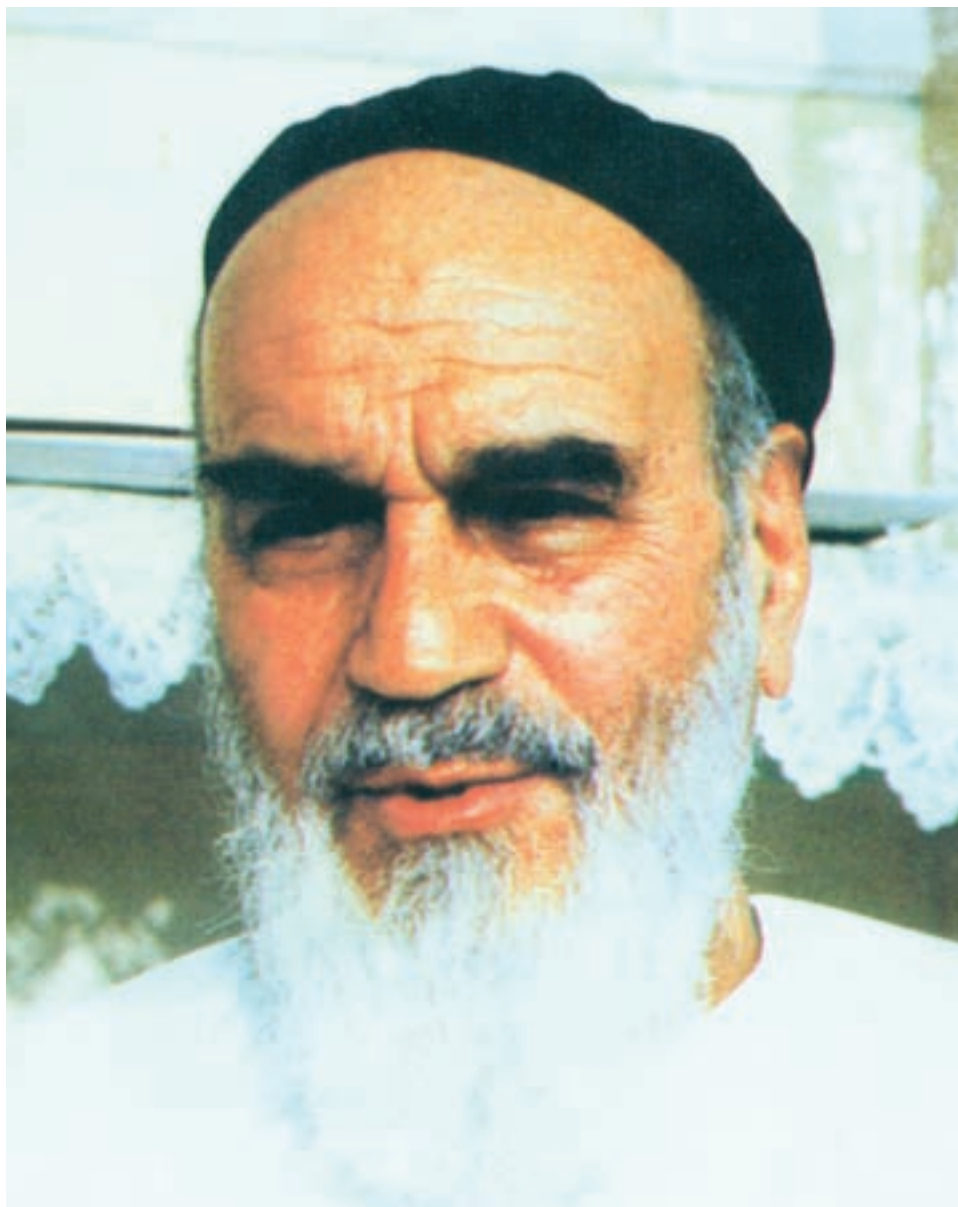
تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

جایگاه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ چهاردهم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۰۴۴۷-۵ ISBN 964-05-0447-5



شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آیید
و احتیاجات کشور خودتان را برآورید و از نیروی انسانی ایمانی
خودتان غافل نباشید و از اتکای به اجانب پرهیزید.
امام خمینی «قدس سرّه الشریف»

فهرست مطالب

۵۱	شناسایی کانی‌ها	۱	فصل ۱- علم زمین‌شناسی و شاخه‌های آن
۵۸	طبقه‌بندی کانی‌ها	۲	زمین سیاره ارزشمند ما
۶۶	کاربرد کانی‌ها	۴	زمین و ذخایر معدنی
		۶	زمین پویا
		۷	زمین و محیط زیست
			زمین‌شناسی چیست و زمین‌شناس
		۹	چه کار می‌کند؟
		۱۰	شاخه‌های علم زمین‌شناسی
			بخش ۱- چرخه آب
			فصل ۲- آب در هوا
		۱۵	بخار آب در هوا
			فصل ۳- آب در دریا
		۲۴	ویژگی‌های آب دریا
		۳۰	شکل‌شناسی بستر اقیانوس‌ها
			فصل ۴- آب در خشکی
		۳۳	آب‌های جاری
		۳۵	آب زیرزمینی
		۴۱	یخچال
		۴۴	دریاچه‌ها
			بخش ۲- چرخه سنگ
			فصل ۵- کانی‌ها
		۴۹	تشکیل کانی‌ها
		۵۰	
			فصل ۶- ماگماتیسم و سنگ‌های آذرین
۷۱	ذوب و تبلور		
۷۶	بافت		
۷۷	طبقه‌بندی		
۸۰	موارد استفاده		
			فصل ۷- سنگ‌های رسوبی
۸۳	مثلاً رسوبات		
۸۵	حمل رسوبات		
۸۸	بافت		
۸۸	طبقه‌بندی		
			فصل ۸- فرآیند دگرگونی و سنگ‌های
۹۵	دگرگون شده		
۹۶	عوامل دگرگون‌ساز		
۹۸	اقسام دگرگونی		
۱۰۲	طبقه‌بندی		
۱۰۴	دگرگونی و منابع طبیعی		
			فصل ۹- تغییرات سنگ‌ها
۱۰۷	هوازدگی		
۱۱۱	خاک		
۱۱۳	فرسایش		
۱۲۴	رسوبگذاری		

به نظر شما چه شرایط و عواملی زندگی بر روی سیاره زمین را فراهم نموده است؟

روزنامه اطلاعات

دیروز شهاب سنگی به مناطق
اطراف تويسرکان اصابت کرد،
خوشبختانه در این حادثه کسی
آسیب ندید.

زمین سیاره ارزشمند ما

به نظر شما کره زمین از چه بخش‌هایی تشکیل شده است؟ وجود هواکره در اطراف زمین آن را از هرگونه آسیبی در امان نگهداشته است. همین ویژگی زندگی بر روی زمین را برای ما امکان‌پذیر ساخته است. از سوی دیگر مطالعه بقایای باقیمانده موجودات زنده در سنگ‌ها نشان می‌دهد که امکان تداوم حیات بر روی زمین وقتی میسر شد که در هواکره لایه ازون تشکیل گردید و با جلوگیری از ورود اشعه مضر به بخش‌های سطح زمین، اکسیژن کافی برای نفس کشیدن در اختیار موجودات زنده قرار گرفت. خداوند بزرگ برای زندگی بر روی زمین از قبل شرایطی فراهم نموده است.

اما اگر به آنچه بشر طی سال‌های گذشته انجام داده، بنگریم باید اظهار تأسف کرد، زیرا تولید حجم زیاد گازهای مضر از سوی صنایع برخی کشورهای پیشرفته سبب شده که همین لایه ازون آسیب جدی ببیند، که نتیجه آن خطرناک شدن برخی مناطق کره زمین برای زندگی است. سیل‌های ویرانگر سال‌های اخیر، طوفان‌های سهمگین، گرمای کشنده برخی قسمت‌های کره زمین، قحطی و خشک‌سالی، همه و همه از نشانه‌های بی‌توجهی ما نسبت به هواکره است.

از موفقیت‌های بشر در قرن بیستم سفر به فضا و ارسال ماهواره‌های تحقیقاتی است. تصاویر زمین که توسط ماهواره‌ها تهیه شده، شناخت انسان از زمین را افزایش داده است. این تصاویر نشان می‌دهد که بخش اعظم کره زمین پوشیده از آب است.

مطالعه و شناخت آب کره در کشور ما از اهمیتی خاص برخوردار است زیرا بخشی از ذخایر نفتی جنوب ایران و همچنین بخشی از ذخایر گازی شمال کشورمان در حوضه‌های دریایی خلیج فارس و دریای خزر تجمع یافته است (شکل ۱-۲). این مناطق از نظر تنوع آبزیان و صنعت گردشگری نیز اهمیت ویژه‌ای دارند (شکل ۱-۳).



شکل ۱-۲- سکوی نفتی در خلیج فارس



شکل ۱-۳- سواحل جنوبی ایران



شکل ۱-۴- خاک محل رویش گیاه

کره خاکی یا سنگ کره تنها مکان مناسب برای سکونتگاه بشر بر روی سیاره زمین می باشد. خارجی ترین بخش زمین از خاک تشکیل شده است. خاک محصول فرسایش و خردشدگی سنگ ها است و محل رویش گیاهان می باشد (شکل ۱-۴). پس غذای انسان و تعداد زیادی از موجودات زنده وابسته به خاک است.

زمین و ذخایر معدنی

انواع ذخایر معدنی فلزی و غیرفلزی از دیگر ویژگی‌های بخش بیرونی پوسته زمین است که آگاهی نسبی از نحوه تشکیل آنها نیاز به کسب تخصص در رشته زمین‌شناسی دارد. توجه به ذخایر معدنی در ایران به هزاران سال قبل باز می‌گردد. به عنوان مثال ایرانیان در زمان هخامنشیان با دسترسی به ذخایر سنگ آهن، از آن در ساخت وسایل و ابزار جنگی بهره جسته و بدین طریق از سرزمین پهناور ایران در مقابل هجوم بیگانگان محافظت کردند (شکل ۱-۵).



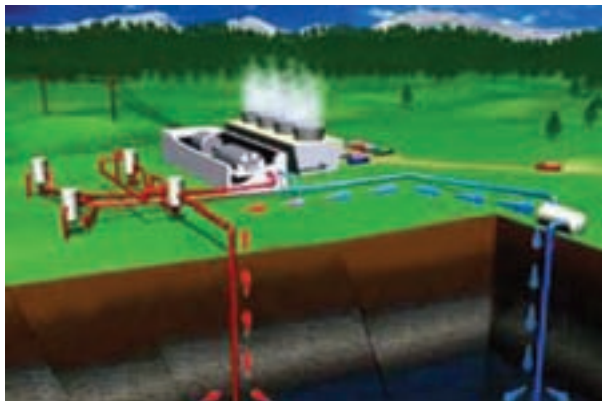
شکل ۱-۵- ادوات نظامی هخامنشیان

در دهه‌های اخیر کشف ذخایر باارزش اورانیم سبب گردید تا با دستیابی به توان هسته‌ای، ایران نیز مانند سایر کشورهای پیشرفته جهان از آن در صنایع دارویی و تولید انرژی استفاده نماید.



شکل ۱-۶- معدن سرب و روی ایرانکوه - اصفهان

علاوه بر انرژی هسته‌ای، انرژی زمین گرمایی، خورشیدی، بادی و ... از دیگر موهبت‌های الهی است که نصیب کشور عزیزمان شده است (شکل ۱-۷ و ۱-۸).



شکل ۱-۷- نمایی از چگونگی استفاده از انرژی زمین گرمایی



شکل ۱-۸- نیروگاه زمین گرمایی مشکین‌شهر - اردبیل

استفاده از مواد معدنی تنها محدود به همین موارد نمی‌گردد. اگر به اطرافمان خوب نگاه کنیم مثلاً مدادی که با آن می‌نویسیم، عینکی که به کمک آن می‌بینیم، وسایلی که با آن زندگی می‌کنیم، داروهایی که برای التیام دردهایمان از آن استفاده می‌کنیم و حتی خمیردندانی که هرروز از آن استفاده می‌کنیم، همه و همه در گروه موادی است که از زمین استخراج می‌شود.

هیچ با خود اندیشیده‌اید، که اگر این معادن شناخته نشده بودند آیا زندگی بر روی کره زمین به

این سادگی مقدور بود؟ خوشبختانه کشور ایران از جمله کشورهای معدنی جهان است که دارای معادن متعدد آهن، مس، سرب و روی، طلا و ... است. همچنین بیش از صدسال قبل تاکنون با کشف نفت در حوالی مسجدسلیمان اقتصاد کشورمان متوجه این نعمت خدادادی شده است (شکل ۹-۱ الف و ب). این قابلیت‌ها سبب گردیده تا ایران در بین کشورهای جهان کشوری قدرتمند و تأثیرگذار باشد.



شکل ۹-۱ ب - موزه نفت در محل اولین چاه نفت خاورمیانه - مسجد سلیمان



شکل ۹-۱ الف - فوران نفت از اولین چاه نفت خاورمیانه در سال ۱۹۰۸م - مسجد سلیمان

زمین پویا

زمین جنبه‌های دیگری نیز دارد که اطلاع از آنها جهت زندگی امن بر روی کره زمین ضروری است. شناخت جنس زمین و رفتار مواد سازنده آن سبب گردیده تا افق تازه‌ای در پیش روی بشر گشوده شود. تجربه زمین‌لرزه‌های ژاپن به ما آموخت که تنها داشتن ساختمان‌های محکم برای مواجهه با پدیده طبیعی مانند زمین‌لرزه کافی نیست، بلکه رفتار مواد سازنده زمینی که بر روی آن سازه‌ای احداث شده، نیز مهم می‌باشد.

امروزه جهت احداث انواع پروژه‌های عمرانی مانند سدها، نیروگاه‌ها، بزرگراه‌ها، بیمارستان‌ها، مکان‌یابی شهرک‌ها، مجتمع‌های تجاری و مسکونی، آسمان‌خراش‌ها و ... همه نیازمند شناخت جنس و ساختار تشکیل‌دهنده زمین بی آن است. پس برای در امان ماندن از پدیده‌های طبیعی مانند زمین‌لرزه،

راش زمین، سقوط سنگ و غیره باید خصوصیات زمین را بطور جدی بررسی کرد. امروزه اهمیت این موضوع تا آن حد است که حضور کارشناس زمین‌شناس در شهرداری‌ها و محیط زیست قطعی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد (شکل ۱-۱۰).



شکل ۱-۱۰- ورودی تونل توحید - تهران

شاید اگر بویا بودن زمین را می‌پذیرفتیم و زمین‌لرزه را به عنوان پدیده طبیعی آفریده خداوند باور داشتیم و این شناخت را در ساخت و سازها منظور می‌کردیم، دیگر شاهد خسارت مالی و تلفات جانی فراوان نبوده و در این صورت زمین‌لرزه را بلا نمی‌نامیدیم و کوتاهی خود را به بی‌رحمی زمین نسبت نمی‌دادیم.

زمین و محیط زیست

بشر برای زندگی بر روی کره زمین علاوه بر آب، هوا، غذا به انرژی نیز نیاز دارد که همه آنها را باید در زمینی جستجو کند که خداوند بزرگ آن را آفریده و به رایگان در اختیار او قرار داده است. واضح است که این منابع محدود بوده و ما نمی‌توانیم بی‌رویه از آن استفاده کنیم. اجزاء تشکیل‌دهنده کره زمین مانند حلقه‌های یک زنجیر به یکدیگر متصل می‌باشند و آسیب به هر حلقه، سبب نابودی این مجموعه منسجم می‌شود.

آیا بشر مجاز است، به هر میزان که می‌خواهد گازهای آلاینده تولید نماید؟ چرا باید دمای زمین به صورت غیرعادی افزایش یابد؟ آیا حق استفاده بی‌رویه از سفره‌های آب زیرزمینی را دارد؟ حجم زباله‌های دفن شده در خاک باید چه مقدار باشد؟ همه و همه نیاز به بازنگری مجدد رفتار بشر در مواجهه با

کره زمین دارد. در همین رابطه سازمان علمی - فرهنگی یونسکو، سال ۲۰۰۸ میلادی را سال سیاره زمین نامگذاری کرد، هدف از این اقدام، توجه انسان‌ها به کره زمین به عنوان تنها مکان برای زندگی است که استفاده نادرست از آن موجب نابودی زمین خواهد شد.



شکل ۱۱-۱- تخریب و حفاظت از محیط زیست

به نظر می‌رسد که شناخت قابلیت‌های زمین‌شناسی کشورمان برای همه ما ایرانیان ضروری است. جالب است بدانید که به گفته زمین‌شناسان دیگر کشورها، ایران نگین زمین‌شناسی جهان است. رشته کوه البرز در شمال و زاگرس در جنوب و جنوب غرب، آتش فشان‌های دماوند، سهند، سبلان، تفتان و بزمان، معادن متنوع، گسل‌ها، دریاچه‌ها و هم‌چنین رشته قنات‌ها که نخستین بار توسط ایرانیان ایجاد شده است و پدیده‌های بی‌شمار دیگر، همگی جاذبه‌های منحصر به فرد کشورمان هستند که مشاهده و بررسی آنها آرزوی قلبی زمین‌شناسان سرتاسر دنیا است.

خوشبختانه دانشمندان و محققان کشورمان از زمان ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا تا امروز در شناخت و معرفی پدیده‌های زمین‌شناسی همت والایی داشته‌اند. امید آن می‌رود در آینده نیز شما یکی از آن محققان باشید.

شاید اینک پذیرفته باشید که برای زندگی بر روی کره زمین لازم است تا حدی با خصوصیات کره زمین در قالب درس زمین‌شناسی آشنا شوید.



شکل ۱۲-۱ دهانه اصلی آتشفشان تفتان

زمین‌شناسی چیست و زمین‌شناس چه کار می‌کند؟

زمین‌شناسی علم مطالعه سیاره زمین است. زمین‌شناسان چگونگی تشکیل زمین، ویژگی‌ها، ساختار، ترکیب سنگ‌ها و کانی‌ها و تاریخچه رویدادهایی که از زمان پیدایش زمین بر آن گذشته است را، مطالعه می‌کند. بسیاری از زمین‌شناسان با شناخت شگفتی و نظم حاکم بر زمین و فضای اطراف آن، به کشف راز هستی و تعمیق تفکر توحیدی می‌پردازند. در سال‌های اخیر با سفر انسان به فضا، مطالعه و شناخت ماه و دیگر سیاره‌ها نیز به قلمروی دانش زمین‌شناسی اضافه شده است.

به‌طور کلی، دانش زمین‌شناسی به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

- ۱- زمین‌شناسی فیزیکی: این بخش از زمین‌شناسی، به مطالعه مواد زمین مانند کانی‌ها و سنگ‌ها و هم‌چنین فرایندهایی که در زیر زمین و یا سطح آن رخ می‌دهند، می‌پردازد به عنوان مثال آتش‌فشان‌ها، کوه‌ها و زمین‌لرزه‌ها چگونه به‌وجود می‌آیند؟ رودخانه‌ها و سیلاب‌ها چگونه تشکیل می‌شوند؟
- ۲- زمین‌شناسی تاریخی: بخشی از زمین‌شناسی است که به منشأ و تحولات زمین، تاریخچه قاره‌ها و اقیانوس‌ها، جانوران، گیاهان، هواکره و رویدادهای گذشته زمین می‌پردازد. هم‌چنین به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی است مانند؛ اقیانوس‌های زمین چه موقع تشکیل شدند؟ دایناسورها در چه زمانی

زندگی می کردند، شیوه زندگی آنها چگونه بوده، کوه های زاگرس و البرز چه موقع برافراشته شدند؟ یا اولین درختان در چه زمانی به وجود آمدند و چه مشخصاتی داشتند؟

شاخه های علم زمین شناسی

زمین شناسان در تمام نقاط زمین، از قله های یخ زده و آتش فشان های فعال تا اعماق اقیانوس کار می کنند و به دنبال شناسایی تاریخ پیچیده زمین و فرایندهایی هستند که بر روی آن عمل می کنند. محل اصلی کار زمین شناس در طبیعت است. اما زمین شناسان، بخشی از مطالعات خود را در آزمایشگاه و با میکروسکوپ های مخصوص و دستگاه های پیشرفته انجام می دهند.

علم زمین شناسی دامنه گسترده ای دارد که به شاخه های بسیار متعددی تقسیم می شود. به طوری که روزه روز قلمرو و کاربردهای آن افزایش می یابد. مهم ترین شاخه های آن عبارتند از:

زمین شناسی اقتصادی: زمین شناسانی که در موضوع زمین شناسی اقتصادی تخصص دارند، با بهره گیری از اصول زمین شناسی و پراکندگی عناصر در پوسته زمین، به دنبال مکان هایی هستند که در آن ذخایر معدنی ارزشمند مانند مس، آهن، طلا، نقره، الماس و دیگر گوهرها و ... قرار دارند.

آب شناسی: زمین شناسانی که در زمینه تشکیل سفره های آب زیرزمینی، حرکت آب در درون زمین و چگونگی یافتن آن ها تحقیق و مطالعه می کنند، آب زمین شناس (هیدروژئولوژیست) نامیده می شوند. آب شناسان، گروهی دیگر هستند که به مطالعه آب های سطحی و حرکت آنها در سطح زمین می پردازند.

ژئوفیزیک: زمین شناسان در مناطق قابل دسترسی، به مشاهده مستقیم می پردازند. ولی برای مطالعه ساختمان درونی زمین، که به راحتی در دسترس نیست و شناسایی ذخایر و معادن زیرزمینی با استفاده از امواج لرزه ای، بررسی مغناطیس، مقاومت الکتریکی و شدت گرایش سنگ ها به شناسایی آن می پردازند. این زمین شناسان را ژئوفیزیکدان می گویند.

زمین شناس نفت: زمین شناس نفت، از تخصص خود در شناخت چگونگی تشکیل و مهاجرت نفت در اعماق چند کیلومتری زمین استفاده می کند. هم چنین مکان هایی که نفت می تواند در آنجا انباشته شود، شناسایی کرده و جاهایی از یک میدان نفتی یا گازی که برای حفاری و استخراج نفت مناسب است را، مشخص می کند.

دیرینه شناسی: دیرینه شناسان، زمین شناسانی هستند که با بررسی فسیل ها و دیگر شواهد موجود در سنگ ها و رسوبات، به دنبال یافتن اطلاعاتی درباره تاریخچه حیات، سرگذشت زمین از آغاز تا امروز و موجوداتی که در هر دوره می زیسته اند، می باشند. هم چنین شرایط آب و هوا در گذشته زمین شناسی،

موضوع بررسی این زمین‌شناسان است.

مطالعه لایه‌ها و واحدهای مختلف سنگی سطح زمین، ترتیب زمانی تشکیل آن‌ها و رابطه آن‌ها با یکدیگر توسط چینه‌شناسان بررسی می‌شود.

از نقشه‌های زمین‌شناسی می‌توان برای مطالعه ویژگی‌های سنگ‌ها، خاک‌ها و مواد سطحی زمین استفاده کرد و اطلاعاتی را در اختیار مهندسان عمران قرار داد که از آنها در ساخت سد، راه، پل، تونل، نیروگاه و شهرک استفاده کنند. چه بسا سازه‌های مهم و بزرگی که بدون مشورت زمین‌شناسان ساخته شده و سرنوشتی جز ویرانی و از دست رفتن تمام هزینه‌های سنگین که برای ساخت آنها خرج شده، نداشته است.

زمین‌شناسی مهندسی: زمین‌شناسی مهندسی، شاخه‌ای از زمین‌شناسی است که رفتار و ویژگی‌های مواد سطحی زمین را از نظر مقاومت در برابر فشارهای وارده، نفوذپذیری و امکان ساخت یک سازه را در محلی خاص از زمین، بررسی می‌کند. زمین‌شناسی مهندسی نقش بسیار مهمی در انتخاب مناسب‌ترین محل برای ساخت سد، نیروگاه، تونل، کارخانه و مسیر عبور جاده و یا حتی محل دفن پسماندها دارد و مطالعات زمین‌شناسی، نخستین مرحله مطالعات پروژه‌های عمرانی است.

تکتونیک (زمین‌ساخت): زمین‌شناسی ساختمانی و زمین‌ساخت (تکتونیک) علم شناسایی و بررسی ساختارهای تشکیل‌دهنده پوسته زمین و علت به وجود آمدن آنهاست. گسل‌ها، درزه‌ها، چین‌ها، و دیگر ساختارهای زمین نقش مهمی در تجمع منابع زیرزمینی و احداث پروژه‌های عمرانی دارند. از سوی دیگر، زمین‌ساخت به مطالعه ساختار درونی زمین، چگونگی تشکیل رشته‌کوه‌ها، اقیانوس‌ها، زمین‌لرزه‌ها و دیگر رخداد‌های سطح زمین می‌پردازد.

در حال حاضر، هنوز انسان قادر به پیش‌بینی دقیق زمین‌لرزه نشده است، اما شاید روزی بتواند زمین‌لرزه‌ها را کنترل یا متوقف کند. برای اینکه زمین‌لرزه را به دقت پیش‌بینی کنیم، باید تغییرات پوسته زمین را ثبت و بررسی کنیم. هرچند پیش‌بینی زمین‌لرزه تاکنون امکان‌پذیر نبوده اما زمین‌شناسان زمین‌لرزه شناس توانسته‌اند نقاط پرخطر را شناسایی و احتمال خطر را برای هر منطقه و یا محل ساخت یک سازه، محاسبه کنند.

سنگ‌شناسی (پترولوژی): سنگ‌شناسی (پترولوژی)، شاخه‌ای از زمین‌شناسی است که در آن شیوه تشکیل، منشأ، رده‌بندی و ترکیب سنگ‌ها بررسی می‌شود. فرایندهای دگرگونی، آتش‌فشانی، نفوذ توده‌های آذرین در درون زمین و حتی بر روی ماه و دیگر سیاره‌ها، و مناطق زمین گرمایی در شاخه سنگ‌شناسی آذرین و دگرگونی بررسی می‌شود.

دانش ژئوشیمی، به پراکندگی عناصر در زمین و سیاره‌های دیگر، ترکیب کانی‌ها، سنگ‌ها و دیگر مواد زمین می‌پردازد و به دنبال پاسخی برای علت توزیع غیریکنواخت عناصر در زمین است.

رسوب‌شناسی و سنگ‌شناسی رسوبی: مواد حاصل از فرسایش کوه‌ها توسط آب، باد و یخ به مناطق پست یا حوضه‌های رسوبی انتقال یافته و در آنجا بر روی هم انباشته می‌شوند و پس از سنگ شدن، به سنگ‌های رسوبی تبدیل می‌شوند. در رسوب‌شناسی و سنگ‌شناسی رسوبی، فرایندهای انتقال و ته‌نشینی و تبدیل رسوبات به سنگ‌های رسوبی مطالعه می‌شود.

ژئومورفولوژی: زمین‌ریخت‌شناسی (ژئومورفولوژی)، علم مطالعهٔ سیماها، پدیده‌ها و شکل‌های سطح زمین، مانند انواع کوه‌ها، دره‌ها، پستی و بلندی‌ها و شیوهٔ تشکیل آنها توسط عوامل سطحی است.

زمین‌شناسی زیست محیطی: زمین‌شناسی زیست محیطی شاخه‌ای از زمین‌شناسی است که با استفاده از اصول زمین‌شناسی، به حل مسائل زیست محیطی می‌پردازد. افزایش جمعیت، بهره‌برداری بیش از اندازه از منابع و معادن، فرسایش خاک، افزایش روزافزون پسماندها، فاضلاب‌ها و مواد شیمیایی موجب آلودگی بخش‌های مختلف زمین از جمله آب، هوا و خاک شده است.

زمین‌شناسان زیست محیطی به مطالعه شیوه‌های انتقال و رفع آلاینده‌ها از محیط زیست می‌پردازند.

زمین‌شناسی پزشکی: منشأ همه عناصر از درون زمین است و آلودگی‌های طبیعی و انسان‌زاد می‌تواند از سنگ و خاک به آب و گیاه و دام و از طریق غذا به بدن انسان انتقال یابند. برخی عناصر، برای بدن انسان و دیگر موجودات ضروری هستند. آهن در هموگلوبین، فسفر و کلسیم در دندان و استخوان، نقش اساسی دارد اما برخی ترکیب‌ها مانند نیتрат‌ها و عناصری مانند جیوه، آرسنیک، سرب، کادمیم و... برای سلامت انسان مضر هستند. آلودگی طبیعی آرسنیک موجود در آب در بنگلادش و بخش‌هایی از هند، باعث مرگ بیش از ۶۰۰ هزار نفر و مبتلا شدن بیش از ۶۰ میلیون نفر به عوارض مختلف مانند سرطان، بیماری‌های پوستی و کلیوی شده است. در سراسر جهان بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در معرض آب آشامیدنی آلوده به آرسنیک هستند. مطالعه تأثیر عناصر، کانی‌ها و مواد زمین بر سلامت انسان، در قلمرو دانش جدید زمین‌شناسی پزشکی قرار دارد. هم‌اکنون در برخی کشورها، زمین‌شناسان پزشکی در گروه‌های کاری مشترک با پزشکان، زیست‌شناسان، شیمی‌دانان، و تخصص‌های دیگر، به حل مشکلات مختلف مانند شیوع سرطان و برخی بیماری‌های دیگر در نقاط مختلف می‌پردازند. همان‌طور که دیدیم زمین‌شناسی علمی بسیار متنوع است و کاربردهای زیادی به‌ویژه در حل مسائل و مشکلات بشر دارد.

بخش ۱



چرخه آب

در اواسط قرن هفدهم، دانشمندان توانستند مقدار آب دریافتی زمین را به دقت اندازه‌گیری کنند و مقایسه‌ای میان مقدار آن، با مقدار آبی که در رودها جریان دارد به عمل آورند. این اندازه‌گیری‌ها نشان داد که زمین شاید ۵ برابر بیشتر از آنچه که در رودها جریان دارد، آب دریافت می‌کند. در این صورت، مسئله، پیچیده‌تر شد. «بقیه آب‌ها به کجا می‌رود؟»

آب، در حرکتی مداوم است و از هوا به زمین و از زمین به هوا می‌رود. به این حرکت دوره‌ای، **چرخه آب** گفته می‌شود. همه ساله، حدود ۵۰۰ هزار کیلومتر مکعب آب تبخیر می‌شود و به هوا می‌رود که در حدود ۸۶ درصد آن، از سطح اقیانوس‌هاست. بقیه، از سطح خاک، دریاچه‌ها و رودها به هوا برمی‌خیزد.

متجاوز از ۹۷ درصد ذخیره آب زمین در اقیانوس‌هاست و از ۳ درصد باقیمانده هم، مقدار زیادی در قطبین و به صورت یخ ذخیره است. مقدار آب‌های موجود در زیر زمین در مقایسه با آب‌های سطحی، بسیار زیادتر است. در این صورت، آبی که در اتمسفر وجود دارد، در مقایسه با بقیه بسیار اندک است، زیرا کم بودن ظرفیت هوا برای نگهداری بخار آب سبب کاهش آب در اتمسفر می‌شود.

– آب، وضع هوای زمین را تنظیم می‌کند. اگر آب وجود نداشت، دمای هوا در طول روز به بیش از 100°C و در شب به کمتر از 100°C می‌رسید. در آن صورت اختلاف دمای فصل‌های مختلف و نیز تفاوت دمای نقاط قطبی و استوایی بسیار بیشتر می‌شد. آب‌ها بخشی از انرژی خورشید را جذب می‌کنند و وقتی هوا سرد باشد، این انرژی ذخیره شده به آهستگی آزاد می‌شود. این عمل همراه با اثر جریان‌های عمومی هوا کره در جابه‌جایی و اختلاط هوا، موجب تعدیل آب و هوای کلی زمین می‌شود.

– آب‌ها از طریق «فرسایش»، «حمل» و «رسوبگذاری» بیشترین تغییرات را در سطح زمین به وجود می‌آورند. آب‌ها به کمک دیگر عوامل طبیعی مثل باد، دائماً سنگ‌های سطح زمین را می‌فرسایند و آنها را در گودی‌های زمین ته‌نشین می‌کنند. این رسوبات سرانجام سنگ‌های رسوبی را به وجود می‌آورند.

– آب‌کره از نظر تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی، تولید انرژی و حمل و نقل، فراهم آوردن غذا و مواد معدنی، نقش مهمی در زندگی انسان دارد.

اکنون چرخه آب را در ۳ قسمت، آب در هوا، آب در دریا و آب در خشکی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آب در هوا

بخار آب در هوا

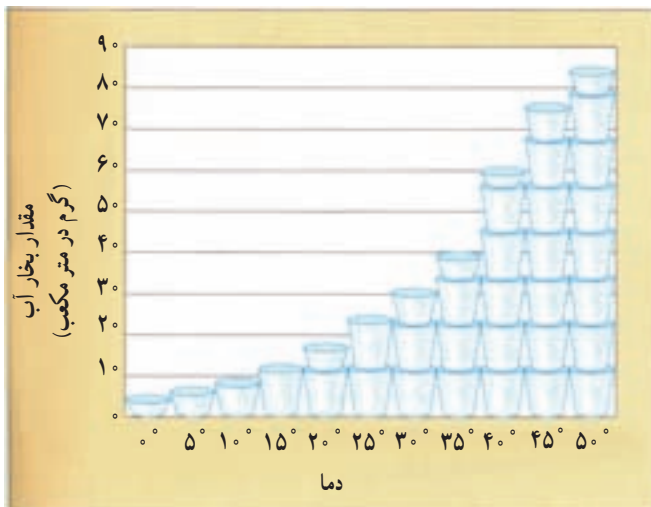
تقریباً در تمام نقاط زمین، هوا همیشه مقداری بخار آب همراه دارد و می‌توان گفت که هوای خشک عملاً وجود ندارد. ولی مقدار بخار آب موجود در هوا در نقاط مختلف، متفاوت است. آیا تاکنون در ماه‌های گرم سال به شهرهای سواحل خلیج فارس سفر کرده‌اید؟

آیا در مورد هوای شرجی اطلاعات و یا تجربه‌ای دارید؟ مسلماً هم‌وطنان ما در استان‌های جنوبی و شمالی، که در نزدیک دریا زندگی می‌کنند، با این نوع آب و هوا آشنایی دارند.

شرجی بودن هوا به میزان بخار آب موجود در هوا و دمای محیط بستگی دارد. برای بیان وضعیت بخار آب موجود در هوا از دو اصطلاح **رطوبت مطلق** و **رطوبت نسبی** استفاده می‌کنند.

رطوبت مطلق : جرم بخار آب موجود در واحد حجم هوا را، رطوبت مطلق می‌گویند.

باید توجه داشت که ظرفیت جذب بخار آب هوا محدود است و در هر دما، هوا قادر است مقدار مشخصی بخار آب را به خود جذب کند. به‌عنوان مثال مقدار رطوبت لازم برای اشباع هوا در چند دمای مختلف، در شکل ۱-۲ درج شده است. اعداد به‌خوبی نشانگر این واقعیت‌اند که هرچه دمای هوا بالاتر باشد، قابلیت جذب بخار آن نیز بیشتر می‌شود.



شکل ۱-۲- چه نوع رابطه‌ای میان افزایش دمای هوا و مقدار بخار آب اشباع وجود دارد؟

❓ چرا در زمستان‌ها روی قسمت داخلی شیشه‌های اتاق قطره‌های ریز آب می‌نشینند؟

رطوبت نسبی: رطوبت مطلق هوا برای بیان کیفیت هوا کافی نیست، زیرا گاهی در هوایی که رطوبت آن ۵ گرم در مترمکعب است، به آسانی تنفس می‌کنیم، حال آنکه ممکن است در دمای بالاتر، با رطوبت ۸ گرم در مترمکعب، احساس خشکی کنیم. برای بیان کیفیت هوا از نقطه نظر مقایسه آن با حالت اشباع، از اصطلاح رطوبت نسبی استفاده می‌کنند. برای به‌دست آوردن رطوبت نسبی از روش‌های زیر استفاده می‌شود:

۱- استفاده از رابطه رطوبت نسبی:

$$\text{رطوبت مطلق هوا} \times 100 = \frac{\text{رطوبت نسبی}}{\text{رطوبت مطلق لازم برای اشباع هوا در آن دما}}$$

به‌عنوان مثال، اگر رطوبت مطلق هوایی در دمای ۲۰ درجه، ۱۲ گرم در مترمکعب باشد، با توجه به شکل ۱-۲، رطوبت نسبی آن ۷۰ درصد خواهد شد:

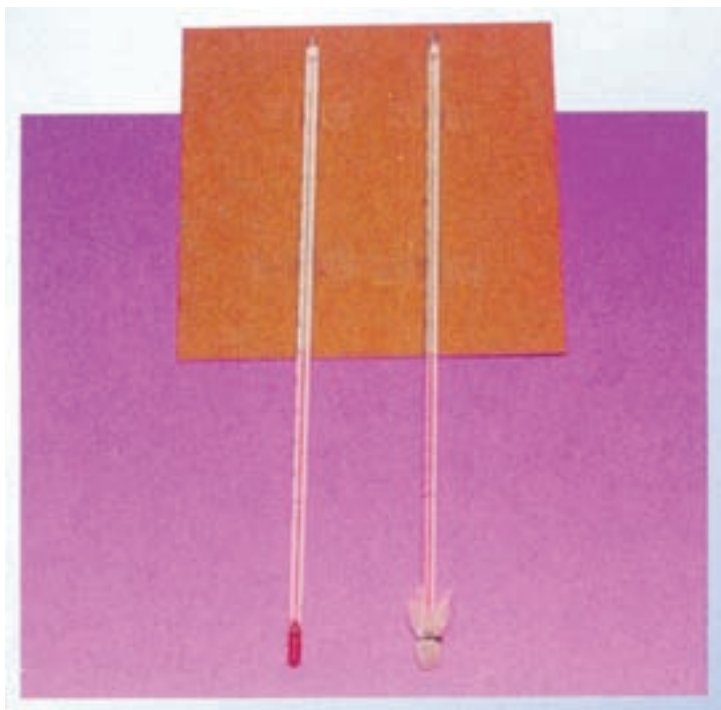
$$\text{درصد} 70 = \frac{12}{17.2} \times 100 = 69.76 \approx 70$$

یعنی، مقدار رطوبت موجود در هوا، ۷۰ درصد مقدار رطوبت لازم برای اشباع آن است.

۲- استفاده از دماسنج تر و خشک: ساده‌ترین روش برای اندازه‌گیری رطوبت نسبی هوا،

استفاده از دو دماسنج مشابه است که در کنار هم قرار گرفته‌اند.

مخزن جیوه یکی از دو دماسنج را در پارچه‌ای می‌پیچند و پارچه را داخل ظرف آب قرار می‌دهند و به آن دماسنج تر می‌گویند. این دماسنج معمولاً دمای کمتری را نسبت به دماسنج دیگر (دماسنج خشک) نشان می‌دهد، زیرا آبی که از اطراف پارچه تبخیر می‌شود، مقداری گرما از مخزن می‌گیرد.



شکل ۲-۲

فعالیت

— آیا می‌توانید بگویید در چه صورتی هر دو دماسنج یک دما را نشان می‌دهند؟

برای به دست آوردن رطوبت نسبی، ابتدا تفاضل دمای دماسنج خشک و دماسنج تر را به دست می‌آوریم. عدد حاصل نشان‌دهنده شماره ستون و دمای دماسنج خشک نشان‌دهنده ردیف در جدول صفحه بعد می‌باشد. محل تلاقی ستون و ردیف مذکور رطوبت نسبی را نشان می‌دهد.

طرز تعیین رطوبت نسبی										
دمای دماسنج خشک	دمای دماسنج خشک، منهای دمای دماسنج مرطوب									
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۰°C	۸۸	۷۷	۶۶	۵۵	۴۴	۳۴	۲۴	۱۵	۶	
۱۱°C	۸۹	۷۸	۶۷	۵۶	۴۶	۳۶	۲۷	۱۸	۹	
۱۲°C	۸۹	۷۸	۶۸	۵۸	۴۸	۳۹	۲۹	۲۱	۱۲	
۱۳°C	۸۹	۷۹	۶۹	۵۹	۵۰	۴۱	۳۲	۲۲	۱۵	۷
۱۴°C	۹۰	۷۹	۷۰	۶۰	۵۱	۴۲	۳۴	۲۶	۱۸	۱۰
۱۵°C	۹۰	۸۰	۷۱	۶۱	۵۳	۴۴	۳۶	۲۷	۲۰	۱۳
۱۶°C	۹۰	۸۱	۷۱	۶۳	۵۴	۴۶	۳۸	۳۰	۲۳	۱۵
۱۷°C	۹۰	۸۱	۷۲	۶۴	۵۵	۴۷	۴۰	۳۲	۲۵	۱۸
۱۸°C	۹۱	۸۲	۷۳	۶۵	۵۷	۴۹	۴۱	۳۴	۲۷	۲۰
۱۹°C	۹۱	۸۲	۷۴	۶۵	۵۸	۵۰	۴۳	۳۶	۲۹	۲۲
۲۰°C	۹۱	۸۳	۷۴	۶۸	۵۹	۵۳	۴۶	۳۹	۳۲	۲۶
۲۱°C	۹۱	۸۳	۷۵	۶۷	۶۰	۵۳	۴۶	۳۹	۳۲	۲۶
۲۲°C	۹۲	۸۳	۷۶	۶۸	۶۱	۵۴	۴۷	۴۰	۳۴	۲۸
۲۳°C	۹۲	۸۴	۷۶	۶۹	۶۲	۵۵	۴۸	۴۲	۳۶	۳۰
۲۴°C	۹۲	۸۴	۷۷	۶۹	۶۲	۵۶	۴۹	۴۳	۳۷	۳۱
۲۵°C	۹۲	۸۴	۷۷	۷۰	۶۳	۵۷	۵۰	۴۴	۳۹	۳۳
۲۶°C	۹۲	۸۵	۷۸	۷۱	۶۴	۵۸	۵۱	۴۶	۴۰	۳۴
۲۷°C	۹۲	۸۵	۷۸	۷۱	۶۵	۵۸	۵۲	۴۷	۴۱	۳۶
۲۸°C	۹۳	۸۵	۷۸	۷۲	۶۵	۵۹	۵۳	۴۸	۴۲	۳۷
۲۹°C	۹۳	۸۶	۷۹	۷۲	۶۶	۶۰	۵۴	۴۹	۴۳	۳۸
۳۰°C	۹۳	۸۶	۷۹	۷۳	۶۷	۶۱	۵۵	۵۰	۴۴	۳۹

آزمایش کنید

رطوبت نسبی کلاس خود را به دست آورید.

❓ اگر دمای دماسنج خشک و دماسنج تر به ترتیب ۲۸ و ۲۵ درجه سانتی گراد باشد، رطوبت نسبی چند درصد می باشد؟

❓ در فصل سرما، وقتی راننده ها ملاحظه می کنند که شیشه های اتومبیل از داخل «عرق کرده» است، یکی از شیشه ها را پایین می آورند تا بخار روی شیشه برطرف شود. علت چیست؟
نقطه شبنم : در بعضی روزها در صبح زود، بر روی برگ گیاهان و گلبرگ گل ها، قطرات ریز آب را می بینیم که به آن شبنم می گویند. در واقع بدون آنکه باران باریده باشد، زمین خیس است، علت تشکیل شبنم چیست؟

مقدار رطوبت لازم برای اشباع هوا در دماهای مختلف فرق می کند. فرض می کنیم که در ابتدای شب، دمای هوا ۲۰ درجه سانتیگراد و رطوبت مطلق آن ۱۲/۸ گرم در مترمکعب باشد. واضح است که چنین هوایی با توجه به شکل ۱-۲، اشباع نیست. در طول شب دما کاهش می یابد. هنگامی که دما به ۱۵ درجه سانتیگراد برسد، رطوبت موجود در هوا و رطوبت لازم برای اشباع آن در این دما برابر می شوند. بنابراین، هوا به حالت اشباع درمی آید.

دمایی را که در آن، رطوبت هوای غیر اشباع به حالت اشباع درمی آید، **نقطه شبنم** می گویند که در مثال مورد نظر، این دما ۱۵ درجه سانتیگراد است. حال اگر دما از این حد هم کمتر شود، رطوبت موجود در هوا بیش از ظرفیت آن است و بنابراین مازاد آن به صورت مایع (شبنم) در جاهای سرد (مثل برگ گیاهان) می نشیند.

مه و ابر : ابر، مجموعه ای از قطرات خیلی ریز آب یا تکه های کوچک یخ است. برای تشکیل ابر، باید هوای مرطوب، سرد شود و دمای آن به پایین تر از نقطه شبنم برسد. با تشکیل قطرات آب یا تکه های یخ، این ذرات در هوا معلق می مانند و مجموعه آنها، ابرها را تشکیل می دهند.

عواملی چون مخلوط شدن هوای مرطوب با هوای سردتر، رفتن هوا به منطقه سردتر، سرد شدن هوا به علت باریدن قطرات باران سرد بر روی آن و یا انبساط فوری هوا باعث پایین آمدن دمای هوا می شوند.

از نظر کلی، ابر و مه تفاوتی ندارند، فقط مه در قسمت های پایین و ابر در نواحی بالا تشکیل می شود. ارتفاع مه در بعضی موارد بسیار کم است و در سطح زمین هم ممکن است تشکیل شود. به عنوان مثال، گردنه های مرتفع مثل گردنه های حیران در آذربایجان، خوش ییلاق در حوالی شاهرود، و گردنه ورسک در جاده فیروزکوه، در بیشتر مواقع مه آلود هستند.

قطر ذرات آب تشکیل دهنده ابر و مه از ۰/۰۲ میلیمتر تجاوز نمی کند. گرچه این قطرات با سرعت کم به سمت زمین حرکت می کنند، اما جریان هوای بسیار ضعیف هم آنها را مجدداً به سمت بالا می کشاند.

البته ممکن است این ذرات به توده‌ای از هوا برخورد کنند که دمای بالا و رطوبت کم داشته باشد، که در این صورت مجدداً به بخار آب تبدیل می‌شوند.

مشاهده و تفسیر کنید

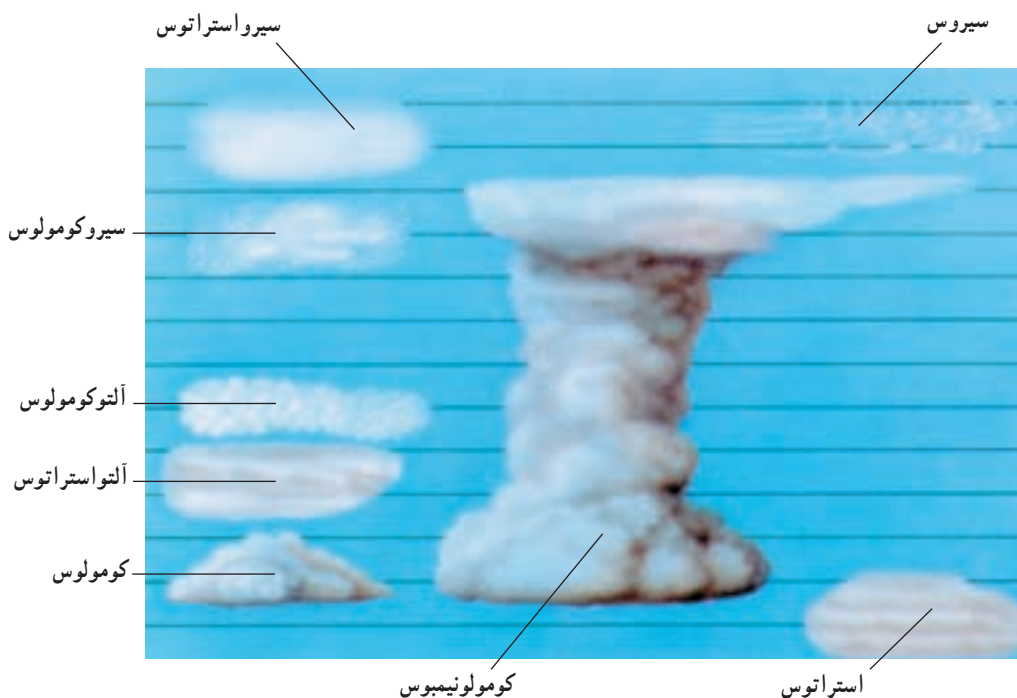
تشکیل ابر

با انجام آزمایش ساده زیر می‌توانید طرز تشکیل ابر را ببینید.
مقدار کمی آب در یک ظرف شیشه‌ای دهان گشاد و بزرگ بریزید. دهانه ظرف را ببندید و آنرا چند ساعت به همان حال بگذارید. سپس، کبریتی را روشن کنید و بعد شعله را با فوت خاموش کنید و کبریت را فوراً داخل شیشه ببرید و چند ثانیه در آنجا نگهدارید. دهانه شیشه را این بار، با لایه‌ای لاستیکی و نازک (مانند بادکنک) که به آسانی کش بیاید، محکم ببندید. پس از چند دقیقه، یکباره این لایه را بالا بکشید. آنچه را که اتفاق می‌افتد، تفسیر کنید. اگر دودی به داخل شیشه نمی‌فرستادید، آیا باز هم همان پدیده رخ می‌داد؟

اقسام ابر: ابرها در آسمان به شکل‌های مختلفی دیده می‌شوند، از نظر ارتفاع با هم تفاوت دارند و از نظر تولید برف و باران نیز متفاوت‌اند.

اصولاً ابرها را به سه دسته کلی لایه‌ای (استراتوس)، توده‌ای (کومولوس) و پرمایند (سیروس) تقسیم می‌کنند. ابری که مشخصات دو دسته از این ابرها را داشته باشد، به نام هر دو نامیده می‌شود. (مثل ابرهای سیرواستراتوس و سیروکومولوس)، از سوی دیگر، اگر ارتفاع تشکیل ابر بیش از ارتفاع معمولی ابرها باشد در جلو نام آن پیشوند آلتو قرار می‌دهند و اگر ابر قدرت بارندگی داشته باشد، در جلو نام آن کلمه نیمبوس را به کار می‌برند.

معمولاً بخار آب موجود در هوا، به‌طور مستقیم به باران تبدیل نمی‌شود. برای آنکه بارندگی رخ دهد، ذرات تشکیل‌دهنده ابر باید به قدر کافی بزرگ و سنگین شوند تا بتوانند سقوط کنند. در نتیجه، برای ایجاد بارش‌های قابل توجه، باید قطرات و بلورهای داخل ابر، بر اثر برخورد و پیوستن به هم، به اندازه کافی رشد کنند.

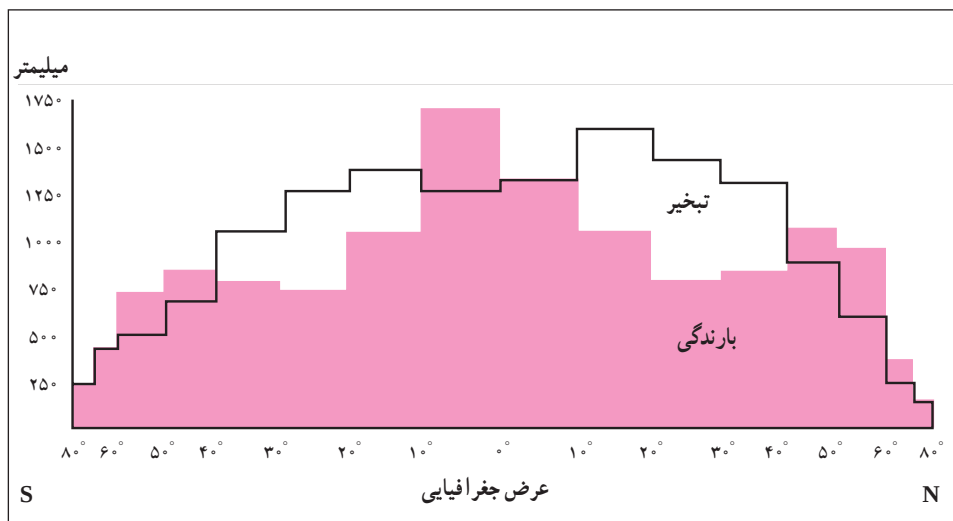


شکل ۲-۳ - اقسام ابرها

وزن قطرات اولیه باران به هنگام سقوط ممکن است در اثر جمع شدن با سایر ذرات اضافه شده و قطره باران درشت‌تر شود. گاهی نیز ممکن است برعکس، در ضمن سقوط، قطره اولیه گرم شده و تمام یا قسمتی از آن تبخیر شود.

آب و هوا (اقلیم)

آب و هوا یا اقلیم هر منطقه، تابع دو عامل اصلی دما و بارش است. از آنجا که مقدار بارندگی، رطوبت و دمای هوا در قسمت‌های مختلف متفاوت است، در مناطق مختلف زمین، آب و هواهای متفاوتی وجود دارد. در شکل ۴-۲، میزان بارندگی و تبخیر در عرض‌های جغرافیایی مختلف نشان داده شده است. همانطور که در این شکل می‌بینید، مناطق کم باران در عرض‌های جغرافیایی ۲۵ درجه شمالی و ۳۰ درجه جنوبی واقع‌اند و در این نواحی، میزان تبخیر بیش از مقدار بارندگی است. از سوی دیگر، بادهای این مناطق خشک‌اند و می‌توانند رطوبت زیادی را جذب کنند. بیشتر بیابان‌های دنیا در این مناطق قرار دارند.



شکل ۴-۲ — مقدار بارندگی و تبخیر سالانه در عرض‌های جغرافیایی مختلف

در اطراف استوا، مقدار بارندگی بیشتر از میزان تبخیر است. این وضعیت در عرض‌های جغرافیایی ۴۰ تا ۵۰ درجه نیز دیده می‌شود. علت آن برخورد بادهای مخالفی است که از جانب قطب و منطقه معتدله می‌وزند و در این مناطق جبهه‌های پربارانی را تشکیل می‌دهند.

آب در دریا

اولین فضانوردانی که از فاصله‌های دور زمین را دیدند به آن نام «سیاره آبی» دادند. زیرا بیشتر سطح زمین را آب پوشانده است. آب اقیانوس‌ها، دریاها و دریاچه‌ها، رودها، آب‌های زیرزمینی، توده‌های یخ و برف و حتی بخار آب موجود در هوا را که پوشش ناپیوسته‌ای از آب در سطح یا در نزدیک سطح زمین تشکیل داده‌اند مجموعاً «آب کره» می‌گویند.

اقیانوس‌ها

۹۷/۲ درصد حجم آب کره زمین در اقیانوس‌ها و دریاها ذخیره است. اقیانوس‌ها و دریاها از جهات مختلف در زمین‌شناسی اهمیت دارند. امواج اقیانوسی موجب تغییر شکل سواحل می‌شوند. جریان‌های اقیانوسی در تعدیل آب و هوای خشکی‌های مجاور مؤثرند. اقیانوس‌ها محل ته‌نشست نهایی بیشتر رسوباتی هستند که از خشکی‌های زمین حمل می‌شوند. بسیاری از سنگ‌هایی که امروزه قسمت‌های وسیعی از سطح خشکی‌ها را پوشانده‌اند از رسوبات دریایی تشکیل شده‌اند. مطالعه بستر اقیانوس‌ها در چند دهه اخیر، به روشن شدن وضعیت زمین‌شناسی سیاره ما کمک شایانی کرده است.

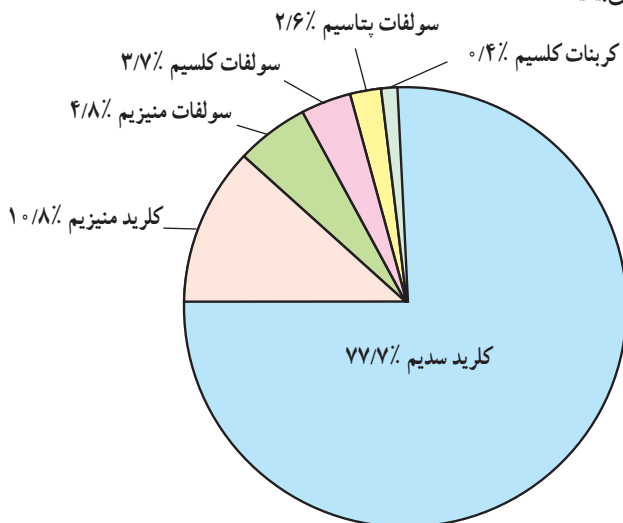


شکل ۱-۳- اولین فضانوردانی که از فاصله‌های دور زمین را دیدند به آن نام «سیاره آبی» دادند.

ویژگی‌های آب دریا

گرچه ممکن است خصوصیات آب دریا بطور محلی تغییرات چندانی نشان ندهد، ولی در مقیاس وسیع، این تغییرات زیاد است. گذشته از نوع جانداران، آب دریا از نظر ترکیب، شوری، گازهای محلول، دما، چگالی و میزان ذرات معلق تغییر می‌کند.

املاح: تقریباً تمام عناصر موجود در پوسته زمین هرچند به مقدار ناچیز، در آب اقیانوس‌ها هم یافت می‌شود. آدمی از هزاران سال قبل می‌دانست که اگر آب دریا را تبخیر کند یا بجوشاند، مقداری نمک‌های مختلف به دست می‌آورد و از همین راه نمک خوراکی خود را تأمین می‌کرد. اگر یک لیتر آب دریا تبخیر شود، بطور متوسط حدود $34/5$ گرم نمک به جای می‌ماند. فراوانی نمک‌های مختلف آب دریا را در جدول زیر می‌بینید.



شکل ۲-۳ - نمودار درصد املاح فراوانتر آب دریا

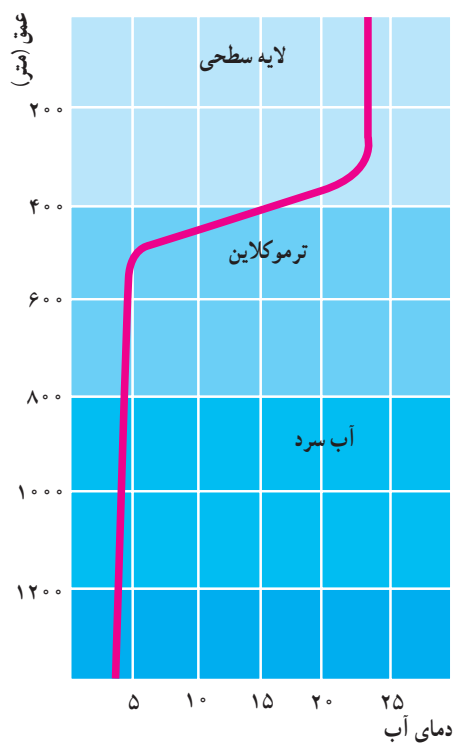
مقدار نمک‌های محلول در آب اقیانوس‌ها را معمولاً برحسب گرم بر کیلوگرم آب بیان می‌کنند و به آن «درجه شوری» می‌گویند. بنابراین، شوری متوسط آب اقیانوس‌ها $34/5$ گرم بر کیلوگرم است. **؟** درجه شوری آب خلیج فارس 40 گرم بر کیلوگرم است. چگونه آن را توجیه می‌کنید؟ به نظر شما درجه شوری چه مناطقی باید از مقدار متوسط آن کمتر باشد؟ برای گفته خود دلیل بیاورید. **؟** برای به‌دست آوردن 62 گرم نمک طعام از آب خلیج فارس، به تبخیر حدود چند کیلوگرم آب نیاز است؟

امروزه علاوه بر نمک طعام، عناصری چون منیزیم و برم را هم از آب دریا به دست می‌آورند،

منیزیم با چگالی نسبتاً کم خود در هواپیماسازی و برم در تهیه محصولات عکاسی کاربرد دارد.

گازها: گازها هم مانند مواد جامد در آب دریا یافت می‌شوند و در این میان اکسیژن و دی‌اکسیدکربن مهمترین از بقیه‌اند. وجود این گازها برای جانداران ساکن آب اهمیت بسیار دارد. تمام جانوران باید اکسیژن آزاد به دست آورند تا تنفس کنند. وقتی که ماهی‌ها و سایر جانوران آبی اکسیژن محلول در آب را مورد استفاده قرار می‌دهند، اکسیژن اتمسفری جانشین آن می‌شود. به علت فرآیند فتوسنتز گیاهان و جلبک‌های فراوان موجود در سطح آب، مقداری اکسیژن از آب وارد هوا می‌شود. در ضمن، جریان‌های دریایی، اکسیژن را از سطح به عمق آب می‌برند.

فقط مقدار کمی از دی‌اکسیدکربن آب اقیانوس به صورت مولکول CO_2 باقی می‌ماند. مقدار زیادی از این گاز با آب واکنش کرده، به صورت یون‌های کربنات $(\text{CO}_3)^{2-}$ و بیکربنات $(\text{HCO}_3)^-$ می‌آید. از آنجا که توانایی آب در نگهداری چنین یون‌هایی زیاد است، اقیانوس‌ها نسبت به اتمسفر مقدار بیشتری دی‌اکسیدکربن و اکسیژن دارند. همچنین، آب سرد در مقایسه با آب گرم توانایی زیادتری در نگهداری گازها و یون‌های آن دارد.



شکل ۳-۳ تغییرات دمای آب متناسب با عمق

دما: در دریاهای باز، دمای سطحی آب از حدود ۳- درجه سانتیگراد در نواحی قطبی تا ۳۲+ درجه سانتیگراد در مناطق استوایی می‌رسد.

عامل اصلی گرم‌کننده آب دریا اشعه خورشید است که تا عمقی متجاوز از صدمتر در آب دریا نفوذ می‌کند و بیشتر گرمای آن در نزدیکی سطح آب جذب می‌شود. در ضمن، جریان‌های دریایی با جابه‌جا کردن آب‌های سرد و گرم دما را در نواحی مختلف و اعماق متفاوت تاحدی متعادل می‌سازند.

برخلاف لایه‌های سطحی آب که دمایی تغییرپذیر دارد، در عمق بیشتر از ۵۰۰ متر، دمای آب ثابت و معادل ۴ درجه سانتیگراد است. به افت ناگهانی دما از ۳۲ درجه سانتیگراد در آب‌های سطحی مناطق استوایی به ۴ درجه سانتیگراد در عمق بیش از ۵۰۰ متر، ترموکلاین می‌گویند. به‌طوری که مثلاً حتی در آب‌های گرم استوایی دما یکباره از ۳۲ به ۴ درجه می‌رسد.

فشار : فشار آب با افزایش عمق، زیاد می‌شود. در مقابل هر ده متر عمق، یک اتمسفر بر فشار آب اضافه می‌شود. با این ترتیب، در نقاط عمیق اقیانوس، فشار بسیار زیاد است.

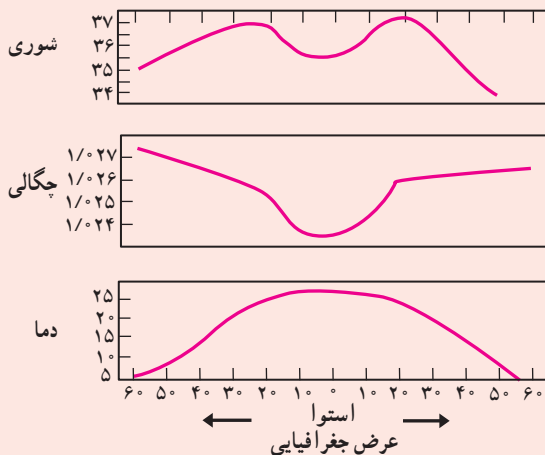
بیشتر بدانید

سفر به ژرفای اقیانوس‌ها

اکتشافات در بستر دریاها و کشف اسرار آن ابتدا به وسیله غواصان انجام می‌گرفت. لباس‌های سنگین و کلاه‌های آهنی، این غواصان را در برابر فشارهای زیاد آب محافظت می‌کرد. امروزه دانشمندان قادرند با استفاده از سفینه‌ها یا زیردریایی‌های کوچک به عمیق‌ترین بخش‌های اقیانوس‌ها سفر کنند. انواع مختلفی از این گونه سفینه‌ها وجود دارد. برخی چند و بعضی یک مسافر را می‌تواند با خود پایین ببرد و پاره‌ای نیز بدون سرنشین‌اند و از سطح دریا کنترل می‌شوند. از این وسایل برای عکسبرداری، مشاهده مستقیم، نمونه‌برداری از رسوبات، تعمیر سازه‌های زیرآبی، حتی یافتن کشتی‌های غرق شده و پیدا کردن جواهرات گم شده در اعماق اقیانوس‌ها استفاده می‌شود. برخی از این وسایل برای سفر به ژرفترین نقاط اقیانوسی طراحی شده‌اند. گودال ماریانا (ژرفترین نقطه در اقیانوس‌ها به ژرفای بیش از ۱۱ کیلومتر) با یکی از همین وسایل مورد مطالعه قرار گرفته است. در سال ۱۹۶۰ نیز دونفر توانستند به کف گودال چالنجر (به عمق بیش از ۱۰۹۰۰ متر)، در غرب اقیانوس آرام برسند. فولادی که برای ساختن کابین این دستگاه به کار رفت به ضخامت ۱۵ سانتیمتر بود.

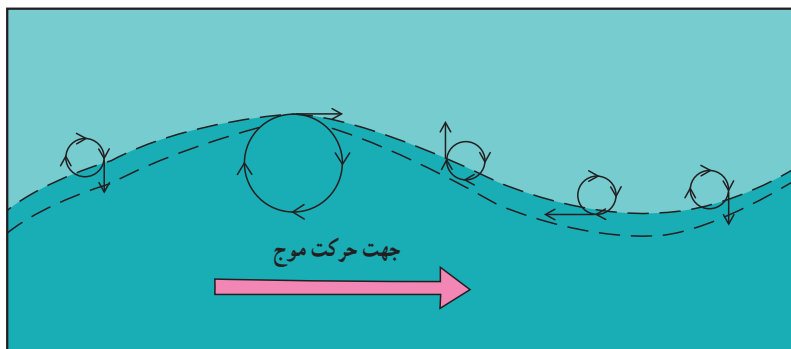
چگالی : چگالی آب دریاها به عوامل مختلفی مثل شوری، دما و مقدار مواد معلق در آن بستگی دارد. هرچه آب شورتر، سردتر و دارای مواد معلق بیشتری باشد چگالتز است.

مقایسه کنید



منحنی‌های مقابل تغییرات شوری، چگالی و دما را در آب‌های سطحی اقیانوس اطلس از ۶۰ درجه شمالی تا ۶۰ درجه جنوبی نشان می‌دهند. بین منحنی‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟

حرکات: آب اقیانوس‌ها و دریاها دائماً در حال حرکت است. این حرکت علل مختلفی دارد که از میان آنها می‌توان اثر باد (موج)، نیروی گرانشی ماه و خورشید (جزر و مد)، را نام برد. حرکات آب دریاها در تغییر شکل پوسته زمین، تغییرات اقلیمی نقاط مختلف زمین و تولید منابع غذایی دریایی اهمیت فراوانی دارد. مهمترین حرکات‌های آب دریا عبارتند از: امواج و جریان‌های دریایی سطحی و عمقی.



شکل ۴-۳- حرکت ذرات آب و تشکیل موج

امواج: موج آب عبارت از حرکت منظم ذرات آب به طرف بالا و پایین است که به صورت چین‌هایی در سطح آب دیده می‌شود. وقتی که باد بر سطح آب می‌وزد، در اثر اصطکاک این دو باهم، چین‌هایی در سطح آب پدید می‌آید که در جهت حرکت باد پیوسته به جلو رانده می‌شود. وقتی که موجی از سطح آب می‌گذرد، ذرات آب در قسمت سطحی حرکت دایره مانند انجام می‌دهند. قطر دایره‌ها با افزایش عمق کاهش می‌یابد و در عمقی معادل نصف طول موج، ذرات آب تقریباً دیگر حرکتی ندارند. طوفان‌های شدید می‌توانند امواجی با طول و ارتفاع زیاد ایجاد کنند که در این صورت آب دریاها تا عمق زیادی دارای حرکت خواهد شد.

جریان‌های اقیانوسی: عوامل مختلفی موجب می‌شوند که توده‌های آب در امتداد سطح یا در عمق اقیانوس‌ها به حرکت درآیند. این گونه حرکات آب را جریان‌های سطحی و عمقی می‌خوانند.

جریان‌های سطحی: عامل مهم جریان‌های سطحی اقیانوس‌ها، بادهای عمومی کره زمین‌اند. زمانی که باد در امتداد سطح آب می‌وزد، علاوه بر تولید موج، می‌تواند آب‌های سطحی را به آهستگی به جلو براند و جریان اقیانوسی ایجاد کند. این جریان‌ها وسعت بسیار ولی معمولاً عمق کمی دارند. در ایجاد جریان‌های سطحی اقیانوسی عوامل دیگری از قبیل حرکت وضعی زمین، اختلاف چگالی آب و شکل بستر اقیانوس‌ها نیز مؤثرند.

بعضی از جریان‌های دریایی مانند گلف استریم، آب‌های گرم مناطق استوایی را به عرض‌های بالاتر و بعضی دیگر مانند لابرادور آب‌های سرد قطبی را به عرض‌های پایینتر می‌برند.



جریان دریایی گرم
جریان دریایی سرد

شکل ۵-۳- جریان‌های دریایی گرم و سرد در اقیانوس‌های جهان

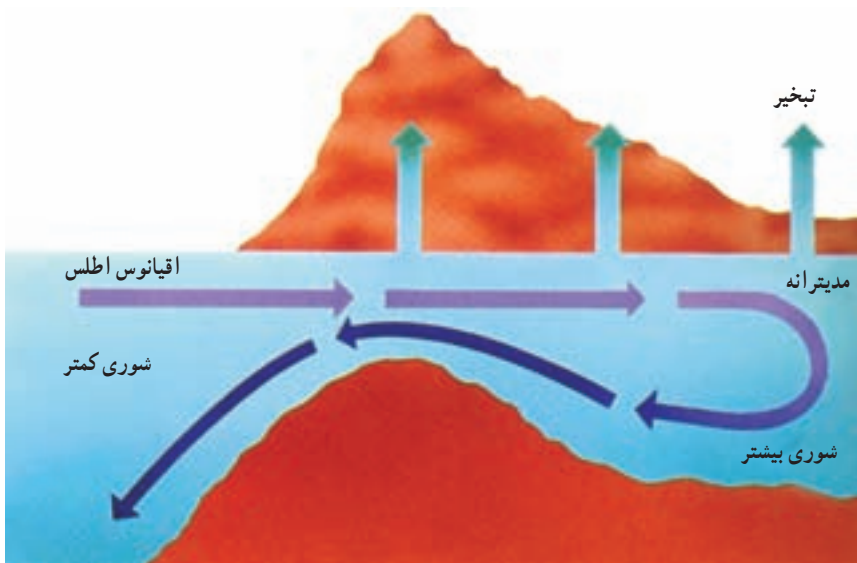
❓ اگر جریان‌های سطحی اقیانوس‌ها وجود نداشتند چه تغییری در اقلیم کره زمین به وجود می‌آمد؟

جریان‌های عمیق : چنانکه دیدیم، چگالی آب دریاها و اقیانوس‌ها به علت تغییر دما، شوری و میزان مواد معلق موجود در آنها در نقاط مختلف متفاوت است. اختلاف چگالی آب اقیانوس‌ها در نقاط مختلف، موجب جابه‌جایی آب و تشکیل جریان‌های قائم می‌شود.

جریان‌های تنگه جبل الطارق (بین مدیترانه و اقیانوس اطلس) بهترین نمونه جریان‌های حاصل از اختلاف چگالی است. در این دریای گرم، میزان تبخیر بیشتر از میزان بارندگی یا آبی است که از راه رودها وارد آن می‌شود. به همین علت، میزان شوری آب در دریای مدیترانه بیشتر از اقیانوس اطلس است (میزان شوری اقیانوس اطلس ۳۵ و دریای مدیترانه ۳۹ گرم در کیلوگرم است).

❓ اگر دریای مدیترانه از راه تنگه جبل الطارق با اقیانوس اطلس در ارتباط نبود، چه پدیده‌ای رخ می‌داد؟

این اختلاف سبب می‌شود آب‌های شور و سنگین دریای مدیترانه در امتداد کف تنگه حرکت کنند و در آب‌های سبکتر اقیانوس اطلس فرو روند. همزمان با آن، آب‌های سبکتر اقیانوس اطلس به مدیترانه جریان می‌یابند و جانشین آب‌های شوری می‌شوند که از آن خارج شده‌اند.



شکل ۶-۳- آب بسیار شور دریای مدیترانه در مقایسه با آب اقیانوس، جریان عمقی ویژه‌ای پدید می‌آورد.

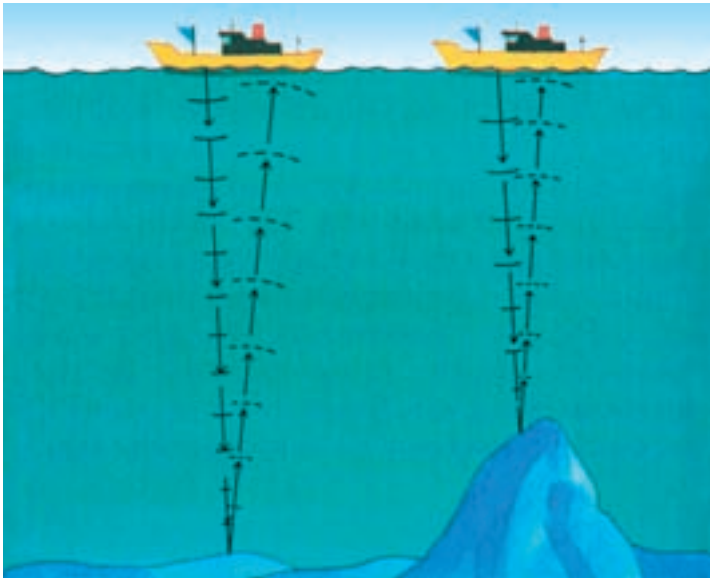
راه دیگر برای به‌وجود آمدن این گونه جریان‌ها، سرد شدن آب است. مثلاً آب‌های سرد نواحی قطب شمال و جنوب در اقیانوس اطلس به علت سنگینی به عمق می‌روند و آب‌های نواحی عمیق این اقیانوس به سمت مناطق گرم‌تر حرکت می‌کنند. وجود این نوع جریان‌ها برای جانداران دریازی بسیار مهم است، زیرا به همراه آبی که به سوی اعماق دریا می‌رود مقدار زیادی اکسیژن محلول وجود دارد. در ضمن، هنگامی که آب‌ها از عمق به سطح می‌آیند، مقدار زیادی ترکیبات نیترات و فسفات‌دار به‌همراه می‌آورند. پلانکتون‌های گیاهی که خود اولین زنجیره غذایی دریاها را تشکیل می‌دهند به این مواد نیاز فراوانی دارند.

نوعی دیگر از جریان‌های مربوط به اختلاف چگالی، مخلوط شدن گل و لای با آب دریاست که در مناطق حاشیه قاره‌ها صورت می‌گیرد. طبعاً آب گل‌آلود از آب صاف سنگین‌تر است و در زیر آب‌های سبک‌تر جریان پیدا می‌کند. این قبیل جریان‌ها را معمولاً در نقاطی می‌توان یافت که رودی گل‌آلود وارد دریایی آرام می‌شود و یا رسوبات نزدیک لبه فلات قاره بر اثر زلزله به لرزش درآیند و در سرایشب قاره حرکت کنند.

❓ به علت فراوانی ماهی در سواحل کشور پرو در امریکای جنوبی، این کشور یکی از بزرگترین صادرکنندگان ماهی به‌شمار می‌آید، آیا می‌توانید دلیلی برای این پدیده پیدا کنید؟

شکل‌شناسی بستر اقیانوس‌ها

تا چند دهه قبل اطلاعات زیادی از شکل بستر اقیانوس‌ها در دست نبود. در گذشته برای اندازه‌گیری عمق اقیانوس‌ها از ریسمان و وزنه استفاده می‌شد که کاری بس سخت و خسته‌کننده بود و به همین جهت اطلاعات کمی از این راه به دست می‌آمد. اما از اواسط قرن بیستم میلادی با استفاده از دستگاه‌هایی که زمان رفت و برگشت امواج صوتی را از سطح تا کف دریا به آسانی تعیین می‌کرد، دانشمندان توانستند ژرفای آب اقیانوس‌ها را در هر نقطه به آسانی و به سرعت اندازه‌گیری کنند. به این ترتیب نقشه بستر اقیانوس‌ها تهیه شد. همچنین با استفاده از زیردریایی‌های تحقیقاتی، بهره‌گیری از وسایل نمونه‌گیری و دستگاه‌های حفاری پیشرفته اطلاعات با ارزشی از رسوبات و سنگ‌های بستر اقیانوس‌ها به دست آمد (شکل ۷-۳).



شکل ۷-۳ — اندازه‌گیری و ثبت ژرفای آب اقیانوس‌ها. علائم صوتی تولید شده در کشتی پس از برخورد و بازتاب، به وسیله گیرنده‌های موجود در کشتی دریافت می‌شود. با معلوم بودن سرعت صوت در آب و اندازه‌گیری زمان رفت و برگشت امواج صوتی، ژرفای آب قابل محاسبه است.

مطالعات و اندازه‌گیری‌ها نشان می‌دهد که بستر اقیانوس‌ها مانند سطح خشکی‌ها دارای پستی و بلندی‌ها و عوارض متنوعی است که به ترتیب از ساحل به سمت پشته اقیانوسی عبارتند از: فلات قاره، شیب قاره، خیز قاره، دشت مگاک و پشته اقیانوسی

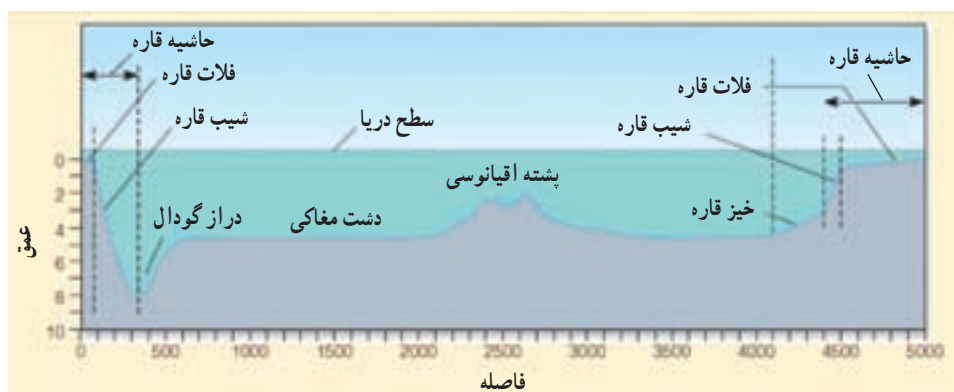
فلات قاره : به بخش کم‌شیب حاشیه قاره‌ها گفته می‌شود که از خط ساحلی تا شیب قاره ادامه دارد. این بخش بیشتر از لایه‌های رسوبی ضخیم ساخته شده است. این رسوب‌ها حاصل فرسایش خشکی‌های مجاورند که در زمان‌های طولانی روی هم انباشته شده است. حداکثر عمق فلات قاره در نقاط مختلف، متفاوت است ولی معمولاً عمق ۲۰۰ متر را برای آن در نظر می‌گیرند. فلات قاره در اطراف برخی قاره‌ها دارای پهنای زیاد و در برخی مناطق، بسیار باریک است. این بخش اگرچه توسط آب پوشیده شده است ولی از نظر زمین‌شناسی جزء قاره محسوب می‌شود. آن بخش از ذخایر نفتی دنیا که در دریاها قرار دارند، در این بخش واقع شده‌اند.

شیب قاره : به بخش نسبتاً پرشیب‌تر از بستر اقیانوس که از فلات قاره تا خیز قاره ادامه دارد، شیب قاره می‌گویند. بنابراین حد زمین‌شناسی حوضه‌های اقیانوسی، خط ساحلی نیست، بلکه شیب قاره است. به مجموع فلات قاره و شیب قاره، حاشیه قاره می‌گویند.

خیز قاره : در دامنه شیب قاره نیز معمولاً منطقه‌ای با شیب نسبتاً آرام به نام خیز قاره وجود دارد که شیب قاره را به دشت مفاکی متصل می‌کند.

البته در حاشیه برخی اقیانوس‌ها مانند اقیانوس آرام، شیب قاره به گودال‌های عمیقی که به موازات حاشیه قاره امتداد دارند، منتهی می‌شوند. این گودال‌ها را دراز گودال اقیانوسی می‌گویند. مانند دراز گودال ماریانا به عمق حدود ۱۱۰۰۰ متر در غرب اقیانوس آرام که عمیق‌ترین بخش شناخته شده کره زمین است.

دشت مفاکی : به مسطح‌ترین و عمیق‌ترین بخش حوضه اقیانوسی دشت مفاکی می‌گویند.



شکل ۸-۳- برشی از بستر اقیانوس

پشته‌های اقیانوسی: به رشته کوه‌های خطی و طویل کف اقیانوس‌ها، پشته اقیانوسی می‌گویند. این رشته کوه‌های مرتفع زیردریایی شکل متفاوتی داشته و در امتداد محور مرکزی آن‌ها، دره‌های عمیقی وجود دارد. محل پشته‌های اقیانوسی، فعالیت‌های آتش‌فشانی و زمین‌لرزه‌ای، فراوان است. به عنوان مثال می‌توان به پشته اقیانوسی اطلس اشاره نمود.



شکل ۹ — ۳ — پشته اقیانوسی در اقیانوس اطلس

آب‌های جاری

گرچه مقدار آبی که در هر لحظه در روی زمین جریان دارد در مقایسه با حجم آب کره بسیار ناچیز است، ولی بسیاری از تغییرات سطح زمین توسط همین آب‌ها انجام می‌گیرد. آب‌های جاری از نظر تأمین آب مصرفی انسان، در کشاورزی، صنعت، تولید نیروی الکتریسیته ارزان، ماهیگیری، کشتی‌رانی و به عنوان مرزهای طبیعی و ... اهمیت خاصی دارند.

بخشی از باران را که در سطح زمین به سوی مناطق پست‌تر جاری می‌شود «رواناب» می‌گویند. عوامل مختلفی بر میزان رواناب حاصل از یک بارندگی مؤثر است.

❓ تحقیق کنید چه عواملی بر مقدار رواناب تأثیر دارند؟

گیاهان حرکت آب را کند می‌کنند و سبب نفوذ آب بیشتری به زمین می‌شوند. بعضی از انواع خاک‌ها مقدار رواناب را کاهش می‌دهند. اگر خاک متراکم نباشد یا گیاخاک فراوانی داشته باشد آب به‌آسانی در آن نفوذ می‌کند.

حوضه آبریز

بدنه اصلی هر رودخانه مرکب از تعدادی رودهای کوچک است و این رودها هریک به نوبه خود از انشعابات کوچکتری تشکیل شده‌اند که رواناب‌ها قسمت اعظم آب آنها را تأمین می‌کنند. همه شاخه‌ها و انشعابات یک رود، به صورت یک مجموعه، موجب تخلیه یا زهکشی آب از سطح زمین می‌شوند.

منطقه‌ای که به وسیله یک رود و شاخه‌های آن زهکشی می‌شود «حوضه آبریز» نام دارد. در واقع برای هریک از انشعابات رود نیز می‌توان یک حوضه آبریز در نظر گرفت. خطی که یک حوضه آبریز را از حوضه مجاور جدا کند خط تقسیم نامیده می‌شود.



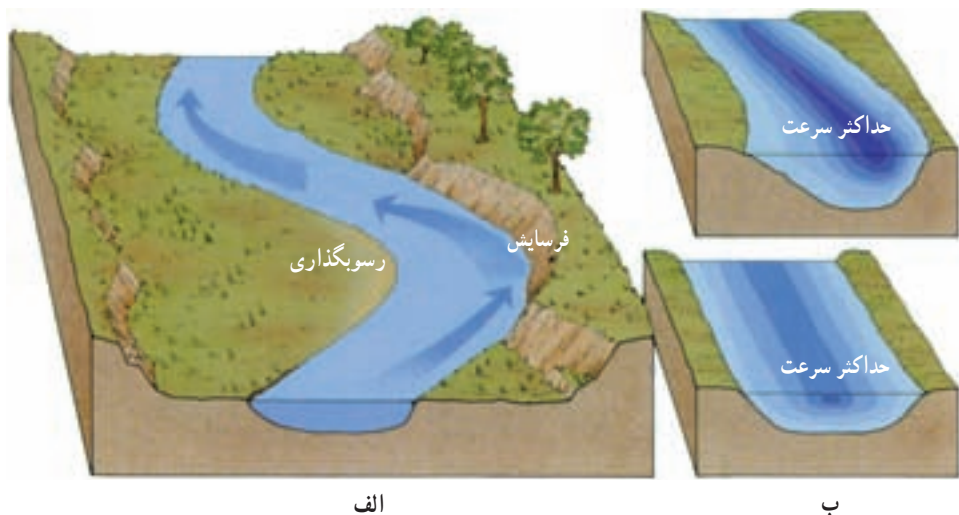
شکل ۱-۴- مسیری که رود از سرچشمه تا دریا می‌پیماید.

سرعت آب

سرعت آب، یعنی فاصله‌ای که هر ذره آب در واحد زمانی می‌کند، در نقاط مختلف یک رودخانه در طول یا عرض و عمق آن متغیر است.

در مقطع یک رودخانه مستقیم، بیشترین سرعت جریان آب در وسط و نزدیک سطح آب است ولی نزدیک کف و دیواره‌ها، به علت اصطکاک آب با بستر و دیواره‌ها، سرعت آب به میزان حداقل است. علت کاهش ناچیز سرعت در سطح آب نیز اصطکاک آن با هوا است. وقتی مسیر رودخانه دارای انحنا باشد، بیشترین سرعت از وسط رودخانه به طرف دیواره مقعر آن منتقل می‌شود. (شکل ۲-۴)

❓ چه عواملی تعیین‌کننده سرعت رودند؟



شکل ۲-۴- تفاوت در سرعت آب، بر تخریب جانبی بستر تأثیر دارد.

آبدهی

حجم آبی که در واحد زمان از مقطع عرضی یک رودخانه عبور می‌کند آبدهی «دبی» خوانده می‌شود که آن را معمولاً به متر مکعب در ثانیه بیان می‌کنند.

❓ حجم آبی که در مدت ۵ دقیقه از مقطع عرضی رودخانه با آبدهی ۲ متر مکعب در ثانیه عبور می‌نماید را محاسبه کنید.

❓ آیا آبدهی یک رود در تمام مناطق آن ثابت است؟

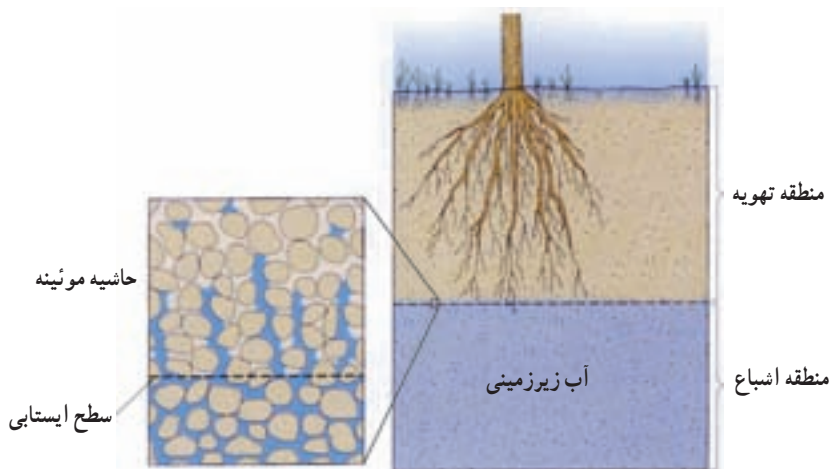
❓ مقدار بارندگی سالیانه یک حوضه آبریز را چگونه محاسبه می‌کنند؟

❓ چه عواملی بر آبدهی یک رود اثر دارند؟

آب زیرزمینی

بخش بزرگی از آب مورد استفاده انسان از زیرزمین تأمین می‌شود. حجم آب زیرزمینی قابل بهره‌برداری، گرچه فقط حدود ۰/۳ درصد آب کره را تشکیل می‌دهد، ولی همین مقدار، بزرگترین ذخیره آب شیرین و تقریباً معادل ۳۵ سال بارندگی در سطح خشکی‌های زمین است (با فرض بر آن که تمام باران به زمین نفوذ کند). به همین جهت امروزه بهره‌برداری از آب زیرزمینی، به ویژه در کشور ما که با کمبود آب‌های سطحی مواجه است، برای مصارف مختلف گسترش زیادی یافته است.

آب زیرزمینی بخشی از منافذ خالی سنگ‌ها و خاک‌ها را در زیرزمین اشغال می‌کند. آب زیرزمینی نیز مانند رودها و دیگر عوامل طبیعی با فرسایش سنگ‌ها، جابه‌جایی مواد حاصل و ته‌نشینی آنها در نقاط دیگر، در تغییر شکل سطح و بخش‌های خارجی زمین دخالت می‌کنند.



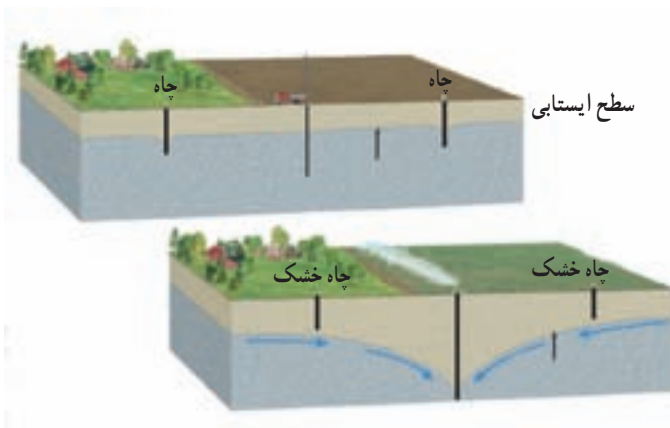
شکل ۳-۴ - توزیع آب زیرزمینی در خاک

سطح ایستابی

پس از هر بارندگی، بر اثر نفوذ آب‌های سطحی قسمتی از آب به زمین نفوذ می‌کند. بخشی از آب نفوذی، به علت وجود نیروهای جاذبه مولکولی، در فضاهای خالی خاک‌ها و سنگ‌ها و چسبیده به ذرات خاک یا سنگ باقی می‌ماند. در نتیجه، منطقه‌ای در بالا به وجود می‌آید که در آن منافذ خالی، هم با آب و هم با هوا پر شده است. این منطقه را اصطلاحاً «منطقه تهویه» می‌گویند.

بخشی از آب نفوذی نیز از لایه‌لای منافذ خاک و سنگ به راه خود به طرف پایین ادامه می‌دهد، تا جایی که تمام فضاهای خالی از آب پر شود. این منطقه «منطقه اشباع» خوانده می‌شود. سطح فوقانی منطقه اشباع را، اگر با لایه نفوذناپذیری محصور نشده باشد، «سطح ایستابی» می‌گویند (شکل ۳-۴).

موقعیت سطح ایستابی در هر محل به عوامل مختلفی وابسته است. معمولاً سطح ایستابی در نقاط مرتفع و دامنه کوه‌ها در عمق بیشتر و در دره‌ها و نقاط پست در عمق کمتر قرار دارد. سطح ایستابی، در برخی از نقاط استان پرباران گیلان نزدیک به سطح زمین و در بعضی نقاط خشک مرکز ایران در اعماق بیش از ۱۰۰ متر قرار دارد. در نقاط پست، سطح ایستابی به علت تغییرات عواملی چون میزان بارش سالانه و فصلی، و میزان نفوذ آب به زمین (تغذیه) تغییرات میزان بهره‌برداری و عوامل دیگر در طول زمان نیز در حال نوسان است. (شکل ۴-۴)



دکل حفاری چاه آب

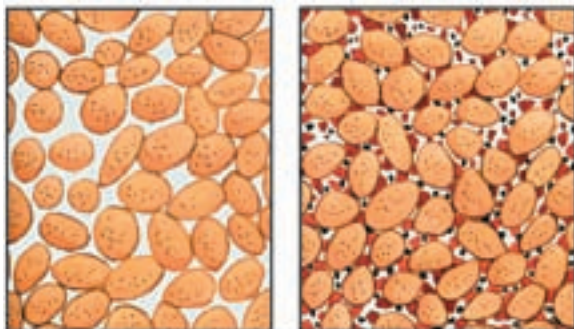
شکل ۴-۴ - بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی

تخلخل و نفوذپذیری

برای تشکیل منبع آب زیرزمینی، لازم است که سنگ‌ها و رسوبات دارای فضاهای خالی باشند. این فضاهای خالی، یا مانند منافذ یک رسوب رودخانه‌ای از ابتدای تشکیل در آن وجود داشته (منافذ اولیه)، یا پس از تشکیل سنگ بر اثر شکستگی، هوازدگی، انحلال و غیره در آن به وجود آمده‌اند (منافذ ثانویه). مقدار فضاهای خالی یک رسوب یا سنگ را با اصطلاح «تخلخل» بیان می‌کنند. تخلخل عبارت است از حجم فضاهای خالی یک نمونه سنگ یا رسوب به حجم کل آن، که معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود.

$$\text{تخلخل} = \frac{\text{حجم فضاهای خالی}}{\text{حجم کل}} \times 100$$

تخلخل در رسوبات و سنگ‌ها به عوامل مختلفی مانند شکل، اندازه و آرایش دانه‌ها، درجه سیمان‌شدگی، میزان هوازدگی و تعداد درز و شکاف‌ها بستگی دارد. وقتی می‌گوییم سنگی متخلخل است، یعنی آنکه می‌تواند مقدار قابل توجهی آب در خود نگهدارد، اما این به آن معنا نیست که سنگ لزوماً قادر به عبور آب از خود باشد. مثلاً چوب پنبه بسیار متخلخل است، اما آب از آن عبور نمی‌کند. رس‌ها، مانند چوب پنبه بسیار متخلخل‌اند (تخلخل ۵۰٪).

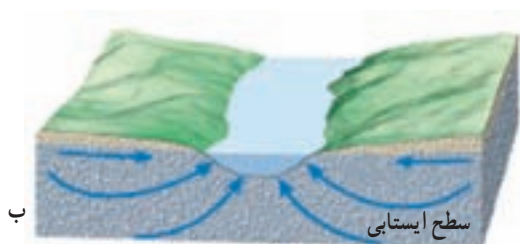


شکل ۵-۴ - در کدام رسوبات آب بیشتری نفوذ می‌کند؟

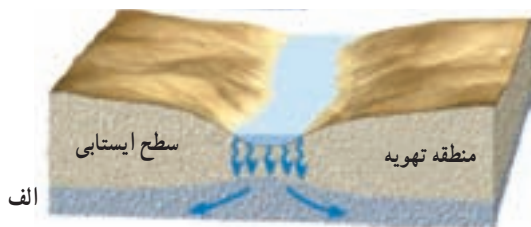
درصد یا بیشتر)، ولی به علت ریز بودن منافذشان نفوذپذیر نیستند. نفوذپذیری توانایی یک سنگ یا رسوب را برای عبور آب نشان می‌دهد. نفوذپذیری به اندازه منافذ و به ارتباط آنها با هم بستگی دارد. آبرفت‌ها معمولاً تخلخل و نفوذپذیری زیادی دارند.

حرکت آب زیرزمینی

آب زیرزمینی تقریباً در همه جا در حرکت است، ولی این حرکت خیلی کندتر از حرکت آب در رودخانه‌هاست. حرکت آب در منطقه اشباع مخازن آب زیرزمینی از کمتر از ۱ تا بیش از ۵۰۰ متر در سال تغییر می‌کند. آب از جایی که ارتفاع و فشار بیشتری دارد به سمت منطقه‌ای که ارتفاع و فشار آن کمتر است حرکت می‌کند. بنابراین، آب از جایی که سطح ایستابی بالاتر است به سمت محلی که سطح ایستابی پایین‌تر است جریان می‌یابد (شکل ۷-۴-الف). البته فقط بخشی از آب مستقیماً در امتداد شیب سطح ایستابی حرکت می‌کند. بیشتر جریان آب در امتداد مسیرهای منحنی شکل است. حتی در بعضی نقاط مسیر آب به سمت بالا برمی‌گردد و وارد رودخانه‌ها یا دریاچه‌ها می‌شود زیرا آب مایل است به نقطه‌ای حرکت کند که فشار کمتر است (شکل ۷-۴-ب).



ب

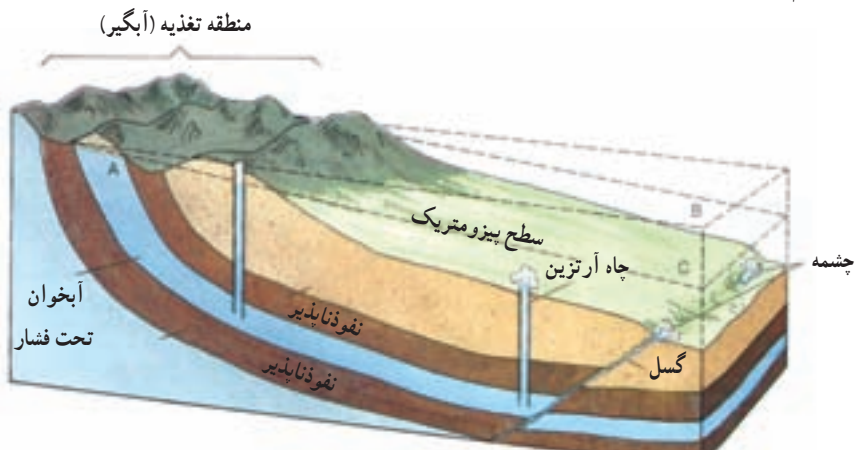


الف

شکل ۶-۴ - مسیرهای حرکت آب‌های زیرزمینی

آبخوان (لایه آبدار)

وقتی بخواهیم مقدار قابل توجهی آب از زیر زمین برداشت کنیم، به دنبال یک آبخوان می‌گردیم. آبخوان «لایه آبدار» یا «سفره آب زیرزمینی» لایه یا لایه‌هایی از رسوبات با سنگ‌های نفوذپذیر اشباع از آب در زیر زمین است که آب بتواند نسبتاً به آسانی در آن حرکت کند. رسوبات سخت نشده ماسه، شن، ریگ و غیره معمولاً از نظر تشکیل آبخوان بسیار مناسب‌اند. برخی از سنگ‌ها، مثل سنگ آهک، ماسه سنگ و حتی سنگ‌های آذرین و دگرگون شده نیز در صورت داشتن منافذ انحلالی، شکستگی، یا هوازگی می‌توانند آبخوان تشکیل دهند. رس‌ها، گرچه تخلخل زیادی دارند، به علت نفوذپذیری خیلی کم، قادر به تشکیل آبخوان مناسبی نیستند.



شکل ۷-۴- آبخوان تحت فشار

آبخوان را معمولاً به دو نوع آزاد و تحت فشار تقسیم می‌کنند. در آبخوان آزاد، سطح ایستابی سطح فوقانی منطقه اشباع را تشکیل می‌دهد، در واقع آنچه که در شکل ۳-۴ نشان داده‌ایم یک آبخوان آزاد است. وقتی چاهی در یک لایه آبدار آزاد حفر شود، تراز آب در چاه نمایانگر سطح ایستابی در آن نقطه است. فشار در سطح فوقانی لایه آبدار آزاد (در سطح ایستابی) برابر فشار اتمسفر است.

در آبخوان تحت فشار، لایه نفوذپذیر بین لایه‌های نسبتاً نفوذناپذیری محصور شده است، (شکل ۷-۴) بنابراین، سطح فوقانی منطقه اشباع تحت فشاری بیش از فشار اتمسفر است. آب باران و غیره از جایی که لایه نفوذپذیر در سطح زمین بیرون زدگی دارد وارد آن می‌شود، که به آن منطقه تغذیه یا آبگیری می‌گویند. وقتی چاهی تا یک سفره تحت فشار حفر شود آب در آن بالا می‌آید. ارتفاعی که آب تا آنجا بالا می‌آید با سطح بیزومتریك مشخص می‌شود. در برخی نقاط، سطح بیزومتریك بالاتر

از سطح زمین است و در نتیجه، آب خود به خود از دهانه چاه بیرون می‌ریزد. چنین چاهی را معمولاً آرتزین می‌خوانند.

گاهی برخی از آبخوان‌ها به طور طبیعی به سطح زمین راه پیدا می‌کنند و در نتیجه آب در سطح زمین تخلیه می‌شود که به آن چشمه می‌گویند.

ترکیب شیمیایی

مطالعه ترکیب شیمیایی آب چاه‌ها و چشمه‌ها نشان می‌دهد که آب زیرزمینی عمدتاً حاوی کلریدها، سولفات‌ها و بیکربنات‌های کلسیم، منیزیم، سدیم، پتاسیم و آهن است. البته بسیاری از عناصر و مواد دیگر نیز به مقدار بسیار کم در آب وجود دارد. ترکیب آب زیرزمینی از محلی به محل دیگر تغییر می‌کند. غلظت نمک‌های محلول در آب زیرزمینی به جنس کانی‌ها و سنگ‌ها، سرعت نفوذ آب و مسافت طی شده توسط آب بستگی دارد. آب ضمن حرکت آهسته در زیرزمین فرصت زیادی برای حل کردن کانی‌های مسیر خود دارد. به همین جهت، میزان نمک‌های محلول در آب‌های زیرزمینی به‌طور کلی بیشتر از مقدار املاح آب رودهاست. در یک لایه آبدار، هر چه از محل تغذیه به طرف محل تخلیه آن نزدیک شویم شوری آب زیرزمینی بیشتر می‌شود.

مقدار نمک‌های محلول در آب‌های زیرزمینی موجود در سنگ‌های آذرین و دگرگون شده معمولاً کم (کمتر از ۱۰۰ و به ندرت بیش از ۵۰۰ میلی‌گرم در لیتر) است. این گونه سنگ‌ها اگر آبدار باشند، غالباً برای آشامیدن و مصارف دیگر کاملاً مطلوبند. آب موجود در سنگ‌های کربناتی، معمولاً از نوع آب‌های سخت است، یعنی یون‌های کلسیم و منیزیم بالایی دارد. این گونه آب‌ها به خوبی با صابون کف نمی‌کنند و رسوباتی را در لوله‌ها و ظرف‌ها ته‌نشین می‌کنند، به همین جهت، استفاده از آنها در صنعت و آشامیدن دارای محدودیت‌هایی است. سنگ‌های تبخیری مثل سنگ نمک و سنگ گچ قابلیت انحلال زیادی دارند و از این رو آب‌های موجود در این گونه سنگ‌ها عموماً نمک‌های زیادی دارند.

لایه‌های آبدار موجود در رسوبات آبرفتی معمولاً حاوی آب شیرین‌اند. دره‌های آبرفتی رودخانه‌ها غالباً آب‌های زیرزمینی مطلوبی دارند. اما آب‌های زیرزمینی در حوضه‌های بسته، که محلی برای خروج وجود ندارد، نمک‌های محلول بالایی دارند. در نواحی خشک، مثل مناطق کویری ایران، در برخی نقاط شوری آب چنان بالاست که برای بسیاری از مصارف نامناسب است. در این نواحی تبخیر آب از منطقه تهویه منجر به ته‌نشینی موادی در خاک می‌شود که آن را برای کشاورزی نامناسب می‌کند.

تمقیق کنید

- ۱- در کدام استان‌های ایران از آب‌های زیرزمینی بیشتر استفاده می‌کنند؟
- ۲- آیا تعداد چاه‌های عمیق یک منطقه می‌تواند نامحدود باشد؟
- ۳- مقدار آب مصرفی کشور ما، بیشتر از آب‌های سطحی است یا آب‌های زیرزمینی؟

مقایسه کنید

آب‌های زیرزمینی را از نظر آلودگی میکروبی و املاح با آب‌های جاری مقایسه کنید.

یخچال

حدود دو درصد آب‌های روی زمین، به صورت یخ، ۱۰ درصد از سطح خشکی‌ها را می‌پوشانند، این مقدار یخ، بزرگترین ذخیره آب شیرین زمین را تشکیل می‌دهد. بزرگترین پوشش یخی زمین در قاره قطب جنوب قرار دارد و با مساحتی در حدود ۱۳ میلیون کیلومتر مربع، ۸۶ درصد وسعت یخچال‌های زمین را تشکیل می‌دهد. یخچال‌های جزیره گرینلند ده درصد از سطح یخچال‌های زمین را تشکیل داده‌اند. چهار درصد بقیه یخچال‌های سطح زمین به صورت پراکنده در نقاط مختلف زمین مانند کوه‌های آلپ، کوه‌های شمال امریکا، حتی کوه‌های مرتفع نواحی گرمسیری وجود دارند.

تمقیق کنید

- در کدام کوه‌های ایران یخچال دائمی وجود دارد؟
- امروزه، از گرم شدن جهانی هوای کره زمین و احتمال ذوب مقدار زیادی از یخ‌های مناطق قطبی صحبت می‌شود. در صورت درست درآمدن این پیش‌بینی، ذوب یخ‌ها چه وقایعی را به دنبال خواهد داشت؟

تشکیل یخچال : یخچال‌ها در مناطق سردی که در آنها برف دائمی وجود دارد تشکیل می‌شوند. در این مناطق، مقدار برفی که در سال می‌بارد، بیش از مقداری است که ذوب می‌شود. در نتیجه، هر سال مقداری برف به بازمانده برف سال‌های قبل افزوده می‌شود. بنابراین، پس از مدتی دره‌ها و شیارهای کوه از برف پر می‌شوند و ضخامت برف در این نقاط به صدها متر می‌رسد. انباشته شدن تدریجی برف سبب متراکم شدن برف‌های عمقی می‌شود. گاهی نیز بر اثر گرمی هوا برف‌های سطحی ذوب می‌شوند و به درون برف‌های عمقی نفوذ می‌کنند. این امر خود سبب تراکم برف‌های قدیمی‌تر می‌شود. نتیجه آنکه پس از مدتی، برفی فشرده و یخ‌مانند به نام **یخ برفی** تشکیل می‌شود. به تدریج بر فشردگی یخ برفی افزوده می‌شود و **یخ حبابدار** پدید می‌آید. یخ حبابدار نیز کم‌کم متراکم‌تر می‌شود و حباب‌های هوای بیشتری از آن خارج می‌شوند تا **یخ بلوری** به وجود آید. در این حال یخچال تشکیل شده است.

بیشتر بدانید

عصرهای یخبندان

زمین‌شناسان معتقدند که در گذشته، در روی زمین یخبندان‌های شدیدی اتفاق افتاده است و گسترش یخچال‌ها بسیار بیشتر از امروز بوده و آن یخچال‌ها چندین بار نیز پیشروی و پسروی کرده‌اند. آنچه عقیده وجود یخچال‌های قدیمی را محکم می‌کند، این است که بعضی از پدیده‌ها در طبیعت وجود دارند که فقط توسط یخچال ممکن است رخ دهند. مثلاً هیچ جریان آبی قادر نیست بعضی از قطعه‌سنگ‌های بسیار بزرگ را به حرکت درآورد، به ویژه آنکه بعضی از این قبیل سنگ‌ها در بالای ارتفاعاتی قرار دارند که آب فقط به هنگام طغیان می‌تواند تا آن حد بالا بیاید. بعضی از محققان ثابت کرده‌اند که یخچال‌ها در طی یک میلیون سال گذشته چهار بار گسترش یافته‌اند و متناوباً عصرهای یخبندان و بین یخبندان را پیش آورده‌اند. هر عصر یخبندان ۳۰ تا ۱۰۰ هزار سال و هر عصر بین یخبندان از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار سال طول کشیده است. برخی از زمین‌شناسان بر این عقیده‌اند که آخرین عصر یخبندان یازده هزار سال قبل تمام شده و ما اکنون در حال گذراندن یک عصر بین یخبندان هستیم و بار دیگر پس از پنجاه هزار سال عصر یخبندان دیگری آغاز خواهد شد. اما عده‌ای دیگر معتقدند که این عصر بین یخبندان میلیون‌ها سال طول خواهد کشید.



در حدود یک میلیون سال پیش، یخچال‌ها در بیشتر نقاط شمالی زمین پیشروی زیادی کردند.

علل یخبندان‌ها

تاکنون فرضیه‌های زیادی در مورد چگونگی به وقوع پیوستن یخبندان‌ها بیان شده است که هیچ‌یک قانع‌کننده نیست. مهمترین آنها عبارتند از :

۱- شمال اروپا و امریکای شمالی که در گذشته از یخچال‌ها پوشیده شده بودند، نسبت به بقیه نقاط دنیا مرتفع‌تر و در نتیجه سردتر بوده‌اند.

۲- آب‌های حاصل از ذوب یخ اقیانوس منجمد شمالی تبخیر و سبب ریزش برف‌های زیادی شده است. از این برف‌ها یخچال‌هایی تشکیل شده‌اند.

۳- پیدایش انحراف محور زمین نسبت به سطح مدارش، علت سرد شدن بعضی از مناطق زمین و تشکیل یخچال‌ها در آن مناطق بوده است.

۴- خاکسترها و غبارهای آتشفشانی فراوان که همزمان با تشکیل یخچال‌ها پراکنده شده‌اند، جلوی نور و گرمای خورشید را گرفته و سبب سرد شدن مناطقی از زمین شده‌اند.

۵- مقدار انرژی گرمایی که از خورشید به زمین می‌رسد، در زمان‌های مختلف فرق می‌کند. وقتی که این انرژی به حداقل برسد، یخبندان اتفاق می‌افتد.

دریاچه‌ها

آب‌های ساکن داخل خشکی‌ها را که ارتباط مستقیم با دریاها ندارند دریاچه می‌گویند. دریاچه‌ها در فرورفتگی‌ها و نواحی پست زمین، در قله کوه‌ها و به‌طور کلی در همه‌جا و در شرایط زمین‌شناسی گوناگون ممکن است تشکیل شوند.



شکل ۸-۴- دریاچه سبلان، که بر فراز قله کوه قرار دارد.

دریاچه‌ها به همراه باتلاق‌ها و مرداب‌ها از نظر تشکیل بعضی از انواع رسوبات و پاره‌ای از مواد باارزش اقتصادی مثل نمک طعام، کربنات سدیم، سولفات سدیم، گچ، زغال سنگ و غیره اهمیت خاصی دارند.

دریاچه‌ها از راه‌های گوناگونی به‌وجود می‌آیند. دریاچه مازندران که بزرگترین دریاچه کره زمین است باقیمانده یک دریای قدیمی است، دریاچه بایکال در روسیه حاصل فروافتادگی قسمتی از زمین است. دریاچه‌های شمال اروپا و امریکا بر اثر رسوبگذاری یخچال‌ها به‌وجود آمده‌اند دریاچه‌هایی مانند تار، ولشت و لاسم در کشور خودمان بر اثر ریزش کوه‌ها و مسدود شدن مسیر رودها به‌وجود آمده‌اند. در دهانه پاره‌ای از آتشفشان‌های خاموش نیز دریاچه تشکیل می‌شود، که دریاچه کوچک دهانه آتشفشان سبلان از آن جمله است. فعالیت رودها، انحلال سنگ‌ها به وسیله آب‌های زیرزمینی و فعالیت‌های انسان نیز در به‌وجود آمدن تعدادی از دریاچه‌ها مؤثر بوده است.

- ۱- انسان از چه راه‌هایی سبب تشکیل دریاچه‌ها می‌شود؟
- ۲- نزدیکترین دریاچه به محل زندگی شما چه نام دارد، در یک صفحه آن را معرفی کنید.
- ۳- شورترین و شیرین‌ترین دریاچه‌های ایران کدامند؟

ترکیب شیمیایی آب دریاچه‌ها: آب دریاچه‌ها از نظر مقدار نمک‌های محلول بسیار متفاوتند و ممکن است شیرین یا بسیار شور باشد. نوع ترکیب آب دریاچه‌ها و میزان شوری آنها به عوامل مختلفی بستگی دارد:

- ۱- جنس سنگ‌هایی که آب رودها و آب‌های زیرزمینی برای تغذیه دریاچه، از آنها عبور می‌کند و همچنین بستر خود دریاچه
 - ۲- میزان تبخیر در منطقه
 - ۳- میزان آب‌های ورودی و خروجی
 - ۴- پوشش گیاهی منطقه
- ❓ در چه صورتی آب یک دریاچه با گذشت زمان شورتر می‌شود و در چه صورتی میزان شوری آن تغییر چندانی نخواهد کرد؟

- ۱- فعالیت‌های انسانی چه تغییراتی در هوا کره ایجاد کرده است؟
- ۲- انرژی‌های لازم برای انجام چرخه آب در طبیعت کدام‌اند؟
- ۳- رطوبت نسبی با تغییر دمای هوا چگونه تغییر می‌کند؟
- ۴- دمای نقطه شبنم چگونه به رطوبت نسبی مربوط می‌شود؟
- ۵- چرا در هوای ناآرام احتمال تشکیل شبنم کمتر است؟
- ۶- شرایط اساسی برای ایجاد بارش چیست؟
- ۷- چه رابطه‌ای بین چگالی آب دریا، دما و شوری آن وجود دارد؟
- ۸- تغییرات اکسیژن را در آب دریا از سطح به عمق و علل این تغییرات را توضیح دهید.
- ۹- چه عواملی سرعت جریان آب رودخانه را کنترل می‌کنند؟
- ۱۰- آیا متخلخل بودن یک رسوب یا سنگ لزوماً به معنای نفوذپذیر بودن آن است؟ با ذکر مثال توضیح دهید.
- ۱۱- نوسانات سطح ایستابی در طول یک سال و در سال‌های مختلف تابع چه عواملی است؟
- ۱۲- آیا تمام آب موجود در زیر سطح زمین را می‌توان از راه چاه یا قنات استخراج کرد؟
- ۱۳- میزان شوری آب دریاچه‌ها به چه عواملی بستگی دارد؟

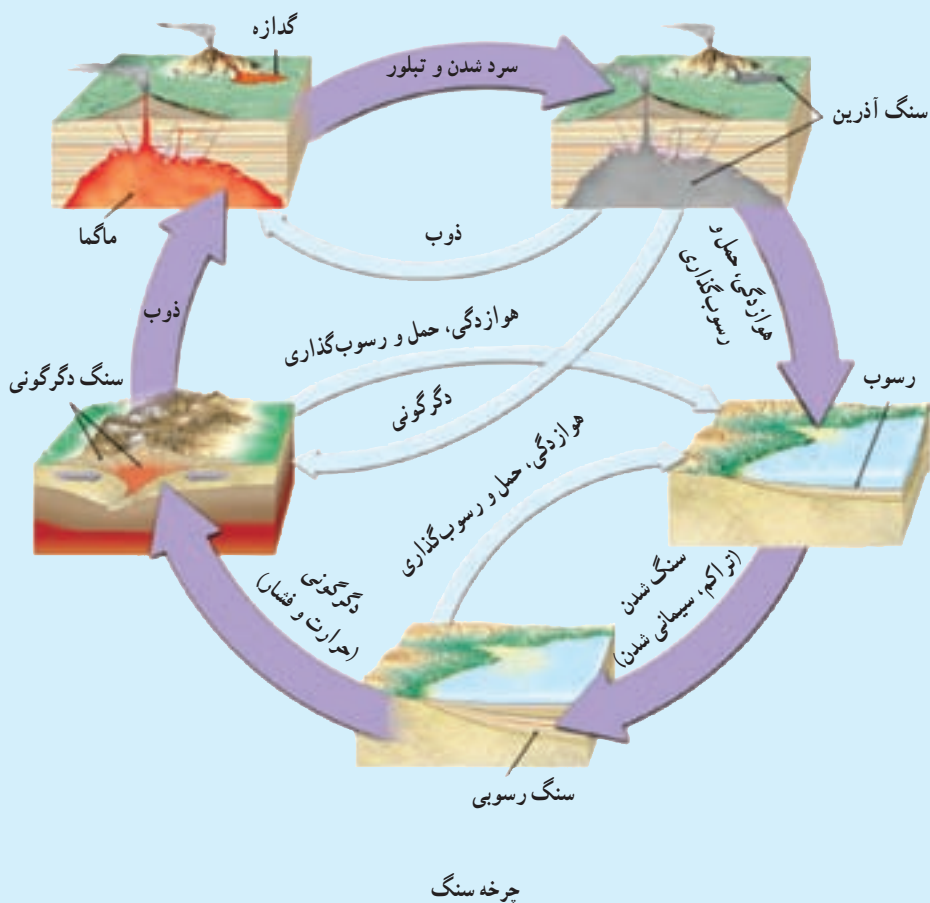
بخش ۲

چرخه سنگ

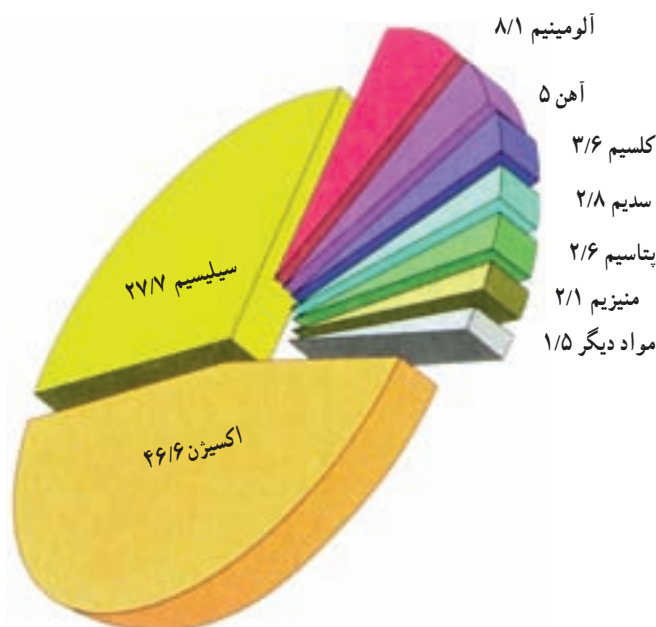
سنگ به موادی گفته می‌شود که به طور طبیعی از اجتماع یک یا چند نوع کانی تشکیل شده باشند. در زمین، سه گروه سنگ، با سه روش تشکیل و منشأ جداگانه وجود دارد: سنگ‌های آذرین، محصول انجماد مواد مذاب درونی زمین‌اند که در داخل یا سطح پوسته سرد و تبدیل به سنگ شده‌اند. سنگ‌های رسوبی، ممکن است از فرسایش و هوازدگی سنگ‌های قبلی و رسوب آنها در جای مناسب به وجود آیند، یا از بقایای موجودات زنده قدیمی تشکیل شوند. بعضی از سنگ‌های رسوبی هم حاصل تبخیر شدید آب‌های اشباع از املاح خاص و برجای ماندن آن املاح‌اند. سنگ‌های دگرگون شده، در صورتی تشکیل می‌شوند که ترکیب شیمیایی یا ساختار یک سنگ در حالت جامد، در درون زمین و تحت تأثیر گرما، فشار و واکنش‌های شیمیایی خاص عوض شود.

در طول زمان‌های دراز و دخالت عوامل مختلف فیزیکی و شیمیایی، سنگ‌های هر گروه به سنگ‌های دیگر تبدیل می‌شوند، چنانکه سنگ‌های مختلف، در روی زمین تحت تأثیر عوامل فرساینده‌ای چون هوا، آب، یخچال، باد و غیره قرار می‌گیرند و خرد می‌شوند. مواد حاصل به قسمت‌های دیگری حمل می‌شوند و در آنجا به صورت رسوب درمی‌آیند و سرانجام، سنگ‌های رسوبی جدیدی را می‌سازند. سنگ‌های رسوبی ممکن است در

اعماق زمین مدفون شوند و در آنجا تحت تأثیر گرما و فشار به سنگ‌های دگرگون شده مبدل شوند. یا آنکه پس از ذوب، سنگ‌های آذرین جدیدی را حاصل آورند. سنگ‌های آذرین هم تحت تأثیر فشار و حرارت دگرگون می‌شوند. به مجموعه این تغییرات و تبدیل حالت‌ها، چرخه سنگ گفته می‌شود.



قسمت‌های مختلف زمین، از ۸۸ نوع عنصر طبیعی به نسبت‌های بسیار متفاوت ساخته شده است. در ترکیب پوسته زمین ۸ عنصر اکسیژن، سیلیسیم، آلومینیم، آهن، کلسیم، سدیم، پتاسیم و منیزیم حدود ۹۸/۵ درصد و بقیه عناصر هم حدود ۱/۵ درصد را تشکیل می‌دهند (شکل ۱-۵).

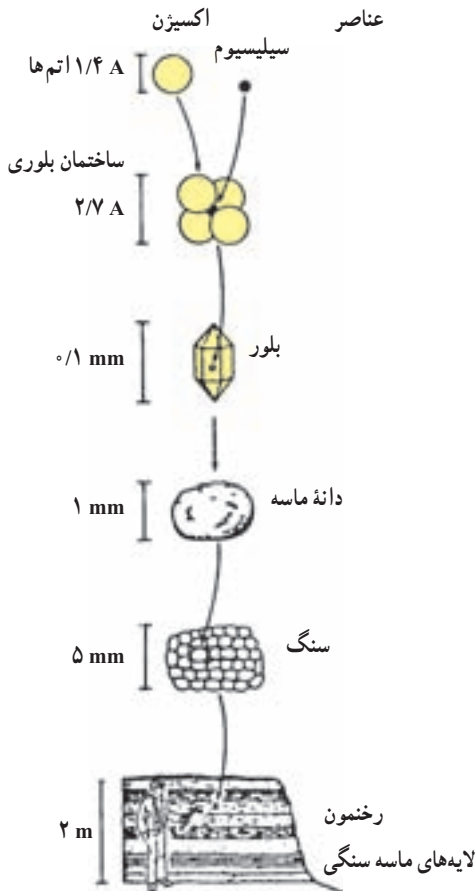


شکل ۱-۵ - درصد فراوانی عناصر در پوسته جامد زمین

کانی‌ها

کانی‌ها مواد طبیعی، متبلور و جامدی هستند که ترکیب شیمیایی نسبتاً ثابتی دارند^۱. کانی‌ها از اجتماع اتم‌ها به وجود می‌آیند. از تجمع کانی‌ها هم سنگ ساخته می‌شود و آنچه که در طبیعت مشاهده می‌کنیم سنگ‌های مختلفی هستند که در شکل ۲-۵ رابطه بین آنها را مشاهده می‌کنید.

۱- در تقسیم‌بندی جدید کانیها، گروهی تحت عنوان کانیهای با ترکیب شیمیایی آلی معرفی شده‌اند.



شکل ۲-۵- رابطه بین عناصر، کانی‌ها و سنگ‌ها

فراوانی کانی‌ها در همه جا یکسان نیست. بعضی در سطح زمین و بعضی در درون زمین فراوان‌ترند. علت نیز مربوط به فراوانی عناصر در بخش‌های مختلف زمین است. مثلاً در پوسته زمین ۸ عنصر فراوان‌ترند (شکل ۱-۵). بنابراین، در حالت کلی ترکیبات متفاوت این ۸ عنصر را باید کانی‌های فراوان پوسته زمین به شمار آورد.

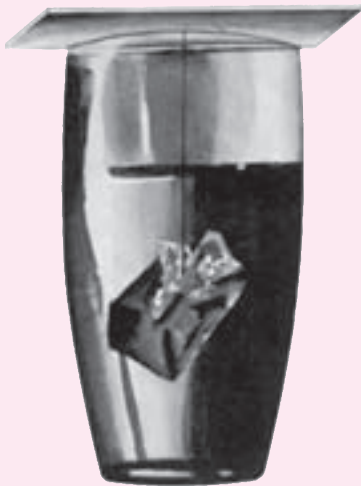
فراوانی یک کانی به شرایط تشکیل و پایداری آن در محیط نیز وابسته است.

۹ شما انتظار دارید کانی‌هایی که محلول در آب هستند در چه مناطقی و کانی‌هایی که با اکسیژن هوا ترکیب می‌شوند در چه مناطقی یافت شوند؟

۹ چرا شیشه و آب را نمی‌توان کانی به حساب آورد، اما یخ را یک کانی می‌دانند؟

تشکیل کانی‌ها

در طبیعت حدود ۳۰۰۰ نوع کانی پیدا می‌شود که از لحاظ ترکیب، شکل ظاهری، رنگ، اندازه و ... بسیار متفاوتند. یک علت عمده این تفاوت، چگونگی تشکیل آنهاست. بعضی از کانی‌ها از انجماد مواد مذاب به وجود می‌آیند (مانند کوارتز و فلدسپات که در تشکیل سنگ‌های آذرین دخالت دارند). بعضی، از سرد شدن بخارها در سطح یا شکاف‌های موجود در سنگ‌ها به وجود می‌آیند (تشکیل گوگرد در قله کوه آتشفشان دماوند). برخی از کانی‌ها از تبخیر محلول‌هایی که به حد اشباع رسیده‌اند به وجود می‌آیند. مثلاً از تبخیر شدید آب دریا، نمک و گچ تشکیل می‌شود. بعضی از کانی‌ها نیز از تخریب کانی‌های دیگر به وجود می‌آیند. مثلاً از تجزیه و تخریب کانی‌های سنگ‌های آذرین، کانی‌های رسی غیر محلول و کانی‌های کربناتی و حتی سیلیس به وجود می‌آید. بعضی دیگر هم در نتیجه وارد آمدن فشار و گرمای زیاد بر روی کانی‌های دیگر به وجود می‌آیند مثلاً گرافیت بر اثر گرما و فشار زیاد از آتراسیت به وجود می‌آید.



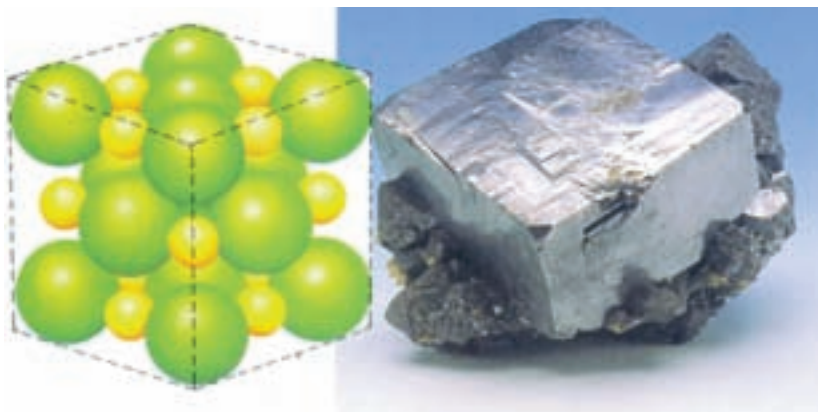
۱- محلول اشباع شده‌ای از زاج سفید تهیه کنید و با گرم کردن محلول، باز هم مقدار بیشتری زاج را در آن حل کنید تا محلول فوق اشباع زاج حاصل آید. یک قطعه کوچک زاج را مطابق شکل مقابل به عنوان هسته در درون محلول آویزان کنید و ظرف را در جایی قرار دهید که اصلاً تکان نخورد. برای آنکه از ورود ذرات گرد و غبار به درون این محلول جلوگیری شود، دهانه آن را هم با یک قطعه دستمال کاغذی تمیز ببندید (چرا؟). پس از یکی دو روز خواهید دید که به دور قطعه زاجی که در انتهای نخ آویخته‌اید، بلور درشتی از زاج پدید آمده است.

۲- نظیر همین آزمایش را با محلول نمک یا شکر تکرار کنید و نتایج حاصل را با هم مقایسه کنید.

شناسایی کانی‌ها

برای مطالعه و شناسایی سنگ‌ها لازم است اجزای سازنده آنها یعنی کانی‌ها را بشناسیم. با استفاده از بعضی خواص فیزیکی کانی‌ها که معمولاً نیاز به ابزارهای پیچیده ندارد، شما می‌توانید برخی از کانی‌ها را شناسایی کنید. در اینجا مهم‌ترین خواص فیزیکی کانی‌ها را که در شناسایی آنها مؤثر است بررسی می‌کنیم:

۱- **شکل بلور:** تقریباً همه کانی‌ها به صورت متبلور دیده می‌شوند (شکل ۳-۵). جسم متبلور، دارای نظم درونی سه بعدی است. یعنی در آن، اتم‌های سازنده مطابق نظم معینی پهلوی هم قرار می‌گیرند. در نتیجه، بلور دارای سطوح صاف است و به یال‌ها و سطوح خارجی محدود می‌شود. اگر ذرات شکر یا سنگ نمک را با ذره‌بین نگاه کنید، می‌بینید که دارای شکل هندسی منظم و سطوح صاف هستند.



شکل ۳-۵- آرایش اتم‌ها در کانی مکعبی شکل گالن

بلورها در اندازه‌های متفاوتی تشکیل می‌شوند. گاهی بلورها به حدی درشت هستند که با چشم قابل مشاهده‌اند. در این صورت به آنها درشت بلور می‌گویند. در بعضی موارد بلورها فقط توسط میکروسکوپ قابل مشاهده هستند که به آنها ریزبلور گفته می‌شود و گاهی بلورها به حدی ریز هستند که فقط با پرتوهای X قابل تشخیص‌اند که در این صورت به آنها نهمان بلور گویند، مانند کانی‌های رسی که در تشکیل خاک شرکت دارند.

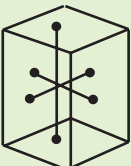
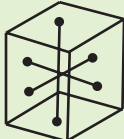
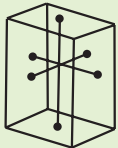
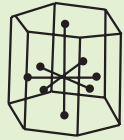
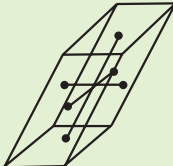
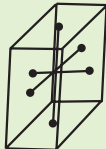
اندازه بلورها به شرایط تشکیل آنها بستگی دارد. هر چه برای تشکیل یک بلور زمان بیشتری صرف شده باشد، بلور درشت‌تر می‌شود. نکته بسیار مهم و جالب در مورد بلورها آن است که گرچه شکل و اندازه ظاهری آنها ممکن است متفاوت باشد، اما زوایای بین سطوح مشابه آن در تمام بلورهای یک کانی معین، یکسان و تغییر ناپذیر است. از این خصوصیت برای شناسایی کانی‌ها استفاده می‌شود.

اندازه بلورها : در طبیعت گاهی بلورهای عظیمی پیدا می‌شود. بعضی از اقسام بریل که یک کانی قیمتی محسوب می‌شود وزنی تا چندین تن دارند. بلورهای ژیس در کشور خودمان به اندازه‌هایی حدود ۵۰ سانتیمتر یافت می‌شود که در دنیا بی‌نظیرند.

بلورهای مصنوعی : امروزه بلورهایی از کانی‌های گوناگون را به طور مصنوعی تهیه می‌کنند که از بلورهای طبیعی زیباترند و ممکن است چندین برابر بلورهای طبیعی باشند. از این بلورهای مصنوعی در جواهرسازی، پزشکی، الکترونیک و ... استفاده می‌شود. یکی از مهم‌ترین موارد استفاده از بلورهای مصنوعی استفاده از بلور گارنت در تولید لیزرها و یا کوارتز در ساختن ساعت‌های دقیق است.

بیشتر بدانید

برای بلورها، ۶ شکل یا سیستم اصلی در نظر گرفته می‌شود که عناصر تقارن در آنها متفاوتند. هر سیستم دارای یک شکل اصلی مانند مکعب یا منشور شش وجهی و غیره است، اما کمتر دیده می‌شود که یک کانی به شکل اصلی سیستم متبلور شده باشد (بلورهای مکعبی نمک خوراکی، پیریت)، بلکه اغلب روی قواعد مشخص ریاضی، مشتقاتی از آن ۶ سیستم وجود دارد که بلورها به آن شکل‌ها دیده می‌شوند. نمونه‌هایی از سیستم‌های اصلی و بعضی از مشتقات آنها را در شکل‌های زیر می‌بینید.

 کالکوپیریت	 تتراگونال	 پیریت	 مکعب
 توپاز	 ارتورومبیک	 کوارتز	 هگزاگونال
 پلاژیوکلاز	 تری‌کلینیک	 ژیپس	 مونوکلینیک

۲- سختی: سختی کانی‌ها را می‌توان به عنوان مقاومت آنها در برابر خراشیده شدن به وسیله سایر اجسام تعریف کرد. سختی کانی‌ها بیشتر به طرز قرار گرفتن اتم‌ها در شبکه بلورین و نوع پیوندهای اتمی در کانی بستگی دارد تا ترکیب شیمیایی آنها؛ به طور مثال، در حالی که الماس و گرافیت هر دو از کربن خالص ساخته شده‌اند، اولی سخت‌ترین جسم و دومی جسمی بسیار نرم است، زیرا نیروی پیوندهایی که اتم‌های کربن را در الماس به یکدیگر متصل می‌کند به مراتب بیشتر از نیروهای است که اتم‌های کربن را در گرافیت به هم وصل می‌کند.

برای تعیین سختی کانی‌ها از مقیاسی به نام مقیاس موس (Mohs) استفاده می‌شود (از نام فردریخ موس کانی‌شناس آلمانی). در این مقیاس نرم‌ترین کانی سختی یک دارد (تالک) و سخت‌ترین کانی، دارای درجه سختی ۱۰ است (الماس). هر کانی که به وسیله کانی دیگر خراش بردارد نسبت به آن نرم‌تر است (شکل ۴-۵).

تالک	۱۰	ناخن
ژیپس	۹	سکه مسی
کلسیت	۸	تیغه چاقو
فلوئوریت	۷	شیشه
آپاتیت	۶	سوهان
ارتوز	۵	چینی بدون لعاب
کوارتز	۴	
توباز	۳	
کرنندوم	۲	
الماس	۱	

شکل ۴-۵ - مقیاس سختی کانی‌ها

تمقیق کنید

- ۱- جواهر را چگونه برش و چگونه صیقل می‌دهند؟
- ۲- سرمته حفاری، چرخ سمباده و کاغذ سمباده را از چه موادی می‌سازند؟
- ۳- آگاهی از سختی اجسام در چه کارهایی به ما کمک می‌کند؟

برای اطمینان از سختی اندازه‌گیری شده، باید درجه سختی را در جهات مختلف آزمایش کنیم. به علاوه، باید در خراشیدن و تعیین درجه سختی، عمل عکس را نیز انجام داد.



جلای فلزی در پیریت

۳- جلا : توانایی کانی در منعکس ساختن، عبور یا جذب نور را جلا می‌گویند. هر قدر انعکاس و انکسار نور از سطح کانی و یا سطح شکستگی آن زیادتر باشد، جلای آن مشخص‌تر است. یکی از علل گرانی الماس، جلای زیبای آن است که به جلای الماسی معروف است. جلای کانی‌ها را می‌توان به دو گروه فلزی و غیر فلزی تقسیم کرد. در جلای فلزی (که خاص بسیاری از کانی‌های فلزی است) نور، مانند سطح فلز براق به خوبی منعکس می‌شود (مانند پیریت FeS_2).



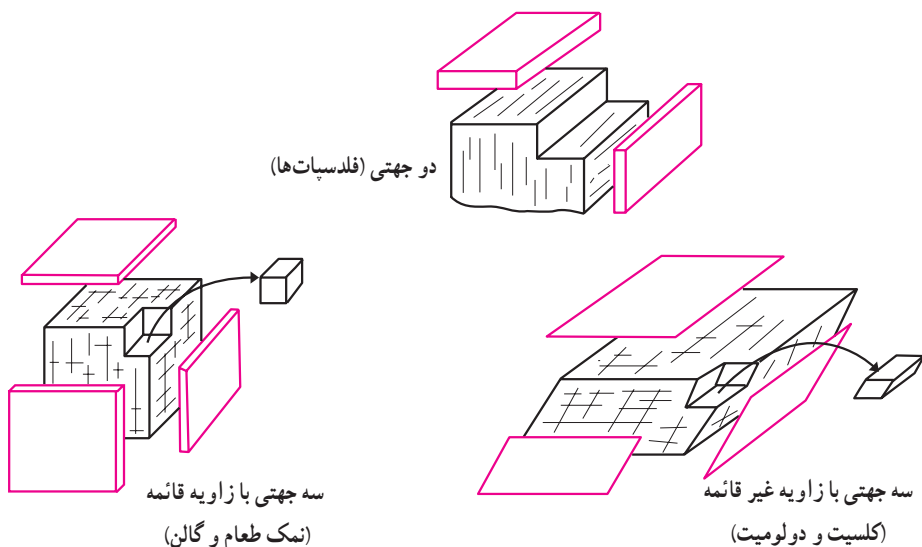
جلای غیر فلزی در فلدسپات

در جلای غیر فلزی نور به خوبی منعکس نمی‌شود و برای بیان آن از اصطلاحات گوناگونی استفاده می‌کنند. مثلاً: در جلای شیشه‌ای نور به خوبی از کانی عبور می‌کند (مانند کوارتز و هالیت) در جلای الماسی، نور در داخل الماس بازتابش گلی پیدا می‌کند و سبب درخشندگی الماس می‌شود.

گاهی از منظره ظاهری کانی‌ها برای بیان جلای آنها استفاده می‌کنند و اصطلاحاتی مانند صمغی، چرب، ابریشمی، خاکی و ... به کار می‌برند.

۴- کلیواژ (رخ) : طلق نسوز (میکا) به آسانی ورقه

شکل ۵-۵ - کانی‌ها ممکن است جلای فلزی یا غیر فلزی داشته باشند.



شکل ۵-۶ - انواع رُخ در کانی‌های مختلف

ورقه می‌شود (شکل ۵-۱۱). حتی به کمک چاقو می‌توان هر ورقه آن را به ورقه‌ای نازک‌تر هم تقسیم کرد.

یک ضربه چکش به بلور کلسیت، آن را به صورت متوازی‌السطوح‌های کوچک در می‌آورد (شکل ۵-۶). بلورهای مکعبی نمک نیز به صورت مکعب‌های کوچک‌تر یعنی در سه جهت فضایی شکسته می‌شوند.

این خاصیت بستگی به نحوه پیوندهای اتم‌ها در جهات مختلف دارد. هر قدر قدرت پیوند اتمی در امتداد سطوحی ضعیف‌تر باشد، کانی در آن جهت آسان‌تر می‌شکند. فلدسپات‌ها در دو جهت، نمک طعام در سه جهت قائم و کلسیت در سه جهت با زاویه غیر قائمه رخ دارند (شکل ۵-۶).

۵- چگالی نسبی: جرم نسبی کانی‌ها را می‌توان تا اندازه‌ای با در دست گرفتن حجم‌های مساوی از آنها با هم مقایسه کرد. اما راه دقیق‌تر، تعیین چگالی نسبی آنها است.

چگالی نسبی یک کانی را می‌توان از تقسیم کردن چگالی یک کانی به چگالی آب به دست آورد. با این کار تعیین می‌کنیم که یک کانی چند بار از جرم آب هم حجم خود سنگین‌تر است. چگالی نسبی بیشتر کانی‌های سیلیکاتی که بخش اعظم پوسته زمین را تشکیل می‌دهند، حدود $2/5$ تا $3/5$ است. چگالی نسبی زیادتر، مربوط به کانی‌هایی است که در ترکیب خود عناصر سنگین مانند سرب، باریم و ... دارند (گالن PbS با چگالی $7/5$ و باریت $BaSO_4$ با چگالی $4/5$). مسلماً کانی‌هایی که اتم‌های سازنده

آنها به هم نزدیک تر و فشرده تر باشد، چگالی نسبی بیشتری خواهند داشت (مانند چگالی نسبی الماس در مقایسه با چگالی نسبی گرافیت).

۶- رنگ و رنگ خاکه : می توان کانی ها را از روی رنگ آنها نیز تشخیص داد ولی این قاعده، کلی نیست. مثلاً کوارتز در اصل بی رنگ است، اما به رنگ های شیری، بنفش، زرد و دودی هم دیده می شود. این رنگ ها مربوط به ناخالصی های موجود در کانی است. اما کانی هایی هم وجود دارند که با رنگ خود به آسانی قابل شناسایی هستند مثلاً فیروزه به رنگ آبی فیروزه ای، گرافیت همیشه سیاه و مالاکیت همیشه سبز دیده می شوند.



شکل ۷-۵- رنگ خاکه یک کانی، همیشه هم رنگ خود آن نیست.

رنگ گرد کانی، گاهی در تشخیص کانی ها مؤثرتر است. برای این کار کانی را به چینی بدون لعاب می کشند و از روی رنگ خطی که بر جای می گذارد نوع کانی را تشخیص می دهند. چنانکه یکی از راه های شناسایی طلا رنگ خاکه زرد طلایی آن است، ولی پیریت با رنگ و جلایی شبیه به طلا دارای رنگ خاکه سیاه است، یا آنکه اثر مانیتیت

(Fe_2O_3) سیاه و اثر هماتیت (Fe_2O_3) قهوه ای نمایان می شود (شکل ۷-۵)، در حالی که ظاهر این دو کانی معمولاً سیاه است.

۷- راه های شناسایی دیگر : بعضی از کانی ها مانند مس و طلا چکش خوارند، در صورتی که گوگرد ترد و شکننده است. بعضی کانی ها مانند میکا (طلق نسوز) در برابر گرما مقاوم اند و بعضی مانند ژیپس در مقابل شعله، کدر و به پودر سفید رنگی تبدیل می شوند. هالیت (NaCl) مزه ای شور و سیلویت (KCl) مزه ای تلخ دارد.

برخی از کانی ها مانند مانیتیت خاصیت مغناطیسی دارند، و بعضی مانند کائولینیت (خاک چینی) به زبان می چسبند. برخی مانند گرافیت و تالک در لمس با دست حالت چرب دارند (در صورتی که واقعاً چرب نیستند).

بعضی از واکنش های شیمیایی می تواند در شناسایی کانی ها مفید باشد، مثلاً کلسیت با اسید کلریدریک سرد و رقیق و دولومیت با اسید کلریدریک گرم و غلیظ ترکیب می شوند و گاز CO_2 آزاد می کنند. رنگ شعله نیز در شناسایی بعضی از کانی ها (در واقع، عنصری که در ترکیب دارند) مؤثر است.

البته، امروزه کانی شناسان با وسایل جدیدی مانند میکروسکوپ پلاریزان، دستگاه اشعه ایکس، میکروسکوپ الکترونی و طیف‌سنج‌های نوری، آسان‌تر می‌توانند کانی‌ها را تشخیص بدهند.

طبقه‌بندی کانی‌ها

کانی‌های تشکیل دهنده سنگ‌ها یا به اصطلاح کانی‌های سنگ‌ساز، بر حسب انواع سنگ‌ها به سه گروه کانی‌های ماگمایی، رسوبی و دگرگونی تقسیم می‌شوند.

۱- کانی‌های ماگمایی

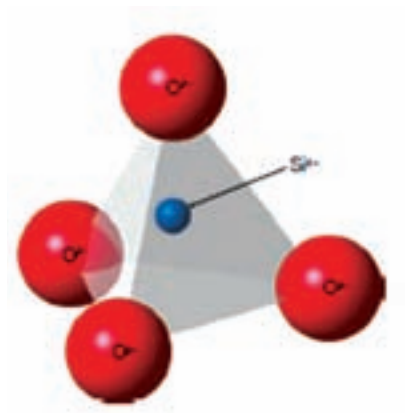
۹۵ درصد از وزن پوسته زمین را سنگ‌های آذرین تشکیل می‌دهند. این سنگ‌ها از سرد شدن مواد مذاب درونی به نام ماگما به وجود آمده‌اند.

مطالعه ترکیب شیمیایی سنگ‌های آذرین و آتشفشان‌های فعال نشان می‌دهند که ماگما یک ترکیب سیلیکاتی با مقداری اکسیدهای فلزی، بخار آب و دیگر مواد فرار است.

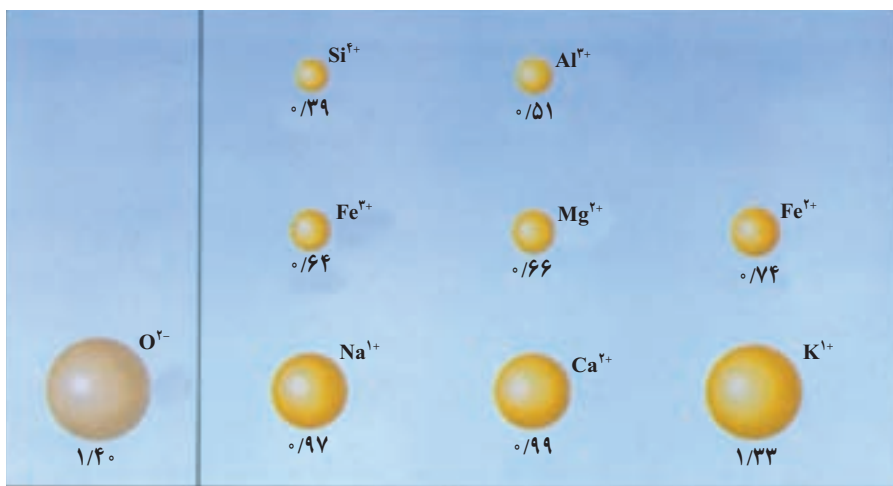
مهم‌ترین کانی‌های ماگمایی، سیلیکات‌های فلزاتی چون آلومینیم، آهن، کلسیم، منیزیم، سدیم و پتاسیم است که به آنها کانی‌های سیلیکاتی می‌گویند. علاوه بر اینها، گروه دیگری از کانی‌ها مانند اکسیدها، فسفات‌ها، سولفات‌ها، سولفیدها و بعضی عناصر خالص که غیر سیلیکات نام دارند نیز به مقدار بسیار کم در این گونه سنگ‌ها یافت می‌شوند.

سیلیکات‌ها

کوچک‌ترین واحد سازنده سیلیکات‌ها به شکل یک هرم چهار وجهی است که سطوح آن را مثلث‌های متساوی‌الاضلاع تشکیل می‌دهند (شکل ۵-۸). این واحدها یا بنیان‌های چهاروجهی سیلیکات، بار الکتریکی منفی دارند $(\text{SiO}_4)^{4-}$ و باید یکدیگر را دفع کنند، لیکن در ساختمان بلورین کانی‌ها، این بنیان‌ها به وسیله یون‌های مثبت چون آلومینیم، آهن، منیزیم و غیره طوری به یکدیگر پیوند داده شده‌اند که واحد سازنده بلور در مجموع دارای بار خنثی است. یون‌های پیوند دهنده بنیان‌ها دارای اندازه و بار الکتریکی متفاوتند (شکل ۵-۹). به طور کلی یون‌های تقریباً هم اندازه می‌توانند جانشین یکدیگر شوند (آهن و منیزیم که شعاع یونی نزدیک به هم دارند یا سدیم و کلسیم که جای یکدیگر را در



شکل ۸-۵ از اتصال چهار اتم اکسیژن به یک اتم سیلیسیم، هرم چهاروجهی تشکیل می‌شود، که واحد بنیادی سیلیکات‌ها است. در سمت چپ اتم اکسیژن با اتم سیلیسیم مقایسه شده است.



شکل ۹-۵ یون‌های پیوند دهنده ساختمان‌های سیلیکاتی دارای اندازه و بار الکتریکی متفاوتند. اندازه آنها بر حسب آنگسترم در زیر آنها نوشته شده است. این اعداد شعاع یونی نامیده می‌شوند.

ساختمان بلورین کانی اشغال می‌کنند). این وضع تغییر مهمی را در ساختمان کانی به وجود نمی‌آورد. بنیان‌های چهار وجهی ممکن است منفرد و بدون پیوند (الیون) یا به صورت حلقوی (زمره)، زنجیری و به شکل‌های دیگر به هم متصل شوند. به این ترتیب ساختمان‌های پیچیده‌ای از سیلیکات‌های مختلف به وجود می‌آید. (جدول ۵-۱)

رنگ کانی به ترکیب شیمیایی آن ارتباط دارد، چنانکه در ترکیب انواع تیره، آهن و منیزیم وجود دارد، در حالی که انواع روشن فاقد این دو عنصراند. اقسام مهم کانی‌های سیلیکاتی عبارتند از:

الف) سیلیکات‌های تیره

الیون: الیون، سیلیکات آهن و منیزیم و بلورهای آن سبز زیتونی است. الیون جلای شیشه‌ای دارد، فاقد رخ است (شکل ۵-۱۰). نوع شفاف و خوش‌رنگ الیون تحت نام زبرجد به‌عنوان جواهر مورد استفاده قرار می‌گیرد.



شکل ۵-۱۰- کانی الیون

پروکسن: این گروه از سیلیکات‌ها، کلسیم، آهن و منیزیم دارند. مهم‌ترین نوع پروکسن اوژیت نام دارد که بلورهای آن به شکل منشور است.

آمفیبول‌ها: سیلیکات‌های کلسیم، منیزیم و آهن آبدارند. بلور این دسته از کانی‌ها منشوری شکل و طویل است و به اصطلاح سوزنی نامیده می‌شود. از مهم‌ترین آمفیبول‌ها، هورنبلاند است. میکای سیاه یا بیوتیت: سیلیکات آهن، منیزیم و پتاسیم آبدار است. میکاها به دلیل داشتن ساختمان اتمی ورقه‌ای به آسانی ورقه ورقه می‌شوند و به اصطلاح رخ یک جهتی دارند (شکل ۵-۱۱).



شکل ۵-۱۱- ساختمان ورقه‌ای در میکا

ب) سیلیکات‌های روشن

میکای سفید (مسکوویت): کلیه مشخصات میکای سیاه به جز رنگ و ترکیب شیمیایی آن در مورد میکای سفید نیز صدق می‌کند. این کانی به جای آهن و منیزیم، دارای Al است، لذا می‌توان آن را سیلیکات آلومینیم و پتاسیم آبدار در نظر گرفت. رنگ آن سفید تا بور، ولی ورقه‌های نازک آن بی‌رنگ است. از این ورقه‌ها در صنایع تولید محصولات نسوز و عایق‌های حرارتی استفاده می‌شود.

فلدسپات‌ها: در اکثر سنگ‌های آذرین یافت می‌شوند و گوناگونی فراوان دارند. بعضی سیلیکات آلومینیم و پتاسیم (اُرتوکلاز) و بعضی‌ها سیلیکات سدیم و کلسیم‌دار (پلاژیوکلاز) هستند. از فلدسپات‌ها در صنایع تولید چینی و کاشی و سرامیک استفاده می‌شود.

تصویر کانی	رخ	نام کانی	ساختمان سیلیکاتی
	بدون رخ	الیون	چهار وجهی منفرد
	یک جهتی	بریل	حلقوی
	دو جهتی با زاویه ۹۰°	پروکسن	زنجیری ساده
	دو جهتی با زاویه ۱۲۰°	آمفیبول	زنجیری مضاعف
	یک جهتی	میکا	ورقه‌ای
	دو جهتی با زاویه ۹۰°	فلدسپار	داربستی
	بدون رخ	کوارتز	

جدول ۵-۱ - ساختمان سیلیکاتی کانی‌ها



کوارتز: این کانی در حالت خالص بی‌رنگ است (دُرکوهی). سختی آن زیاد و شیشه را خط می‌اندازد. این کانی رخ ندارد و جلای آن شیشه‌ای است (شکل ۱۲-۵).

فرمول شیمیایی کوارتز SiO_2 است، یعنی تنها کانی سیلیکاتی که از سیلیسیم و اکسیژن ترکیب یافته است. از کوارتز در صنعت شیشه‌سازی، تهیه کاغذ سمباده و ابزارهای نوری و الکترونیکی استفاده می‌شود.

شکل ۱۲-۵- کوارتز بنفش (آمتیست)

غیر سیلیکات‌ها

این گروه از کانی‌های سنگ‌ساز شامل فسفات‌ها، سولفات‌ها، اکسیدها و چند عنصر آزاد از قبیل مس، طلا و گوگردند. در مقایسه با سیلیکات‌ها به میزان بسیار کمتری در سنگ‌های آذرین یافت می‌شوند و به همین دلیل به آنها کانی‌های فرعی نیز می‌گویند. مهم‌ترین انواع کانی‌های غیرسیلیکاتی عبارتند از:

آپاتیت: این کانی فسفات کلسیم با کمی کلر یا فلوئور است که به صورت کانی فرعی در سنگ‌های آذرین یافت می‌شود. از آپاتیت در تهیه کودهای شیمیایی فسفردار و اسید فسفریک استفاده می‌شود.

فیروزه: این کانی هم فسفاتی به رنگ آبی فیروزه‌ای است که بهترین نوع آن در حوالی نیشابور از داخل سنگ‌های آتشفشانی استخراج می‌شود (شکل ۱۳-۵).



شکل ۱۳-۵- فیروزه

باریت: این کانی با ترکیب سولفات باریم معمولاً به صورت رگه‌های معدنی یافت می‌شود. چگالی آن زیاد است. رنگ آن سفید و یا خاکستری روشن است. این کانی پس از آسیاب شدن به صورت پودر در ترکیب گل حفاری چاه‌های نفت و گاز به کار برده می‌شود. در ایران ذخایر معدنی باریت

فراوان است. در اکثر معادن سرب و روی به عنوان ناخالصی موجود بوده و علاوه بر آن، به عنوان کانسارهای مستقل در نقاط دیگر وجود دارد.



شکل ۱۴-۵- بلورهای پیریت

پیریت: ترکیب شیمیایی آن سولفید آهن (FeS_2) است. بیش از تمام سولفیدهای فلزی در پوسته زمین یافت می‌شود. بلورهای آن غالباً مکعبی شکل (شکل ۱۴-۵)، جلای آن فلزی و بسیار شبیه طلا است. در ایران در بسیاری از معادن، پیریت همراه با سایر کانی‌ها یافت می‌شود.

۲- کانی‌های رسوبی

مواد حاصل از تخریب سنگ‌های آذرین، دگرگون شده و رسوبی توسط آب‌های جاری به حوضه‌های رسوب‌گذاری حمل و در دریاچه‌ها یا دریاها ته‌نشین می‌شوند. پاره‌ای از کانی‌ها ابتدا در آب‌ها به حالت محلول در می‌آیند و سپس در اثر تبخیر و یا واکنش‌های شیمیایی در دریاچه‌ها و دریاها کانی‌های رسوبی را پدید می‌آورند. بنابراین، در سنگ‌های رسوبی بسیاری از کانی‌های سازنده سنگ‌های آذرین و دگرگون شده را می‌توان یافت. در این میان، کانی‌های رسی از همه فراوان‌ترند. از سایر کانی‌های مهم رسوبی می‌توان کربنات‌ها، کلریدها و برخی از سولفات‌ها را نام برد.

کانی‌های رسی: از تجزیه شیمیایی پاره‌ای از سیلیکات‌ها در اثر هوازدگی شیمیایی به وجود می‌آیند. این کانی‌ها همراه با مواد آلی گیاهی و جانوری و پاره‌ای از باکتری‌ها، خارجی‌ترین قشر پوسته زمین یعنی خاک را به وجود می‌آورند. کانی‌های رسی بسیار دانه‌ریزند و مانند میکاها ساختمان ورقه‌ای دارند. برخی از کانی‌های رسی مانند کائولن که از تجزیه فلدسپات‌ها طبق رابطه زیر حاصل می‌شوند، در صنعت کاشی‌سازی و چینی‌سازی کاربرد زیادی دارند.



فلدسپات

کائولن

سیلیس

کربنات

نظیر همین تجزیه و دگرسانی موجب تخریب بسیاری از سیلیکات‌های سنگ‌های آذرین می‌شود و خاک به وجود می‌آید. به دلیل اهمیت خاک در کشاورزی و مصالح ساختمانی، اهمیت کانی‌های رسی روز به روز بیشتر می‌شود.



شکل ۵-۱۵ واکنش کلسیت با اسید کلریدریک

کربنات ها : از کربنات ها، کانی کلسیت (CaCO_3) را می توان نام برد که کانی اصلی سنگ های آهکی و مرمر است. کلسیت با اسید کلریدریک به سهولت می جوشد، در زیر ضربه چکش به صورت قطعات متوازی السطوح کوچک در می آید که نشانه وجود سه جهت رخ در این کانی است. از دیگر کانی های کربناته، می توان دولومیت را نام برد $[(\text{Ca}, \text{Mg})(\text{CO}_3)_2]$ که از بسیاری جهات شبیه کلسیت است. تنها راه تشخیص دولومیت با کلسیت اثر اسید کلریدریک بر این دو است که کلسیت به سرعت می جوشد (شکل ۵-۱۵) و تنها پودر دولومیت با این اسید واکنش می دهد.



شکل ۵-۱۶ بلور نمک

کلریدها و سولفات ها : بر اثر تبخیر آب دریا یا دریاچه ها در حوضه های رسوبی بسته، املاح آنها به صورت لایه هایی ته نشین می شود و رسوبات تبخیری یا شیمیایی به وجود می آید. آن دسته از نمک هایی که در دریاچه های نواحی گرم زمین (مانند نواحی مرکزی و جنوبی ایران) رسوب می کنند، شامل کلرید سدیم (هالیت)، سولفات سدیم و سولفات کلسیم است. هالیت از مهم ترین و فراوان ترین رسوبات شیمیایی است که از تبخیر آب به وجود می آید. بلورهای آن مکعبی شکل (شکل ۵-۱۶) و شور مزه است. در زیر چکش به صورت مکعب های کوچک در می آید.

سولفات ها، معمولاً همراه با کلریدها در رسوبات تبخیری یافت می شوند. مهم ترین نوع این مواد، انیدریت که سولفات کلسیم بدون آب (CaSO_4) است که بلورهایی به شکل قوطی کبریت دارد. نوع آبدار سولفات کلسیم **ژیپس** یا **گچ** ($\text{CaSO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$) نامیده می شود که در اکثر نواحی ایران یافت می شود. برای تهیه گچ بنایی ژیپس را در کوره کمی حرارت می دهند تا قسمتی از آب تبلور خود را از دست بدهد. ژیپس با ناخن به آسانی خط برمی دارد و بلورهای آن نیز به آسانی ورقه ورقه می شوند.

۳- کانی‌های دگرگونی

بسیاری از کانی‌های موجود در سنگ‌های آذرین و رسوبی، در اثر فشار لایه‌های فوقانی و دمای زیاد موجود در قشر زیرین پوسته یا در مجاورت توده‌های ماگمایی تغییر شکل و حالت می‌دهند و به‌صورت کانی‌های دگرگونی در می‌آیند. تعداد این کانی‌ها زیاد است که از بین آنها، دو نمونه را در اینجا ذکر می‌کنیم.

گارنت‌ها (گروناها): از انواع سیلیکات‌ها است که از انواع شفاف آن پس از تراش به عنوان سنگ قیمتی در جواهرسازی به کار برده می‌شود. انواع کدر این کانی به علت سختی نسبتاً زیادی که دارد (درجه سختی ۷/۵) در تهیه کاغذ سمباده نیز به کار می‌رود. گارنت به رنگ‌های یاقوتی، سبز، سیاه و به اندازه‌های مختلف در سنگ‌های دگرگون شده یافت می‌شود (شکل ۱۷-۵). بلورهای نسبتاً درشت گرونا در سنگ‌های دگرگونی اطراف کوه الوند وجود دارد.



شکل ۱۷-۵- کانی گارنت

گرافیت: این کانی دگرگونی غالباً منشأ زیستی دارد. گرافیت مانند الماس از کربن خالص تشکیل شده، ولی برخلاف آن بسیار نرم است (درجه سختی یک) به طوری که دست را سیاه می‌کند. گرافیت از دگرگون شدن بعضی از انواع زغال سنگ پدید می‌آید. گرافیت در صنایع مختلف شیمیایی و الکتریکی، در ساختن مداد، «زغال» دینام الکتروموتورها، در رآکتورهای اتمی به عنوان کم‌کننده سرعت نوترون‌ها و در ماشین‌هایی که حرارت بسیار زیادی تولید می‌کنند به جای روغن (کم کردن نیروی اصطکاک) به کار می‌رود.

کاربرد کانی‌ها

۱- کانی‌های قیمتی: بعضی از کانی‌ها به علت دارا بودن رنگ، جلا، شکل ویژه بلور و سختی زیاد، قیمتی یا نیمه قیمتی محسوب می‌شوند. چنین کانی‌هایی را می‌توان برش و صیقل داد و به عنوان جواهر به کار برد. بعضی از جواهرات مانند الماس و زمرد، بسیار کمیابند و برخی از سیلیکات‌ها، بلورهای بسیار کاملی دارند.

آمتیست (کوارتز بنفش) جواهری است که رنگ بنفش زیبایی دارد. بعضی از غیر سیلیکات‌ها هم مانند کِرندوم (Al_2O_3) با درجه سختی ۹، در صورتی که متبلور و رنگی باشند از جواهرات محسوب می‌شوند. کِرندوم به رنگ‌های مختلفی دیده می‌شود که نوع قرمز آن را یاقوت گویند.

الماس، تحت فشار و گرمای فوق‌العاده زیاد و در عمق بیشتر از ۱۵۰ کیلومتری، از تغییر شکل گرافیت که کربن خالص است حاصل می‌آید. الماس را معمولاً در نقاطی از زمین می‌توان یافت که سنگ‌های مذاب توسط گازهای فوق حرارت معمولی به قسمت‌های سطحی زمین رانده می‌شوند و الماس را به همراه می‌آورند.

بیشتر بدانید

خاصیت پیزوالکتریک

بعضی از کانی‌ها مانند کوارتز را اگر در امتداد معینی فشار دهیم، در دو انتهای آن الکتریسیته تولید می‌شود و اگر آن را بکشیم باز هم در آن الکتریسیته ولی با علامت مخالف دفعه قبل پدید می‌آید. هرچه فشار بیشتر باشد مقدار جریان الکتریسیته بیشتر خواهد شد. از این خاصیت برای اندازه‌گیری فشار و تعیین عمق آب در نقاط مختلف و اندازه‌گیری فشار بر بدنه موتورهای و بدنه توپ و تانک استفاده می‌کنند. البته اگر به این بلور، جریان الکتریسیته بدهیم، به طور مرتب شروع به نوسان می‌کند که از این خاصیت در ساعت‌سازی و تنظیم فرکانس امواج رادیویی فرستنده‌ها و گیرنده‌ها استفاده می‌شود.

۲- کانی‌ها و تاربخچه گذشته زمین: زمین‌شناسان، برای درک بعضی از وقایع گذشته، از کانی‌ها هم استفاده می‌کنند. مثلاً وجود کانی‌های فراوان نمک و گچ، علامتی مبنی بر وجود دریاچه‌های گرم و کم‌عمق در گذشته و تبخیر فراوان در آن زمان‌ها هستند. گلوکوفان، که نوعی آمفیبول است، فقط در شرایطی که فشار زیاد و گرما کم باشد تشکیل می‌شود. پس می‌توان قضاوت کرد که محل یافت

شدن گلوکوفان، قبلاً در شرایط فشار زیاد بوده است.

۳- کانسنگ‌ها : کانسنگ یا سنگ معدن ماده‌ای است که به منظور استحصال فرآورده‌های ارزشمند معدنی، استخراج و پالایش می‌شود. هر کانسنگ از دو بخش کانه یا کانی‌های ارزشمند و باطله یا کانی‌های بی‌ارزش تشکیل شده است. در کانسنگ آهن، هماتیت (Fe_2O_3) کانه یا کانی ارزشمند است و بقیه کانی‌های همراه آن باطله هستند. هماتیت پس از فرآوری از کانی‌های باطله کانسنگ آهن جدا شده و پس از انتقال به کارخانجات ذوب آهن، فلز آهن مورد نیاز صنعت از آن به دست می‌آید. به محلی که یک یا چند کانسنگ از آن استخراج می‌شود، کانسار می‌گویند. آنچه استخراج یک کانسار را مقرون به صرفه اقتصادی می‌کند نسبت بالای کانه به باطله، نوع کانی‌های ارزشمند و پائین بودن هزینه‌های عملیات استخراج است.



شکل ۱۸-۵- یک معدن روباز. بسیاری از فلزات را از چنین معادنی استخراج می‌کنند.

مسئله آزبست

امروزه، آزبست تبدیل به مسئله‌ای جدی شده است و در بعضی از کشورها هرگز اجازه نمی‌دهند محصولات ساخته شده از این ماده در ساختمان‌های عمومی (مدرسه، اداره و ...) به کار برده شود.

آزبست (پنبه نسوز)، دارای الیاف انعطاف پذیری است و آن را در عایق کاری و تهیه پوشش های ضد آتش به کار می برند. الیاف آزبست، برای تهیه لنت ترمز، پارچه، یا ورقه ها هم مناسبند. مواد آزبست دار، به آسانی نمی سوزند و گرما و الکتریسیته را خوب هدایت نمی کنند.

اما با وجود این فایده ها، الیاف آزبست خطرناک هم هستند اگر تارهای آزبست از هم باز و شکسته شوند، ممکن است در هوا شناور بمانند و همراه هوای تنفسی وارد شش ها شوند. این الیاف توسط سلول های جدار کیسه های هوایی گرفته می شوند و در همانجا می مانند و در نتیجه، این سلول ها و سلول های سالم را تبدیل به سلول های سرطانی می کنند و صاحب خود را مبتلا به سرطان شش یا بیماری های تنفسی شدید می سازند. علت مخالفت با استفاده از آزبست نیز همین است.



ب



الف

شکل ۱۹-۵ الف: کانی آزبست با رشته های نخ مانند آن. ب: استفاده از آزبست در تهیه لباس ضد آتش

شما تصمیم بگیرید :

بعضی عقیده دارند باید آزبست های به کار رفته در ساختمان ها را جمع آوری کرد. در مقابل، عده ای هم می گویند با این کار، ذرات آزبست بیشتری در هوا پراکنده خواهد شد و لزومی ندارد خرج بیهوده ای شود، به ویژه که با گذشت زمان، این ماده کم کم از میان می رود. شما با استدلال کدام گروه موافقت می کنید؟

تشخیص کانی‌ها

مواد لازم: نمونه‌های کانی‌ها، ذره‌بین، سکه مسی، یک قطعه شیشه، یک قطعه چینی بدون لعاب (قطعه بشقاب شکسته)، سوهان فولادی، اسید کلریدریک ۵ درصد، قطره چکان.

با استفاده از ذره‌بین، نمونه کانی‌ها را به دقت مشاهده کنید و جلا، درجه سختی، رنگ خاکه، رخ یا نوع شکستگی و رنگ هر یک را مشخص کنید.

— تأثیر اسید کلریدریک را بر کانی‌ها تعیین کنید (توجه: اسید کلریدریک سوزاننده است، بنابراین، در صورت ریخته شدن روی پوست یا لباس، فوراً محل را با آب زیاد بشویید).

— یافته‌ها را در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

— کدام خاصه‌ها شما را بیشتر از بقیه در تشخیص کانی‌ها کمک می‌کند؟

— انجام کدام آزمایش مشکل‌تر از بقیه است:

نوع کانی	جلا	درجه سختی	اثر خاکه	رخ یا شکستگی	رنگ	خواص دیگر
کوارتز	شیشه‌ای	۷	—	صدفی	سفید، شفاف	—

بیشتر بدانید

اورانیوم در طبیعت

اورانیوم در طبیعت به صورت خالص وجود ندارد ولی به صورت ترکیبات اکسید، سیلیکات، کربنات، فسفات و غیره تحت نام کانی‌های اورانیوم در بعضی از سنگ‌های رسوبی، آذرین و حتی دگرگونی یافت می‌شوند. کانی‌های اورانیوم همانند فلز خالص آن دارای پرتوزایی هستند. البته به غیر از کانی‌های اورانیوم کانی‌های فلزات دیگری مثل توریم، رادیوم و غیره نیز پرتوزا هستند که نوع و درصد هر یک از این مواد در کانی‌های پرتوزا به وسیله تجزیه شیمیایی و یا دستگاهی مشخص می‌گردد.

مهم‌ترین کانسارهای اورانیوم شامل انواع دگرشیمی، ماسه‌سنگی، کنگلومرای، رگه‌ای و تمرکز سطحی می‌باشند.



ماگماتیسزم و سنگ‌های آذرین

در گذشته‌ای نه چندان دور، زمین‌شناسان بر این باور بودند که آنچه در زیر پوسته زمین پنهان است حالتی مذاب دارد. بعدها شواهد به دست آمده نشان داد که مواد مذاب فقط در بخش‌هایی از داخل زمین دیده می‌شود که گرمای موجود، برای ذوب سنگ‌ها کافی است. این مواد مذاب پس از تشکیل شدن ممکن است به سطح زمین برسند، یا اینکه در درون زمین سرد شوند. در این موارد، سنگ‌های آذرین بیرونی و درونی حاصل می‌آیند.

در باره چگونگی فعالیت‌های بیرونی (آتشفشانی) در سطح زمین مطالب بیشتری می‌دانیم، زیرا امکان آزمایش‌های مستقیم و مشاهدات فراوان درباره آنها در نقاط مختلفی از زمین فراهم است. اما در مورد چگونگی فعالیت‌های درونی که در اعماق پوسته زمین صورت می‌گیرند اطلاعات ما اندک است و در این زمینه ناچاریم به شواهد غیرمستقیم قناعت کنیم. بخصوص که در این زمینه، مطالعات ما پس از سرد شدن ماگما در تشکیل سنگ‌ها در آن اعماق انجام می‌گیرد و چگونگی انجام این عمل را به چشم نمی‌بینیم. از طرفی، ممکن است که از زمان پایان آن فعالیت‌ها میلیون‌ها سال هم گذشته باشد.

ماگما ضمن بالا آمدن از درز و شکاف‌های درون پوسته زمین سرد می‌شوند و در مقایسه با سنگ‌های اطراف خود (سنگ‌های درونگیر) ساخت‌های مختلفی ایجاد می‌کنند. به این ساخت‌ها براساس شکل، اندازه و نحوه قرار گرفتن آن‌ها در بین لایه‌ها نام‌های مختلفی داده‌اند مانند: باتولیت، لاکولیت، دایک، سیل و ...

باتولیت‌ها بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین توده‌های آذرین عمقی‌اند، به طوری که حداقل وسعتی معادل یکصد کیلومتر مربع را دربر می‌گیرند (مانند کوه الوند در همدان). عمق باتولیت‌ها را به کمک یافته‌های ژئوفیزیکی بین ۱۰ تا ۳۰ کیلومتر تخمین می‌زنند.



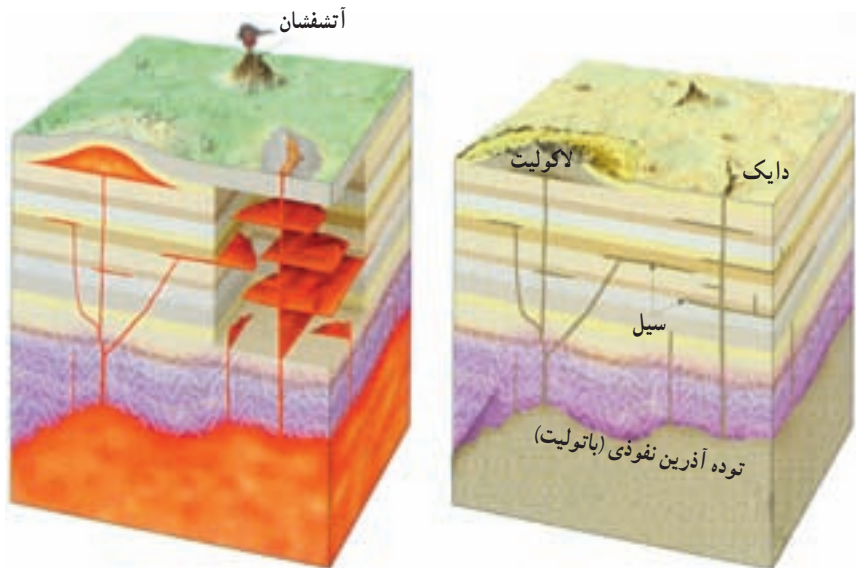
شکل ۱-۶- گاهی بر اثر فرسایش لایه‌های رسوبی، باتولیت‌ها بر سطح زمین ظاهر می‌شوند.

از آنجا که بلور سنگ‌های تشکیل دهنده باتولیت‌ها اغلب دانه درشت است، تصور می‌شود زمان تشکیل و تبلور آنها بسیار کند و طولانی بوده باشد، و فرسایش لایه‌های فوقانی باتولیت‌ها،

سبب ظاهر شدن آنها در سطح زمین می‌شود، (شکل ۱-۶).

به جز باتولیت‌ها، ساخت‌های محدودتری نیز از مواد آذرین در داخل پوسته پدید می‌آید. این پدیده‌ها حاصل تزریق شدن ماگما در بین سنگ‌های مجاوراند (شکل ۲-۶).

❓ تفاوت و تشابه سیل و دایک در چیست؟



شکل ۲-۶ - شکل‌هایی از انجماد مواد مذاب در پوسته زمین

ذوب و تبلور: اگر بخواهیم یک کانی متبلور را در آزمایشگاه ذوب کنیم لازم است آن را در کوره قرار دهیم و دمای آن را تدریجاً زیاد کنیم و آن را به نقطه ذوب برسانیم. در حالت متبلور، یون‌های سازنده کانی با نظم و ترتیب معینی به‌لوی هم چیده شده‌اند و حول یک نقطه ثابت ارتعاشات اندکی از خود بروز می‌دهند. با افزایش دما، یون‌ها دچار ارتعاش بیشتر می‌شوند و در نتیجه به یکدیگر برخورد می‌کنند، پس فضای بیشتری نیاز دارند. این وضع، سبب افزایش فاصله بین یون‌ها و انبساط ماده جامد می‌شود. در نقطه ذوب، فاصله یون‌ها، از هم زیادتر شده و شدت ارتعاشات بر نیروی پیوند شیمیایی یونی فایق می‌آید، نتیجه آنکه:

۱- نظم و ترتیب ساختمان بلورین از بین می‌رود.

۲- حجم ماده بیشتر شده و در نتیجه چگالی مایع مذاب کمتر از چگالی جامدی است که از آن به‌وجود می‌آید.

در حالت تبلور، عکس پدیده ذوب رخ می‌دهد. با کاهش دمای ذوب، یون‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند و حرکت آزادانه خود را تقریباً از دست می‌دهند.



ابسیدین



گرانیت

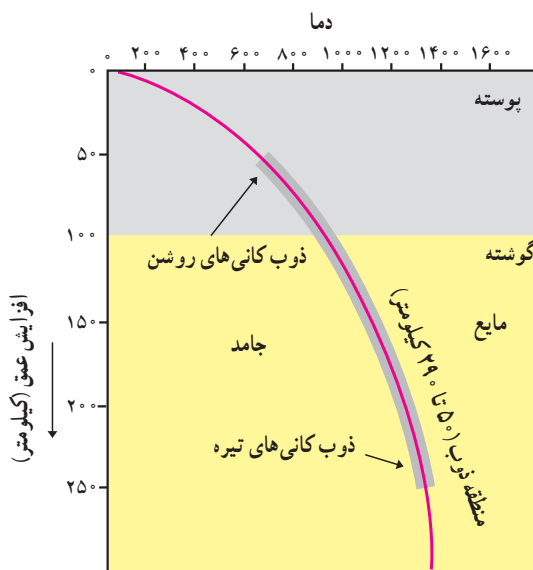
شکل ۳-۶ دو نمونه سنگ آذرین درونی و بیرونی

تشکیل ماگما : در حالت کلی، ماگما از ذوب سنگ‌های پوسته و یا گهواره طی فرایند بسیار پیچیده به وجود می‌آید. علاوه بر افزایش دما که پیوندهای یونی را در کانی‌ها سست و از هم جدا می‌کند و به اصطلاح موجب ذوب سنگ‌ها می‌شود، عوامل دیگری نیز در ذوب سنگ‌ها دخالت می‌کنند که یکی فشار و دیگری حضور مواد فزار و به ویژه، آب است.

افزایش فشار برخلاف گرما، باعث استحکام پیوندهای شیمیایی شده و در نتیجه مانع ذوب سنگ‌ها می‌شود و چون هر چه عمق زیاد شود فشار هم افزایش پیدا می‌کند، برای ذوب سنگ‌ها در اعماق زیاد، دمای بیشتری نسبت به سطح زمین لازم است. بنابراین در عمق معینی از زمین، اگر دما ثابت فرض شود ولی از مقدار فشار کاسته شود، ماده به حالت ذوب نزدیک‌تر می‌شود، و سرانجام عمل ذوب رخ می‌دهد.

آب نیز به علت ساختمان خاص مولکولی خود می‌تواند مانند گرما، جدا شدن پیوندهای یونی را در کانی‌ها آسان کند. چون آب در همه سنگ‌های پوسته زمین کم و بیش وجود دارد، لذا افزایش فشار بخار آب را باید عاملی در ذوب سنگ‌ها به حساب آورد.

اصولاً ذوب سنگ‌های درونی زمین به هر علت که اتفاق افتاده باشد شامل تمام کانی‌های سنگ نمی‌شود. به عبارت دیگر، سنگ‌های درون زمین از کانی‌های مختلفی تشکیل شده‌اند که نقطه ذوب آنها با هم تفاوت دارد، لذا در هنگام ذوب، بعضی از کانی‌های زودگداز ذوب می‌شوند و بقیه کانی‌ها، یعنی



شکل ۴-۶- رابطه میان دما و عمق. به منطقه ذوب مواد توجه کنید.

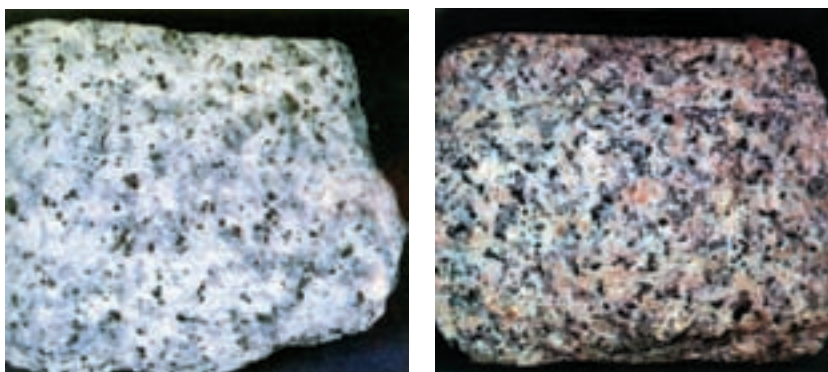
انواع دیرگداز آنها در تشکیل ماگما وارد نمی‌شوند. این قبیل ذوب را باید ذوب ناقص نامید. یکی از علل اختلاف ترکیب ماگماها، همین مقدار ذوب سنگ اصلی است که ممکن است ۵، ۱۰ یا ۲۰ درصد از سنگ اصلی و یا بیشتر ذوب شود (شکل ۴-۶).

جدول ۱-۶- ترکیب عمومی سنگ‌های آذرین

نمونه	دمای ذوب	درجه غلظت نسبی	عناصر مهم دیگر	درصد سیلیس	ترکیب
گرانیت ریولیت	$600^{\circ}\text{C} - 800^{\circ}\text{C}$	بالا	Al, K, Na	$> 70\%$	اسیدی
دیوریت آندزیت	$600^{\circ}\text{C} - 1000^{\circ}\text{C}$	متوسط	Al, Ca, Na, Fe, Mg	60%	متوسط
گابرو بازالت	$1000^{\circ}\text{C} - 1200^{\circ}\text{C}$	پایین	Al, Ca, Fe, Mg	$40\% - 50\%$	بازی
پریدوتیت	$> 1200^{\circ}\text{C}$	خیلی پایین	Mg, Fe, Al, Ca	$< 40\%$	فوق بازی

نوع کانی‌ها

نوع کانی‌های سنگ‌های آذرین کاملاً بستگی به ترکیب شیمیایی این سنگ‌ها دارد. کانی‌هایی که در یک سنگ آذرین فراوان‌تر باشند بر ظاهر سنگ اثر می‌گذارند. چنانکه سنگ‌های پُرسیلیس به علت وفور کوارتز و فلدسپات، ظاهری روشن داشته (سنگ‌های اسیدی) و سنگ‌های کم سیلیس و به اصطلاح بازیک (و خیلی بازیک) به علت وفور کانی‌های آهن و منیزیم دار رنگ تیره‌تر از خود ظاهر می‌سازند (جدول ۱-۶). به این ترتیب، با توجه به رنگ سنگ (به شرط آنکه منظره تازه شکسته شده سنگ در نظر گرفته شود) می‌توان تا اندازه‌ای به ترکیب سنگ پی برد.



شکل ۵-۶- دو نمونه سنگ گرانیت تیره و روشن

همه کانی‌های موجود در یک سنگ آذرین در یک زمان از ماگمای مذاب جدا نمی‌شوند، یعنی هر کانی در دمای خاص متبلور می‌شود. چنانکه الیوین در دمای ۱۶۰۰ درجه اولین کانی است که از یک ماگمای بازیک (بازالت) متبلور می‌شود و پیروکسن در دمای کمتر از آن، مثلاً در حدود ۱۴۰۰ درجه سانتیگراد به وجود می‌آید. پس، وقتی که ماگمای داغ، شروع به سرد شدن کند، در دماهای مختلف، کانی‌هایی با ترکیب‌های متفاوت می‌توانند از مایع جدا شوند. با ادامه این عمل، ترکیب مایع مذاب باقیمانده تغییر می‌کند.

یکی از پژوهش‌های بی‌سابقه در مورد تبلور ماگما، به وسیله بوون (Bowen) ژئوفیزیک‌دان امریکایی انجام شد. به عقیده او بیشتر ماگماها ترکیب بازالتی دارند. از این ماگما مطابق شکل ۶-۶، ضمن سرد شدن تدریجی، کانی‌های مختلف و در نتیجه سنگ‌های آذرین متفاوت به وجود می‌آید.

بوون در آزمایش‌های خود مشاهده کرد نخستین کانی‌هایی که از سرد شدن ماگما حاصل می‌شود الیوین و پلاژیوکلاز کلسیم‌دار است. از تجمع این دو کانی همراه با مقداری پیروکسن، سنگ بازالتی یا

نوع سنگ	سری بوون	دما
فوق بازی (پریدوتیت)	کلسیم زیاد	دمای بالا (اولین مرحله تبلور)
بازی (بازالت / گابرو)	پیروکسن	
خنثی (آندزیت / دیوریت)	آمفیبول میکای سیاه	
اسیدی (ریولیت / گرانیت)	سیدیم زیاد	دمای پایین (آخرین مرحله تبلور)
	فلدسپات پتاسیم دار + میکای سفید + کوارتز	

شکل ۶-۶ واکنش‌هایی که بر اساس نظریه بوون در ماگمای بازالتی صورت می‌گیرد.

معادل درونی آن گابرو به وجود می‌آید. با ادامه تبلور، ترکیب ماده مذاب باقیمانده تغییر می‌کند. یعنی تقریباً قسمت مهمی از آهن، منیزیم و کلسیم خود را از دست می‌دهد. در عوض ماده مذاب از عناصری که تا کنون در ساختمان ماده‌ای وارد نشده‌اند (سیدیم و پتاسیم) غنی می‌شود و در عین حال مقدار سیلیس نیز در مایع مذاب زیاد شده است.

ولی اگر نخستین بلورها (یعنی الیوین و پلاژیوکلاز کلسیم دار) در محلول باقی بمانند و با مایع وارد واکنش شوند، کانی‌هایی با درجات حرارت پایین‌تر از خود را به وجود می‌آورند و این وضع ادامه می‌یابد. این توالی تشکیل کانی‌ها را سری واکنشی بوون می‌گویند. در شکل ۶-۶ در سمت چپ و بالا، کانی الیوین تشکیل شده و با مایع مذاب باقی مانده واکنش نموده و پیروکسن به وجود آمده است.

به عنوان مثال

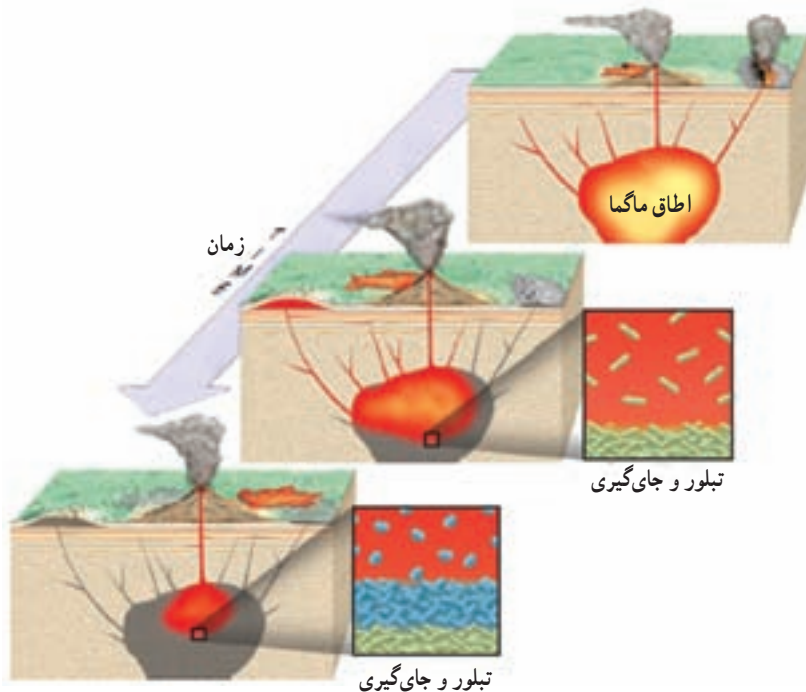
پیروکسن → مایع مذاب باقیمانده + الیوین

آمفیبول → مایع مذاب باقیمانده + پیروکسن

بیوتیت → مایع مذاب باقیمانده + آمفیبول

در انتها، یعنی پس از انجماد قسمت اعظم ماگما، بلورهای ارتوکلاز، مسکویت و کوارتز از باقیمانده ماده مذاب متبلور می‌شوند. در قسمت راست نیز ابتدا پلاژیوکلاز کلسیم دار و سرانجام پس از واکنش‌های متعدد پلاژیوکلاز سیدیم دار حاصل می‌شود. به این ترتیب با توجه به رنگ‌های مختلف در

متن شکل، لا اقل چهار نوع سنگ با ترکیب کانی شناسی متفاوت به وجود می آیند و به این طریق می توان ثابت کرد که بر اثر جدا شدن بلورهای اولیه (مثلاً ته نشین شدن در کف اطاق ماگمایی) و عدم واکنش با مایع باقیمانده و انجماد سنگ های آذرین مختلفی به وجود می آیند (شکل ۶-۷).



شکل ۶-۷ — جدا شدن بلورهای اولیه و ته نشین شدن در کف اطاق ماگمایی

بافت

بافت یک سنگ آذرین به اندازه، شکل و آرایش کانی های موجود در سنگ اشاره می کند. نخستین چیزی که در سنگ مشاهده می شود اندازه یا درشتی بلور است. به کمک بافت می توان یک سنگ آذرین درونی را از انواع بیرونی مشخص کرد. آیا می توانید چگونگی آن را ذکر کنید؟ به طور کلی سنگ های آذرین را از روی بافت، به انواع درشت بلور، ریز بلور، شیشه ای (فاقد بلور)، پورفیری و اسفنجی طبقه بندی می کنند. هر قدر سرعت سرد شدن کندتر باشد، تعداد مراکز تبلور کمتر بوده و یون ها فرصت کافی برای مهاجرت به سوی مراکز تبلور را خواهند داشت. در نتیجه، تعداد بلورها اندک ولی اندازه آنها بزرگ می شود. در عوض، اگر سرعت سرد شدن زیاد باشد، عکس حالت فوق اتفاق می افتد، به طوری که سنگ های فاقد بلور بوده و به اصطلاح شیشه ای هستند یعنی چون به

سرعت سرد می‌شوند، لذا در آنها ساختمان منظم بلورین وجود ندارد. (مانند اُبسیدین).

در بافت پورفیری بلورهای درشت در زمینه‌ای فاقد بلور یا ریز بلور قرار دارند. وجود این بافت حاکی از آن است که سنگ در دو مرحله سرد شده است. مرحله اول در اعماق (درشت بلورها)، مرحله دوم در مسیر حرکت و نزدیک شدن به سطح زمین (ریز بلورها) و یا در سطح زمین که خمیره سنگ، سریعاً انجماد یافته است.

بافت حفره‌دار و اسفنجی نیز در سنگ پا و پوک معدنی دیده می‌شود که به علت خروج گازها از گدازه در حال انجماد، چنین سنگ‌های حفره‌داری به وجود می‌آید.



شکل ۸-۶ - انواع بافت سنگهای آذرین متناسب با شرایط تشکیل آنها

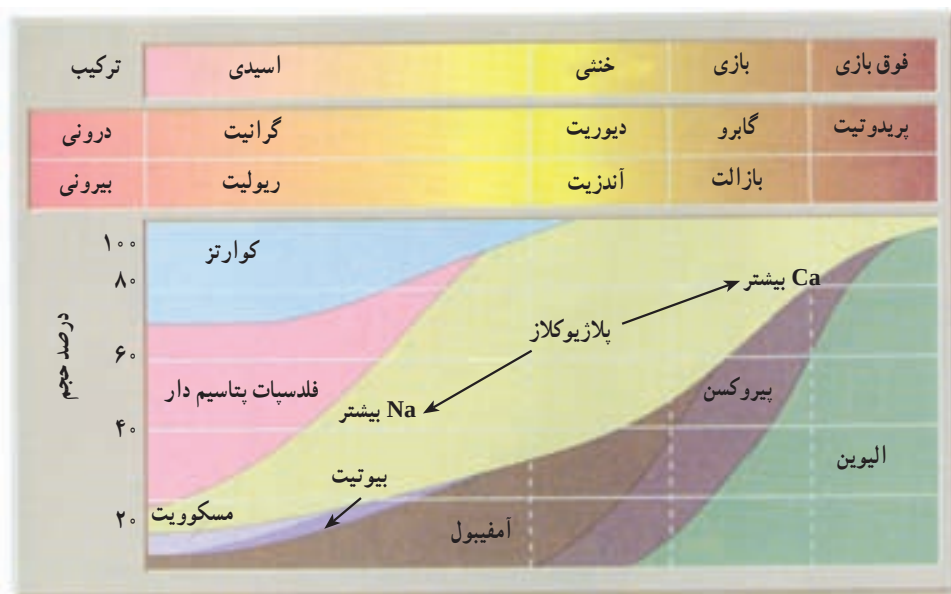
طبقه‌بندی

سنگ‌های آذرین را می‌توان براساس ملاک‌های زیر طبقه‌بندی کرد :

- ترکیب شیمیایی که به مقدار سیلیس موجود در سنگ وابسته است.

- نوع کانی‌های تشکیل دهنده سنگ.

- بیرونی و درونی بودن آنها (بافت سنگ).



شکل ۹-۶- رده بندی و ترکیب کانی شناسی اقسام مهم سنگ های آذرین

در شکل ۹-۶، با ادغام سه مورد فوق، اقسام مهم سنگ های آذرین، نشان داده شده است. در بررسی این شکل به ۳ نکته زیر توجه کنید :

الف) یک ماده مذاب ممکن است در اعماق و یا در سطح زمین سرد شود. در این حالت دو نوع سنگ به وجود می آید که از نظر شیمیایی و کانی شناسی شبیه به هم هستند ولی از نظر بافت با هم تفاوت دارند. بنابراین، هر سنگ آذرین درونی یک معادل بیرونی خواهد داشت.

ب) در این شکل، اقسام سنگ هایی که بافت تماماً شیشه ای و حفره دار دارند، دیده نمی شود. مسلماً این سنگ ها معادل درونی هم دارند.

ج) رنگ سنگ های آذرین تابع کانی های موجود در آنها و وسیله خوبی برای تشخیص و نام گذاری سنگ ها است. در اینجا برای توجه به اینکه کدام یک از سنگ ها دارای رنگ روشن و کدام یک تیره رنگ است از رنگ های مختلف استفاده کرده ایم.

بیشتر بدانید

پگماتیت

پگماتیت، به سنگ‌های آذرینی گفته می‌شود که بلورهای تشکیل دهنده آنها به طور غیرطبیعی بزرگ باشد. بلورهای موجود در بیشتر پگماتیت‌ها قطری بیشتر از یک سانتیمتر دارند، اما در بعضی از این سنگ‌ها، بلورهای یک متری و بزرگ‌تر هم دیده شده است. در اونتاریوی کانادا، پگماتیت‌هایی با بلورهای چند متر مربعی میکای سفید یافت شده است. فلدسپات‌های بعضی از این سنگ‌ها هم گاهی چندین متر مکعب حجم داشته‌اند. بیشتر پگماتیت‌ها ترکیب گرانیته دارند و محتوی بلورهای درشت کوارتز، فلدسپات و میکای سفیدند. این سنگ‌ها را به خاطر محتوای کانی‌های آنها استخراج می‌کنند. در بعضی از پگماتیت‌ها، علاوه بر کانی‌های فوق، عناصری چون لیتیم، سزیم، اورانیم و جواهرات نیمه قیمتی مانند توپاز و تورمالین هم یافت شده‌اند. بیشتر پگماتیت‌ها در میان توده‌های بزرگ آذرین، یا درون دایک‌ها و رگه‌ها قرار دارند و در اواخر مراحل متبلور شدن ماگما تشکیل می‌شوند. در ایران پگماتیت را می‌توان در نقاطی از کوه الوند و خواجه مراد مشهد مشاهده کرد.

فعالیت

تشخیص سنگ‌های آذرین و طبقه‌بندی آنها

– چند نوع سنگ آذرین مختلف را از آزمایشگاه دبیرستان بگیرید و آنها را با ذره‌بین به دقت مشاهده کنید. بافت هر سنگ را تعیین کنید. اگر دانه‌ها درشت‌اند و با چشم دیده می‌شوند، بافت را دانه درشت محسوب کنید. اگر دانه‌ها چنان ریزند که به سختی تشخیص داده می‌شوند بافت از نوع دانه ریز است. سنگ‌ها را بر همین اساس، به دو گروه تقسیم کنید.

۱– تفاوت میان اندازه بلورها در سنگ‌های آذرین بیرونی و درونی در چیست؟

۲– اگر اندازه بلورهای یک سنگ به طور قابل توجهی متفاوتند، سنگ از چه گروهی

است؟

– اکنون، به رنگ سنگ‌ها توجه کنید. آیا سنگ‌ها روشن، تیره یا متوسط‌اند؟ یک بار هم

سنگ‌ها را بر این اساس طبقه‌بندی کنید.

- ۱- کانی‌هایی که سنگ را تیره می‌کنند، از کدام نوعند؟
- ۲- زمینه سنگ را کدام کانی‌ها تشکیل داده‌اند؟
- سعی کنید نوع بلورهای درشت تشکیل دهنده سنگ را تشخیص دهید.
- با استفاده از نمودار صفحه ۹۴ بر اساس ترکیب و اندازه دانه‌ها، نامی برای سنگ انتخاب و جدول زیر را کامل کنید.

نمونه سنگ	بافت	رنگ	نوع کانی‌ها	نام احتمالی
۱-				
۲-				
۳-				
۴-				
نتیجه‌گیری :				

- چرا سنگ‌های آذرین دارای یک ترکیب، گاهی دانه‌هایی در اندازه‌های نامساوی دارند؟
- اصولاً تشخیص سنگ آذرین به کدام مبنا صورت می‌گیرد؟
- فرق اسیدین با سنگ‌های آذرین دیگر در چیست؟

موارد استفاده

بعضی از سنگ‌های آذرین به‌ویژه گرانیت‌ها و گابروها را پس از برش و صیقل دادن به علت زیبایی، مقاومت زیاد و دوام طولانی به عنوان سنگ‌های تزئینی استخراج می‌کنند. از رگه‌های سیلیس در صنایع شیشه‌سازی و از رگه‌های فلدسپات در صنعت چینی‌سازی استفاده می‌کنند. از پوکه معدنی که سنگ سبک و متخلخل است و سیمان‌گیری خوبی دارد، به عنوان عایق در ساختمان‌ها استفاده می‌شود. از سنگ‌پا نیز که نوعی سنگ حفره‌دار است، جهت سائیدن و پرداختن چوب استفاده می‌کنند.

بعضی از فلزات اقتصادی و با ارزش نظیر طلا، نقره، مس، جیوه، سرب، پلاتین، اورانیم و کرم توسط فرایندهای آذرین فراهم می‌شود. مثلاً در محل آستانه اراک در قدیم، صنعت طلاشویی جهت استخراج طلا از رسوبات آبرفتی (که خود از فرسایش گرانیت بوجود می‌آید)، رواج داشته است. در معدن مس سرچشمه نیز توسط فرایندهای آذرین و بر اثر جریان محلول‌های داغ، مس در شکستگی‌ها

و حفره‌ها متمرکز شده است. بسیاری از چشمه‌های آبگرم در مجاورت مناطق آتشفشانی جوان قرار دارند از آن جمله در اردبیل (نزدیک آتشفشان سبلان)، بسیاری از چشمه‌های آبگرم اطراف دماوند و یا بستان‌آباد آذربایجان شرقی.

از فرسایش و هوازدگی کانی‌های سنگ‌های آذرین، خاک به‌وجود می‌آید که در واقع تکیه‌گاه و محل زیست و منبع تغذیه موجودات زنده در سطح زمین است و اگر فعالیت‌های آذرین وجود نداشت خاک که غذای انسان از آن تأمین می‌شود، به صورت فعلی به‌وجود نمی‌آمد.

تعمیق کنید

درباره سنگ‌های آذرین اطراف شهر خود (در صورت وجود) اطلاعاتی جمع‌آوری کنید. این سنگ‌ها بر اثر فعالیت‌های بیرونی به‌وجود آمده‌اند یا فعالیت‌های درونی؟ موارد استفاده آنها چیست؟



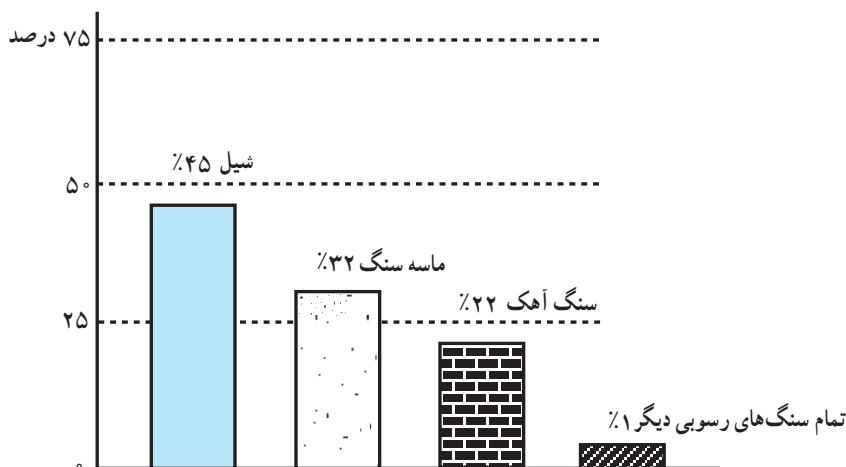
سنگ‌های رسوبی

بیشتر ما در محل‌هایی زندگی می‌کنیم که به آسانی نمی‌توانیم فعالیت یک آتشفشان یا طرز انجماد ماده مذاب را ببینیم. اما مشاهده ساحل ماسه‌ای، یا رودی که مقداری گل به همراه می‌برد، آسان است. می‌دانید که مواد همراه اغلب رودها، سرانجام به دریا می‌رسند و در ته آن رسوب می‌کنند. شما در هر نقطه از کشور که زندگی کنید، فاصله چندانی از رسوباتی که قبلاً تشکیل شده‌اند، یا امروزه در حال تشکیل‌اند، ندارید. این رسوبات به وسیله عواملی مانند آب، یخچال یا باد به وجود آمده و پس از جابه‌جایی، معمولاً به شکل لایه‌لایه روی هم ته‌نشین شده‌اند. (شکل ۱-۷) بیشتر رسوبات، سرانجام به سنگ‌های رسوبی تبدیل می‌شوند. سنگ‌های رسوبی، لایه‌نازکی را در سطح زمین تشکیل می‌دهند (۵ درصد از ۳۵ کیلومتر اولیه پوسته قاره‌ای)، اما همین سنگ‌ها، در سطح زمین فراوان‌تر از سنگ‌های دیگرند.



شکل ۱-۷- یکی از مشخصات ظاهری سنگ‌های رسوبی، لایه‌لایه بودن آنهاست.

سنگ‌های رسوبی، منابعی چون نفت، زغال‌سنگ، گاز طبیعی، معادن آهن، آلومینیم، سنگ‌های ساختمانی و مصالح ساختمانی دیگر را تشکیل می‌دهند، یعنی در زندگی ما اثر زیادی دارند. سنگ‌های رسوبی، شواهد مربوط به تاریخچه گذشته زمین را هم در بر دارند (فسیل‌ها و غیره) و نشان می‌دهند که وضع دریاها و خشکی‌ها، رشته‌کوه‌ها و غیره در گذشته چگونه بوده است.



شکل ۲-۷- نسبت فراوانی سنگ‌های رسوبی در روی زمین

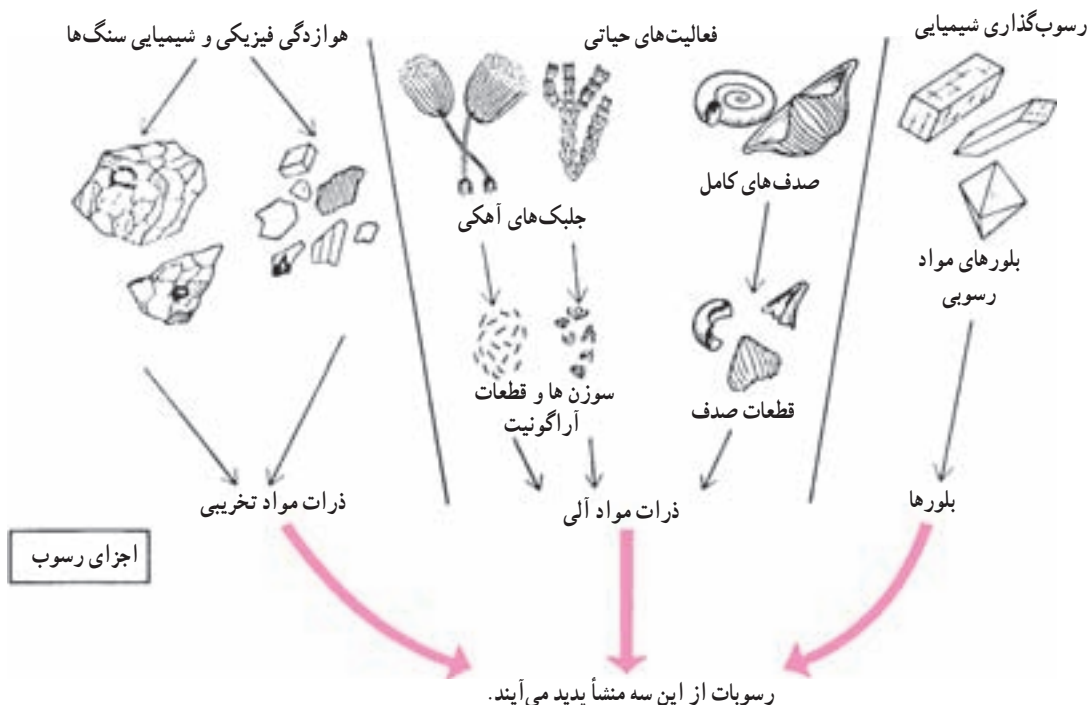
منشأ رسوبات

به‌طور کلی منشأ رسوبات دریایی را به ترتیب زیر می‌توان ذکر کرد. (شکل ۳-۷)

۱- مواد تخریب شده: مقدار زیادی شن، ماسه و رس از خشکی‌ها به درون دریاها برده می‌شوند که حاصل تخریب سنگ‌های قاره‌ها هستند.

۲- بقایای بدن جانداران: جانداران زیادی وجود دارند که برای تشکیل پوشش محافظ بدن (پوسته و صدف) و اسکلت خود به مواد معدنی از قبیل کربنات‌های کلسیم، سیلیس و گاهی فسفات‌ها، سولفیدها و اکسیدهای آهن محتاجند. طبعاً این مواد بعد از مرگ جانداران بر جای می‌مانند و در آب رسوب می‌کنند.

۳- مواد شیمیایی: بعضی از موادی که در روی خشکی‌ها در آب حل می‌شوند، به‌طریقه شیمیایی در دریا رسوب می‌کنند. نمک طعام، کربنات‌های کلسیم و منیزیم، بعضی سولفات‌ها، ترکیبات آهن و غیره را باید از این جمله شمرد.



شکل ۳-۷- رسوبات مخلوطی از مواد تخریبی، شیمیایی یا آلی‌اند.

منشأ و نوع کانی‌های موجود در سنگ‌های رسوبی

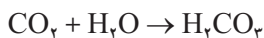
سنگ‌های رسوبی هم مانند سنگ‌های آذرین، یا دگرگون شده، مجموعه‌ای از کانی‌ها هستند. در این سنگ‌ها، سه کانی از همه بیشتر یافت می‌شود که عبارت‌اند از: رس، کوارتز و کلسیت. البته در برخی از سنگ‌های ویژه، کانی‌های دیگری عمومیت دارند. به ندرت ممکن است در یک سنگ رسوبی فقط یک نوع کانی یافت شود. مثلاً در سنگ آهک، کانی کلسیت بسیار فراوان است، اما در خالص‌ترین سنگ‌های آهکی هم مقداری کانی‌های دیگر مانند رس یا کوارتز، علاوه بر کلسیت دیده می‌شود. همچنین، دانه‌های بسیاری از ماسه‌سنگ‌ها از جنس کوارتز است، اما خمیره‌ای که این دانه‌ها را به هم می‌پیوندد ممکن است رس، سیلیس، کلسیت، دولومیت یا اکسید آهن باشد.

کانی‌های رسی از تجزیه سیلیکات‌ها، به‌ویژه فلدسپات‌ها حاصل می‌آیند. همین کانی‌ها بعداً ممکن است اجزای اصلی سنگ‌های رسی یا شیل‌ها را تشکیل دهند.

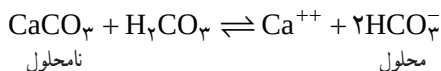
کوارتز هم از تجزیه سنگ‌های آذرین به‌وجود می‌آید، زیرا وقتی بر اثر هوازدگی، یک سنگ گرانیتی تجزیه می‌شود، دانه‌های کوارتز موجود در آن آزاد می‌شوند. بیشتر حجم ماسه‌سنگ‌ها را کوارتز

تشکیل می‌دهد. در عین حال مقداری سیلیس محلول و در اندازه‌های کلوئیدی هم در نتیجه هوازدگی شیمیایی سنگ‌های گرانیتی یا انحلال اسکلت موجوداتی که اسکلت سیلیسی دارند (دیاتوم‌ها) حاصل می‌آید، که این سیلیس بعداً ممکن است سیمان سنگ‌های رسوبی دانه درشت را پدید آورد، یا آنکه به شکل کانی جدیدی به نام اوپال ($\text{SiO}_2 \cdot n\text{H}_2\text{O}$) درآید. اوپال متبلور نیست و سختی آن از کوارتز کمتر است. البته گاهی نیز سیلیس در بعضی از سنگ‌های رسوبی به صورت بلورهای بسیار دانه‌ریزی دیده می‌شود. از سنگ‌هایی که بدین صورت حاصل می‌شوند، می‌توان نوعی سنگ آتشفشانی «فلینت» و کلسدونی (Calcedony) را نام برد (سنگ آتشفشانی را آدیان نخستین برای تهیه ابزارهای خود به کار می‌برده‌اند).

کلسیت، کانی اصلی تشکیل‌دهنده سنگ‌های آهکی است. کربنات کلسیم نیز یکی دیگر از مواد شیمیایی است که می‌تواند در بین ذرات و قطعات سنگ‌ها نفوذ کند و آنها را به هم بچسباند. بیشتر آب‌های زیرزمینی مقداری CO_2 در خود محلول دارند. با این ترتیب این آب‌ها تا حدی خاصیت اسیدی می‌یابند.



این اسید هم به نوبه خود با کلسیت ترکیب می‌شود و آن را به بیکربنات محلول تبدیل می‌کند.



و البته صورت نامحلول این ماده، در بین ذرات رسوبی تشکیل سیمان آهکی را می‌دهد. به جز سه کانی رس، کوارتز و کلسیت، کانی‌های دیگری که در میان سنگ‌های رسوبی یافت می‌شوند عبارت‌اند از: (۱) دولومیت، $\text{CaMg}(\text{CO}_3)_2$ یا کربنات مضاعف کلسیم و منیزیم. (۲) مقداری فلدسپات‌های مختلف و میکا. (۳) اکسیدهای آهن، که طبعاً منشأ آن کانی‌های آهن و منیزیم‌دار بوده است و به صورت هماتیت و لیمونیت درآمده‌اند. (۴) هالیت (NaCl) و ژیس H_2O ، CaSO_4 که از تبخیر آب‌های محتوی این مواد بر جای مانده‌اند. به عنوان مثال اگر این شوری به 10° برابر حد طبیعی برسد، ته‌نشین شدن هالیت آغاز می‌شود. ضمناً قطعات ریز و درشت مواد آتشفشانی و همچنین مواد آلی هم ممکن است در میان سنگ‌های رسوبی یافت شوند.

حمل رسوبات

مواد سازنده رسوبات شیمیایی، به صورت محلول در آب حمل می‌شوند. این مواد، تا زمانی که

دما، فشار یا ترکیب شیمیایی آب عوض نشود، یعنی شرایط برای رسوب گذاری فراهم نباشد، همچنان به صورت محلول می مانند.

❓ بعضی از جانداران، در کم و زیاد کردن املاح محلول در آب دخالت دارند. به نظر شما نوع این دخالت چگونه است؟

بیشتر رسوبات از نوع تخریبی اند و به طریقه مکانیکی از خرد شدن سنگ ها در روی خشکی یا سواحل حاصل آمده اند. در حمل این مواد، آب جاری، باد یا یخچال دخالت دارند. مقدار رسوباتی که در طول یک سال به دریا برده می شوند، حدود 10^6 میلیارد تن تخمین زده می شود، که بیشتر این مواد را رودها به دریا می برند.



شکل ۴-۷- موادی که رودها با خود حمل می کنند معمولاً متناسب با وزن ته نشین می شوند. در این صورت، چرا مواد ریز و درشت را در کنار هم می یابیم؟

اندازه دانه هایی که به محیط رسوبی برده می شوند، به نوع سنگ اولیه و میزان مقاومت آن در برابر عوامل تخریب کننده و همچنین نوع عامل حمل کننده، مسافت طی شده و وضعیت مسیر بستگی دارد. سنگ های مختلف، دانه هایی در اندازه ها و شکل های مختلفی ایجاد می کنند. مثلاً، از گرانیت های دانه درشت، در مقایسه با خاکسترهای آتشفشانی، ذرات درشت تری حاصل می آید.

❓ موادی که توسط عوامل مختلف فرسایشی حمل می شوند، گاهی «جورشدگی» (یعنی از نظر قطر هم اندازه بودن) خوبی را از خود نشان می دهند. به نظر شما، این جورشدگی ها در کدام نوع رسوبات زیاد و در کدام ها کم است؟

شکل دانه‌هایی که از خرد شدن سنگ‌ها در مراحل نخست حاصل می‌آیند، زاویه‌دار و نامنظم است. اما همان دانه‌ها ممکن است در ضمن حمل، با ایجاد ساییدگی، گرد و بدون زاویه شوند. روده‌ها یکی از عوامل مهم تغییردهنده شکل دانه‌های رسوب‌اند.

دانه‌های مربوط به کانی‌های نرم از قبیل ژیس و کلسیت، زودتر گرد می‌شوند تا دانه‌های سیلیسی و سخت. در مطالعه‌ای معلوم شد که دانه‌های نرم بعد از طی ۱۱ کیلومتر به همراه آب، صاف شدند، در صورتی که دانه‌های کوارتز، پس از طی ۸۵ تا ۳۳۵ کیلومتر لبه‌های تیز خود را از دست دادند.

دیائزئز: عبارت از مجموع تغییرات فیزیکی و شیمیایی است که سبب تبدیل رسوبات به سنگ می‌شود. این پدیده شامل صورت‌های زیر است:

سیمان شدن: در این مورد، فواصل موجود در بین قطعات و ذرات سنگ را نوعی ماده شیمیایی پر می‌کند و آنها را به هم می‌چسباند. از میان مواد مختلفی که می‌توانند سیمان سنگ‌های رسوبی شوند، کلسیت، دولومیت و کوارتز فراوان‌تر از بقیه‌اند، اما اکسیدهای آهن، اوپال و انیدریت هم می‌توانند سیمان پاره‌ای از سنگ‌های تخریبی رسوبی را تشکیل دهند. مواد سیمانی اصولاً توسط آب‌های نافذ در فضای میان ذرات نفوذ می‌کنند و پس از سخت شدن باعث اتصال ذرات جدا از هم می‌شوند.

متراکم شدن: در فرآیند متراکم شدن، به علت فشاری که از لایه‌های فوقانی وارد می‌آید، فضاهای میان ذرات به تدریج تقلیل حاصل می‌کند. بدین ترتیب، از قطر لایه رسوبی کاسته و بر تراکم و چسبندگی آنها افزوده می‌شود. در طی این فرآیند، آبی که در اصل فواصل میان ذرات را پر کرده، بیرون رانده می‌شود.

در رسوبات دانه‌ریزی که اندازه آنها سیلت (دانه‌هایی کمی درشت‌تر از رس) یا رس باشند، فضای میان ذرات چنان کوچک است که آب به آزادی نمی‌تواند از آنها بگذرد. بدین ترتیب، ماده سیمانی هم نمی‌تواند خود را به آن فضاها برساند. در این حال، چسبیدن ذرات به همدیگر، تحت اثر فرآیندهای متراکم شدن خواهد بود.

فرآیندهای سیمانی شدن و متراکم شدن را سنگی شدن می‌نامند.

تبلور دوباره: متبلور شدن بعضی از مواد رسوبی خود یک نوع تشکیل سنگ محسوب می‌شود. در این میان ممکن است کانی‌های تازه‌ای متبلور شوند، یا بلورهای موجود درشت شوند. این فرآیند در بسیاری از سنگ‌های آهکی و دولومیتی و ماسه سنگ‌ها دیده می‌شود.

دیائزئز ارزش‌های عملی نیز دارد، زیرا ذخیره نفت، گاز و منابع آب‌های زیرزمینی به فضا‌های موجود در میان سنگ‌ها بستگی دارد که تحت تأثیر این فرآیند بوده‌اند. تشکیل نفت خود نتیجه نوعی

دیاژتر است که طی آن بازمانده‌های آلی جانداران تدریجاً مبدل به نفت مایع یا گاز طبیعی می‌شود. تبدیل تورب (که نوعی زغال سنگ نارس و بسیار ناخالص است) به زغال سنگ و آنتراسیت هم نتیجه دیاژتر است. درک این پدیده‌ها سبب می‌شود که با آگاهی بیشتری به دنبال چنین منابعی بگردیم.

بافت

بافت در سنگ‌های رسوبی اهمیت ویژه‌ای دارد، چون شاهد خوبی در تعیین مسافت حمل شده و نوع محیط رسوب گذاری است. دو نوع بافت اصلی در سنگ‌های رسوبی تشخیص داده شده است: بافت آواری (تخریبی) و بافت غیر آواری (بلورین).

بافت آواری: اندازه ذرات در سنگ‌های رسوبی متفاوت است و ممکن است دانه درشت (بزرگ‌تر از ۲ میلیمتر)، متوسط (۲ تا $\frac{1}{6}$ میلیمتر)، و ریز (کمتر از $\frac{1}{6}$ میلیمتر) باشند. خرده سنگ‌ها و ذرات کانی‌ها براساس میزان ساییدگی، ممکن است صاف یا زاویه دار باشند.

جوړشدگی از ویژگی‌های بافتی مهم در سنگ‌های رسوبی است، که نشان دهنده نوع عامل حمل و نوع محیط رسوب گذاری است. میزان سیمان شدگی نیز از ویژگی‌های بافتی مهم در سنگ‌های تخریبی است. سیمان اصلی این گونه سنگ‌ها از آهک، سیلیس و اکسیدهای آهن و رس است.

بافت غیر آواری (بلورین): بافت بلورین به صورت شبکه بلورهای به هم پیوسته است. کانی‌های حاصل از ته‌نشست شیمیایی در آب‌ها، بافت بلورین را تشکیل می‌دهند. مواد تقریباً نامحلول، زودتر جدا شده و ته‌نشین می‌شوند. این بافت را از نظر اندازه بلورها به اقسام درشت بلور (بزرگ‌تر از ۲ میلیمتر)، متوسط بلور (۲ تا $\frac{1}{6}$) و ریز بلور (کمتر از $\frac{1}{6}$) تقسیم می‌کنند.

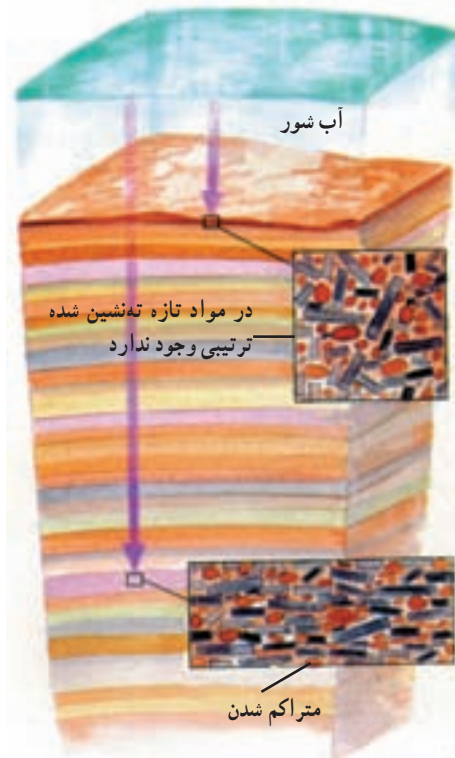
طبقه‌بندی

سنگ‌های رسوبی را معمولاً به دو گروه آواری و شیمیایی طبقه‌بندی می‌کنند، اما هر کدام از این گروه‌ها، شامل اقسام مختلفی از سنگ‌ها می‌شوند که از لحاظ طرز انتقال، اندازه ذرات، جنس، رسوب گذاری و سنگ شدن با هم تفاوت دارند.

سنگ‌های رسوبی آواری: این گروه از سنگ‌ها، براساس اندازه قطعات یا ذرات طبقه‌بندی می‌شوند (جدول ۷-۱) شیل‌ها دانه ریزترین سنگ‌های آواری، ماسه سنگ‌ها دانه متوسط و کنگلومراها دانه درشت‌ترین این گروه از سنگ‌ها هستند. توجه داشته باشید که همه سنگ‌های آواری، اجتماعی از دانه‌های منفصل‌اند که معمولاً توسط سیمانی به هم چسبیده شده‌اند.

جدول ۱-۷- طبقه‌بندی ذرات رسوبی برای سنگ‌های رسوبی آواری

سنگ‌های رسوبی آواری	رسوبات (ناپیوسته)	ذرات	اندازه ذرات (میلیمتر)
کنگلومرا (ذرات گرد) یا برش (ذرات زاویه‌دار)	دانه درشت	درشت‌سنگ قلوه‌سنگ ریگ شن	> 256 $64-256$ $4-64$ $2-4$
ماسه‌سنگ	دانه متوسط	ماسه	$\frac{1}{16}-2$
سیلت سنگ گل‌سنگ شیل	دانه ریز	سیلت سیلت + رس رس	$\frac{1}{256}-\frac{1}{16}$ $< \frac{1}{256}$



شکل ۵-۷- کانی‌های ورقه‌ای در ابتدای ته‌نشین شدن، نظم معینی ندارند، اما پس از مدتی این نظم حاصل می‌آید.

شیل‌ها، فراوان‌ترین سنگ‌های رسوبی‌اند و دانه‌های تشکیل‌دهنده آنها فقط در آب‌های بسیار ساکن و بدون تلاطم رسوب می‌کنند. کانی‌های تشکیل‌دهنده شیل‌ها از نوع رسی و میکا هستند که حالتی ورقه‌ای دارند و در اعماق زیاد، تحت تأثیر فشارهای فوقانی، به‌صورت موازی درمی‌آیند (شکل ۵-۷). از مشخصات سنگ‌های رسی آن است که وقتی به زبان زده شوند، خاصیت چسبندگی از خود نشان می‌دهند.

رنگ شیل‌ها کاملاً متفاوت است و به نوع کانی‌های موجود در سنگ بستگی دارد. شیل‌های قرمز، اکسید آهن دارند. شیل‌های سبز محتوی اکسیدهای آهنی هستند که در محیط دارای اکسیژن اندک رسوب کرده‌اند. شیل‌های سیاه نیز در آب‌های دارای اکسیژن اندک رسوب کرده‌اند. در این گونه محیط‌ها، ترکیبات کربن‌دار به‌خوبی

تجزیه نشده‌اند. رنگ سیاه به علت وجود کربن است.

رس‌ها موارد مصرف گوناگون دارند. رس لازم برای کارهای سفالگری و سرامیک را از همین سنگ‌ها می‌گیرند. از اختلاط رس با کربنات کلسیم، سیمان پرتلند حاصل می‌آید. در شیل‌های نفتی هم مقداری نفت ذخیره است که شاید انسان ناچار شود روزی برای تأمین انرژی به آنها روی بیاورد. از انواع دیگر سنگ‌های رسوبی تخریبی دانه‌ریز، سیلت سنگ و گِل‌سنگ را می‌توان نام برد که اولی از ذرات سیلت که درشت‌تر از ذرات رس است، تشکیل شده است و دومی از ذرات تقریباً مساوی سیلت و رسی تشکیل شده، مثل شیل لمس صاف دارد، تورق‌پذیر نیست و به‌صورت توده‌ای یافت می‌شود. ماسه‌سنگ‌ها، که در حدود ۳۲ درصد از سنگ‌های رسوبی را تشکیل می‌دهند، دانه‌هایی دارند که توسط سیمانی از جنس سیلیس یا کربنات به هم متصل شده‌اند.

دو نوع ماسه سنگ هم وجود دارد که از لحاظ ترکیب و ظاهر، با هم متفاوتند. ماسه سنگی که بیشتر از ۹۰ درصد آن کوارتز باشد، سیمان‌اندکی دارد و کوارتز آرنیت نامیده می‌شود. این ماسه‌سنگ‌ها رنگی روشن دارند. دانه‌های آنها گرد شده و جور شده است، یعنی معلوم است که مسافت زیادی را طی کرده‌اند. آركوزها، بیشتر از ۲۵ درصد فلدسپات دارند. این سنگ‌ها، از تخریب گرانیت‌های محتوی فلدسپات زیاد حاصل می‌آیند. جورشدگی دانه‌ها خوب نیست و در ضمن، دانه‌ها زاویه دارند (یعنی، جابه‌جایی زیادی نداشته‌اند).

❓ آركوزها مخصوص مناطق خشک‌اند. آیا علت آن‌را می‌توانید حدس بزنید؟

ماسه سنگ‌ها، در کارهای ساختمانی، جاده‌سازی و پل‌سازی کاربرد زیادی دارند. بیشتر نفت خام جهان، گاز طبیعی و منابع آب زیرزمینی در میان ماسه سنگ‌ها ذخیره است، زیرا این سنگ‌ها، پرحفره‌اند. کنگلومرا، از سیمان‌شدگی ذرات درشت رسوبی (بزرگ‌تر از ۲ میلیمتر) با گردشدگی خوب و ماده زمینه‌ای از سیلیس و رس تشکیل شده است (شکل ۶-۷-الف). قلوه‌سنگ‌ها و ریگ‌های موجود در کنگلومرا ممکن است از جنس هر کانی یا سنگی باشند، ولی اغلب، از مواد مقاوم مثل کوارتز هستند. از آنجا که قطعات کنگلومرا گردشدگی دارند، زمین‌شناسان معتقدند که عواملی مثل جریان‌های سریع آب‌های جاری و امواج، آنها را تا مسافتی که برای گرد شدن کافی بوده، حمل کرده‌اند.

برش، از سیمان‌شدگی ذرات درشت و زاویه‌دار، با زمینه‌ای از ذرات ریزتر تشکیل شده است (شکل ۶-۷-ب). ذرات برش جورشدگی ضعیف دارند. و از آنجا که ذرات درشت و زاویه‌دارند، فاصله حمل آنها کم بوده است. برش‌ها اغلب از تجمع رسوبات در اثر زمین لغزه، یا خردشدن سنگ‌ها در امتداد سطح گسل‌ها و سیمان‌شدگی بعدی آنها ایجاد شده‌اند.



ج - کوکینا



الف - کنگلومرا

ج : بعضی از بی مهره‌های دریازی، کربنات کلسیم یا سیلیس را از آب دریا جذب می‌کنند. صدف‌ها و قسمت‌های سخت این جانداران، بعد از مرگ در بستر دریا ته‌نشین می‌شوند و یا ممکن است به صورت قطعاتی تجمع یابند. بافت سنگ‌های حاصل از این رسوبات، شبیه بافت آواری است، با این تفاوت که این سنگ‌ها از تجمع قطعات سخت موجودات زنده حاصل آمده‌اند.



ب - پرش

شکل ۶-۷ - نمونه‌هایی از سنگ‌های رسوبی آواری

سنگ‌های رسوبی شیمیایی : این سنگ‌ها، بر خلاف سنگ‌های رسوبی آواری که از تجمع قطعات و ذرات سنگ‌های قدیمی‌تر حاصل آمده‌اند، مجموعه‌ای از بلورهای متصل به هم هستند که قبلاً به صورت محلول در آب بوده‌اند. این سنگ‌ها، دو دسته‌اند : بعضی، مستقیماً از محلول‌ها جدا شده و رسوب کرده‌اند (غیرآلی) و بعضی دیگر حاصل فعالیت‌های زیستی گیاهان و جانوران هستند (آلی).

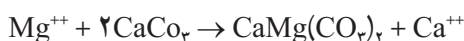
سنگ‌های رسوبی شیمیایی غیر آلی : این گونه سنگ‌ها زمانی تشکیل می‌شوند که مواد حل شده در آب، به علت تبخیر یا انجام واکنش‌های شیمیایی رسوب کنند.

سنگ آهک، که ترکیب اصلی آن کربنات کلسیم است، حدود ۲۲ درصد سنگ‌های رسوبی را شامل می‌شود. بعضی سنگ‌های آهکی در شرایط خاص بر اثر واکنش‌های شیمیایی حاصل می‌شوند. مواد حل شدنی معمولاً با بالا رفتن دما زودتر حل می‌شوند، اما قابلیت انحلال کربنات کلسیم، به مقدار دی‌اکسید کربن موجود در آب بستگی دارد. از آنجا که دی‌اکسید کربن موجود در آب گرم کمتر از مقدار این گاز در آب سرد است، آهک در آب گرم زودتر به حد اشباع می‌رسد و زودتر هم رسوب می‌کند.

البته به‌جز دما، عوامل دیگری هم در مقدار رسوب کربنات کلسیم در آب دخالت دارند. از آن جمله می‌توان به آشفته‌گی آب، وجود گیاهان فتوسنتزکننده، عمق و فشار آب اشاره کرد؛ مثلاً آبی که آرام نباشد، CO_2 بیشتری از دست می‌دهد و کربنات کلسیم موجود در آن رسوب می‌کند. کاهش فشار آب هم، CO_2 بیشتر را به هوا می‌فرستد. پس، رسوب کربنات کلسیم در آب‌های کم‌عمق بیشتر از آب‌های عمیق است.

سنگ آهک شیمیایی، در شرایط ویژه‌ای، در خشکی هم تشکیل می‌شود؛ مثلاً در دهانه چشمه‌های آهکی، وقتی آب زیرزمینی به سطح زمین می‌رسد، با محیط کم‌فشار و گرم‌تری روبه‌رو می‌شود و به علت جاری شدن، آشفته‌گی آن افزایش می‌یابد. همه این عوامل، در متصاعد شدن CO_2 و رسوب کربنات کلسیم مؤثرند. سنگ آهک پر حفره و شیرین‌رنگ تراورتن و ستون‌های آهکی درون غارها به همین شکل به‌وجود می‌آیند. تراورتن به‌عنوان سنگ‌نما، کف‌پوش و پله کاربرد زیادی دارد.

دولومیت، در اثر عبور محلول‌های غنی از منیزیم از سنگ‌های آهکی، منیزیم جانشین قسمتی از کلسیم شده و دولومیت تشکیل می‌شود. این فرایند جانشینی، باعث تبلور دوباره سنگ‌های آهکی می‌شود:



کلسیم محلول + دولومیت → کلسیت + منیزیم محلول

چرت (Chert)، به سنگ‌هایی گفته می‌شود که در آنها سیلیس (SiO_2) زیاد به‌صورت بلورهای میکروسکوپی وجود دارد. چرت با منشأ شیمیایی آن محصول رسوب کردن سیلیس در آب‌هایی است که از این ماده اشباع‌اند. چرت سنگی بسیار سخت است و هنگام شکسته شدن لبه‌های تیزی پیدا می‌کند. به همین دلیل، آدیان نخستین از آن ابزارهای گوناگونی می‌ساخته‌اند.

سنگ‌های تبخیری، آب می‌تواند مقدار زیادی نمک را در خود حل کند. هر جا که آب کم‌عمق

و گرم باشد، یا در محیط‌هایی مانند بعضی کولاب‌ها و دریاچه‌ها که مقدار تبخیر بیشتر از مقدار آب‌های ورودی است، وقتی نمک طعام یا گچ به حد اشباع می‌رسد، ته‌نشین می‌شود و سنگ‌های تبخیری را به وجود می‌آورد. سنگ‌های تبخیری نشانه وجود آب و هوای گرم و خشک هستند. در بیشتر نقاط کشور ما منابع عظیم گچ و نمک در بین سنگ‌های رسوبی قدیمی یافت می‌شود. این سنگ‌ها امروزه نیز در نقاط مختلف کویر مرکزی و کولاب‌ها و دریاچه‌های داخلی تشکیل می‌شوند.

سنگ نمک، اغلب بی‌رنگ است، اما به علت وجود اکسید آهن گاهی به رنگ قرمز روشن نیز دیده می‌شود. مزه شور این سنگ بهترین وسیله تشخیص آن است.

سنگ گچ آبدار (ژیپس)، اغلب سفیدرنگ است و گاهی به علت وجود مقدار کمی اکسید آهن به رنگ قرمز روشن دیده می‌شود. سختی آن کم و با ناخن خط برمی‌دارد. سنگ گچ بی‌آب را «انیدریت» می‌گویند که سنگی متراکم و به رنگ سفید مایل به خاکستری است.

سنگ‌های رسوبی شیمیایی آلی: چنین سنگ‌هایی، قاعداً محصول فعالیت جاندارانند. مهم‌ترین سنگ‌های این گروه عبارت‌اند از: سنگ‌آهک آلی و چرت که از بقایای اسکلت جانوران و گیاهان دریازی حاصل می‌آیند و زغال‌سنگ، که محصول گیاهان خشکی‌زی است.

بیشتر سنگ‌آهک‌های آلی در آب‌های کم‌عمق و گرم استوایی تشکیل می‌شوند؛ زیرا به دلیل وجود شرایط مساعد و غذای کافی، جانداران زیادی در این آب‌ها زندگی می‌کنند که از تجمع اسکلت و پوسته‌های آهکی آنها (بیشتر از همه جلبک‌های آهکی) پس از مرگ، سنگ‌آهک حاصل می‌آید. البته، در آب‌های سرد و عمیق هم از تجمع پوسته‌های آهکی روزن‌داران که زندگی پلانکتونی دارند، **گل‌سفید** که نوعی سنگ‌آهک است، تشکیل می‌شود.

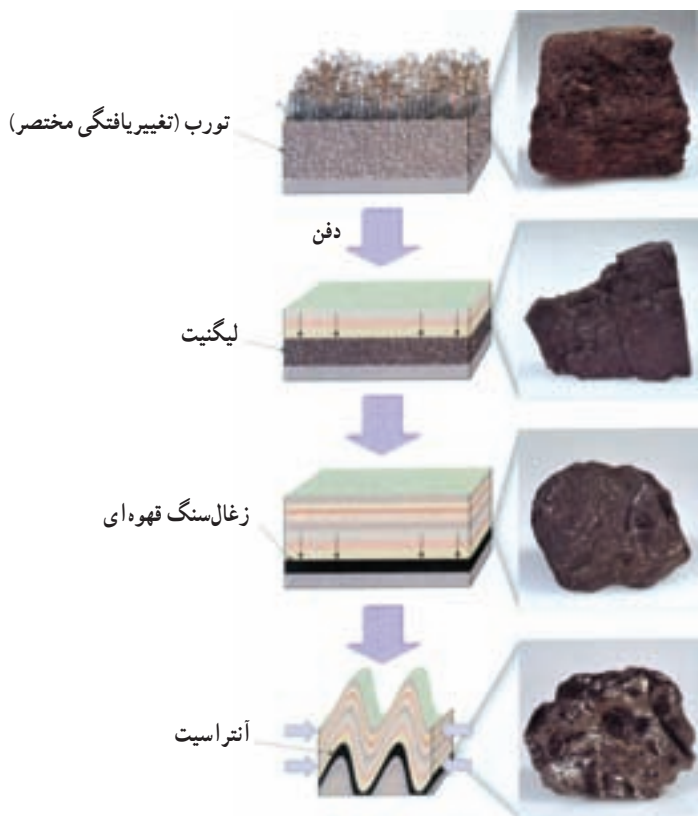
چرت آلی، که بیشتر آن را سیلیس بازمانده از جانداران دریازی چون شعاعیان و دیاتوم‌ها و رادیولرها تشکیل می‌دهد.

چرا بیشتر نرم‌تنانی که پوسته آهکی دارند در آب‌های گرم و بیشتر موجوداتی که پوسته سیلیسی دارند در آب‌های سرد زندگی می‌کنند؟

زغال‌سنگ، نوعی سنگ‌رسوبی است که بقایای گیاهی فراوان دارد. مواد گیاهی معمولاً در روی زمین به سرعت تجزیه می‌شوند، اما در محیطی که اکسیژن اندک باشد، ممکن است آن مواد تا زمان مدفون شدن و تبدیل به زغال‌سنگ باقی بمانند. آب ساکن و گرم مناطق مردابی، برای ایجاد زغال‌سنگ بسیار مناسب است، زیرا به دلیل جریان نداشتن هوا، اکسیژن چندانی وارد آب نمی‌شود تا به مواد آلی تجمع یافته در بستر برسد. به این ترتیب، این مواد به صورت تجزیه نشده باقی می‌ماند.

در طول میلیون‌ها سال، با افزایش فشار و وزن رسوبات فوقانی، آب، CO_2 و گازهای دیگر از بازمانده‌های گیاهی خارج می‌شوند و در نتیجه، به نسبت درصد کربن آنها افزوده می‌شود. در مراحل اولیه این فرایند، ساختار گیاه حفظ می‌شود و ماده‌ای قهوه‌ای رنگ و نرم به نام تورب ایجاد می‌شود. با افزایش تدریجی فشار و گرما، موادی فشرده‌تر و سخت‌تر حاصل می‌آیند. این مواد به ترتیب درجه خلوص لیگنیت، زغال‌سنگ قهوه‌ای و آنتراسیت هستند (شکل ۷-۷).

رگه‌های زغالی را معمولاً در میان لایه‌های رسوبی دیگر می‌توان یافت؛ زیرا مناطق مردابی و مناسب برای تشکیل زغال‌سنگ که عموماً در کنار دریاها یا قدیمی قرار داشته‌اند، گاهگاه، با بالا آمدن سطح آب دریا، به زیر آب می‌رفته‌اند و رسوبات دریا روی آنها را می‌پوشانده است.



شکل ۷-۷ - تشکیل زغال‌سنگ از رسوبات مردابی. مراحل تشکیل این لایه‌ها را شرح دهید.

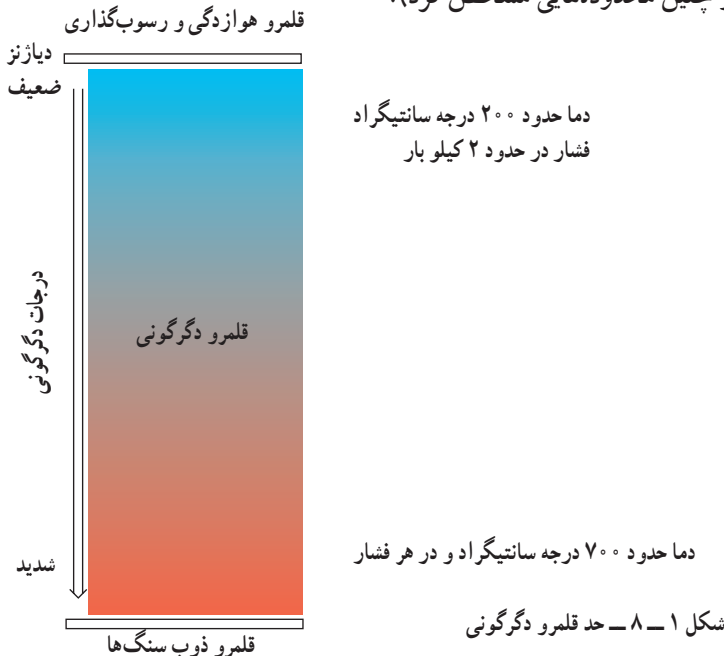


فرایند دگرگونی و سنگ‌های دگرگون شده

دگرگونی عبارت است از مجموعه فرایندهایی که تحت شرایط خاص باعث تغییر ساختمان و ترکیب کانی‌شناسی سنگ‌ها شده و یک سنگ را در حالت جامد به سنگ دیگر تبدیل می‌نمایند. این سنگ‌ها ممکن است از نوع آذرین، رسوبی و حتی دگرگونی باشند. اصولاً سنگ‌های دگرگون شده، در درون زمین و دور از چشم ما و در مدت زمان بسیار طولانی به وجود می‌آیند. طی این فرایند، کانی‌های سنگ ذوب نمی‌شوند بلکه با حفظ حالت جامد سنگ بر اثر دخالت عوامل دگرگون‌ساز تغییر می‌کنند.

حد دگرگونی

محدوده‌ای که سنگ‌ها دگرگون می‌شوند، از پایان دیاژنز شروع می‌شود و در ابتدای ذوب سنگ خاتمه می‌یابد (البته این مرز کاملاً نسبی است)، (شکل ۱-۸) زیرا نمی‌توان درجات گرما و فشار وارد بر یک سنگ را در چنین محدوده‌هایی مشخص کرد).



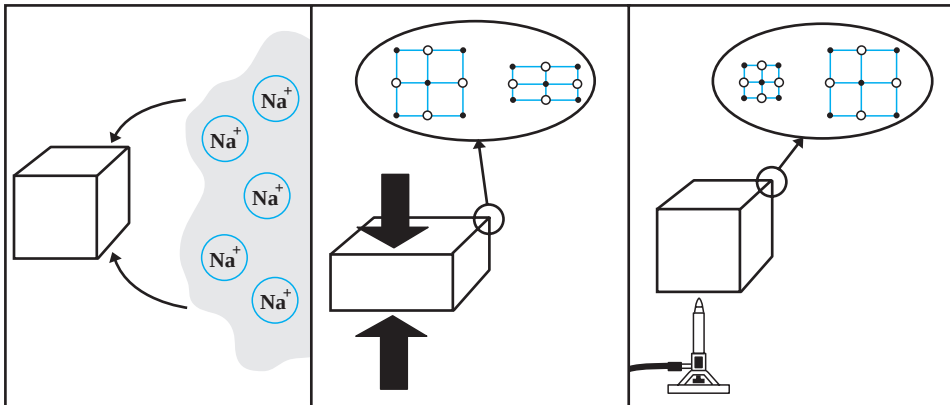


شکل ۲-۸- تأثیر فشارهای جهت‌دار بر سنگ‌های دگرگون شده چنین مناظری را پدید می‌آورد.

گاهی، تغییرات سنگ اندک است و دگرگون شدگی ضعیفی اتفاق می‌افتد. ولی گاهی تغییرات چنان شدید است که تشخیص سنگ اولیه غیرممکن خواهد بود. در دگرگونی درجات شدید، سطح لایه‌بندی رسوبات، آثار موجود زنده (فسیل‌ها) و حفره‌های موجود در سنگ مادر به کلی از بین می‌رود و گاهی هم کانی‌های جدیدی در آن به وجود می‌آید که با شرایط جدید سازگارترند (شکل ۲-۸).

عوامل دگرگون‌ساز

عوامل دگرگون‌ساز شامل گرما، فشار و سیالاتی مانند آب است که از لحاظ شیمیایی فعالند (شکل ۳-۸).



ج) با ورود محلول‌ها (در اینجا سدیم‌دار) به محیطی که کانی در آن وجود دارد، یون سدیم وارد ساختمان کانی می‌شود و در عوض بعضی از یون‌های کانی از محیط تبلور خارج می‌شود.

ب) ازدیاد فشار در یک جهت (در اینجا به آن فشار جهت‌دار می‌گوییم)، موجب تغییر شکل شبکه تبلور و در نتیجه ظهور کانی مقاوم‌تر می‌شود. در اینجا فاصله اتم‌ها کمتر شده است.

الف) ازدیاد گرما، موجب انبساط جسم و افزایش فاصله اتم‌های سازنده می‌شود و ممکن است نوع کانی تغییر کند.

شکل ۳-۸- چگونگی تأثیر عوامل دگرگون‌ساز بر ساختمان تبلور کانی‌ها

طی دگرگونی، سنگ‌ها ممکن است تحت تأثیر هر یک از سه عامل و یا مجموعه‌ای از آنها قرار گیرند. در بعضی از دگرگونی‌ها، تأثیرات گرما زیادتر و فشار ناچیز و یا بالعکس است. گاهی نیز فقط سیالات داغ وارد عمل می‌شوند.

نقش گرما: برای ساختن آجر و ظرف‌های سفالی گل رس را (که خود از کانی‌های رسی تشکیل می‌شود) با آب خمیر می‌کنند در این صورت می‌توان خمیر را به هر شکل درآورد. سپس خمیر را در کوره می‌گذارند تا گل رس پخته شود و جسم سختی مانند آجر حاصل آید. در این فرایند، کانی‌های رسی قسمتی از آب ساختمانی خود را از دست می‌دهند و به کانی‌های بی‌آب مبدل می‌شوند.

وقتی سنگ‌ها در معرض گرمای زیاد قرار گیرند تغییراتی در آنها بروز می‌کند و به سنگ‌های دگرگون شده مبدل می‌شوند. اصولاً افزایش دما موجب:

(الف) تحرک مواد سیال سنگ می‌شود.

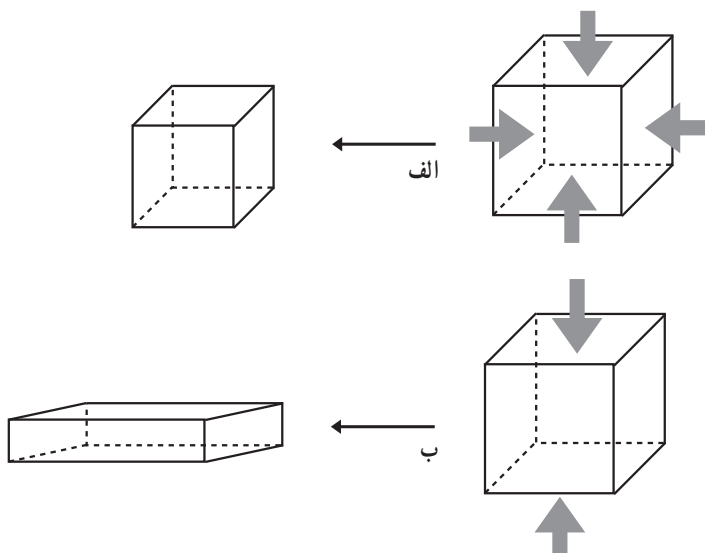
(ب) بروز واکنش‌های دگرگونی (همانند واکنش‌های شیمیایی) می‌شود که بسیاری از آنها در دمای بالا اتفاق می‌افتند.

سنگ‌ها در درون زمین به علت گرمایی که دریافت می‌کنند انبساط حاصل کرده، انعطاف‌پذیر می‌شوند و حالتی شبیه خمیر به خود می‌گیرند و حتی ممکن است به آرامی جریان پیدا کنند. اصولاً دگرگونی در درجات شدید بیشتر نتیجه افزایش دما است تا فشار.

نقش فشار: فشار نیز مانند گرما با افزایش عمق زمین زیاد می‌شود. سنگ‌های درون زمین، تحت فشار وزن طبقات رویی خود قرار دارند. در این حالت سنگ تحت تأثیر فشار همه جانبه یا محصورکننده (مانند فشار هوا) قرار دارد و مطابق (شکل ۴-۸) نیروهای وارد بر آن، از تمام جهات یکسان است. نتیجه این عمل، متراکم شدن جسم و تبلور کانی‌هایی با وزن حجمی زیادتر است. گاهی فشارهای وارد بر سنگ، در بعضی جهات بیشتر از جهات دیگر است. این قبیل فشار را فشار جهت‌دار می‌گویند. در این حالت، برحسب مقدار فشار و دمای سنگ و مسلماً زمان، تغییراتی در سنگ بروز می‌کند که پیدایش چین‌خوردگی و شکستگی از مهم‌ترین آنها است، اما بروز این تغییرات، به میلیون‌ها سال زمان نیاز دارد. اصولاً چین‌خوردگی در اعماق زیادتر و شکستگی در اعماق کمتر و نزدیک به سطح زمین اتفاق می‌افتد (شکل ۲-۸).

در سنگ‌های دگرگون شده، تأثیر فشار جهت‌دار، با جهت‌یافتگی در کانی‌های سنگ مشخص می‌شود. چنان‌که کانی‌های ورقه‌ای (میکاه)، موازی هم و عمود بر جهت فشار قرار می‌گیرند، سنگ منظره لایه‌لایه ظریفی پیدا می‌کند.

نقش سیالات : سیالات فعال و به‌ویژه آب که دارای یون‌های محلول باشند، در فرایندهای دگرگونی تأثیر مهمی دارند. آب، در منافذ و شکاف‌های ریز سنگ وجود دارد. ضمناً با افزایش دما، آب از کانی‌های آبدار خارج شده و می‌تواند به انجام واکنش‌های شیمیایی کمک کند. یکی از مهم‌ترین نقش‌های آب (یا سیالات)، جدا کردن بعضی از یون‌های فلزی از ساختمان کانی و برجا گذاشتن یون‌هایی است که به حالت محلول در ترکیب سیال وجود دارند (شکل ۳-۸ حالت ج). به این ترتیب سیالات با نقش کاتالیزوری خود بدون آنکه حالت جامد سنگ دستخوش تغییر شود، ترکیب کانی‌ها را عوض می‌کنند. به جز آب، دی‌اکسید کربن، اکسیژن، گوگرد و اسیدها هم در دگرگون کردن سنگ‌ها نقش دارند.



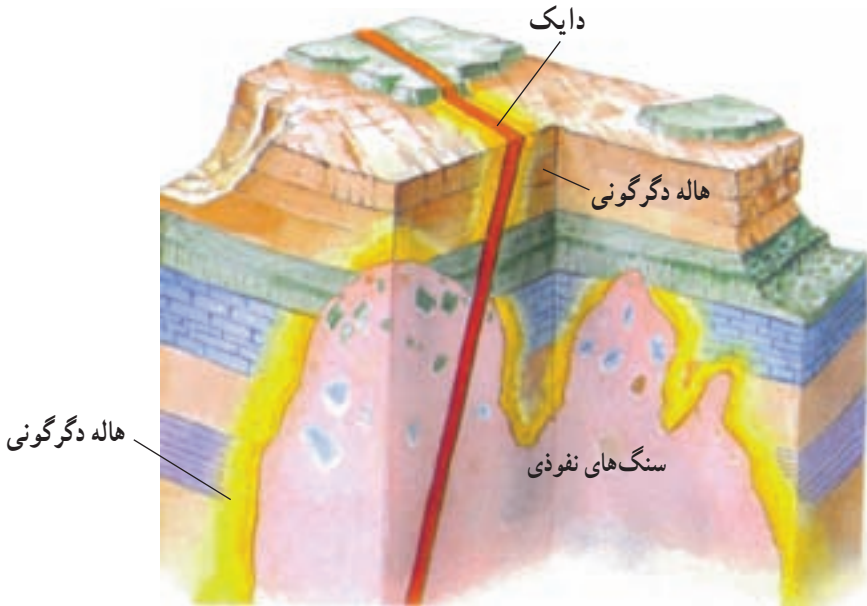
شکل ۴-۸ — تغییر شکل جسم که تحت فشار همه جانبه (الف) و جهت‌دار (ب) قرار داشته باشد.
 (الف) فشار مساوی یا فشار همه جانبه موجب تغییر حجم جسم شده است.
 (ب) فشار نامساوی یا جهت‌دار موجب تغییر شکل و حجم شده است.

اقسام دگرگونی

دگرگونی را می‌توان بر حسب اهمیت هر یک از عوامل دگرگون‌ساز، شکل و پراکندگی آنها طبقه‌بندی کرد.

۱- **دگرگونی مجاورتی :** هر سنگی که در تماس با گرمای زیاد حاصل از توقف ماگما در زیر زمین قرار داشته باشد دگرگون می‌شود. این نوع دگرگونی، محصول مستقیم گرمای ماگما یا سیالات فعال در حال چرخش است. پس فشار، در پیدایش این نوع دگرگونی، نقش مهمی ندارد.

با توجه به اینکه سنگ‌ها گرما را به خوبی هدایت نمی‌کنند، هرچه سنگ‌ها از ماگما دورتر باشند، کمتر تحت تأثیر دمای آن قرار می‌گیرند. ضمناً مقدار آب موجود در ساختار سنگ‌های دگرگون شده از این طریق را گاهی به عنوان مقیاس میزان نزدیکی به ماگما در نظر می‌گیرند، زیرا هرچه سنگ به ماگما نزدیک‌تر باشد، مقدار آب زیادتری را از دست می‌دهد.



شکل ۵-۸- دگرگونی مجاورتی زمانی رخ می‌دهد که ماگما در لابه‌لای سنگ‌های قبلی نفوذ کند.

محدوده دگرگونی مجاورتی (هاله دگرگونی) ممکن است فقط چند سانتیمتر در اطراف دایک‌ها و سیل‌ها، تا چند صد متر در اطراف باتولیت‌های بزرگ باشد (مانند تأثیر توده گرانیتی کوه الوند در همدان، بر سنگ‌های اطراف خود).

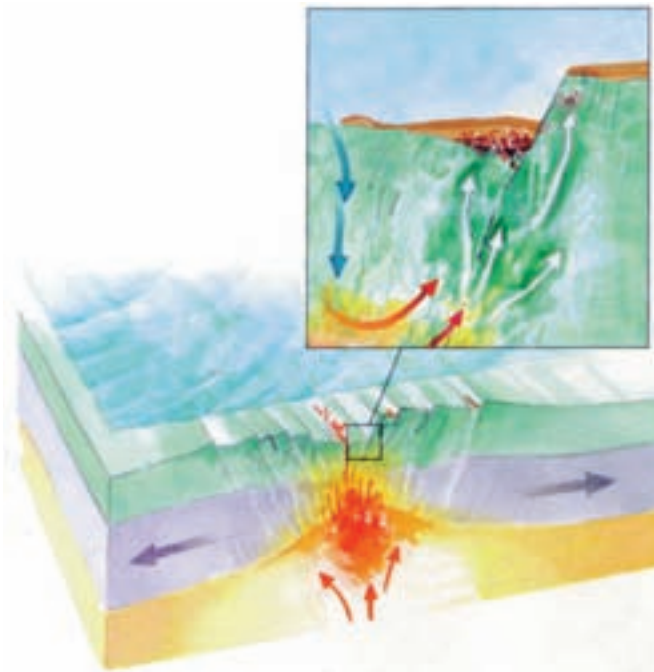
۲- دگرگونی ناحیه‌ای: این نوع دگرگونی، برخلاف دگرگونی مجاورتی که تأثیری محلی دارد، ممکن است بر سنگ‌های منطقه‌ای به وسعت چندین هزار کیلومتر مربع اثر بگذارد. مناطق دگرگونی مهم زمین در روی قاره‌ها، حاصل این نوع است. دگرگونی ناحیه‌ای به دو صورت دفنی و حرکتی - حرارتی اتفاق می‌افتد.

الف) دگرگونی دفنی: زمانی رخ می‌دهد که سنگ‌ها در زیر لابه‌ای به قطر بیشتر از ۱۰ کیلومتر رسوب یا سنگ قرار بگیرند. در این اعماق، تأثیر توأم فشار و گرمای درونی زمین باعث تبلور مجدد کانی‌های موجود در سنگ می‌شود. به سبب آنکه در این میان هیچ‌گونه فشار جهت‌داری در کار نیست،

سنگ‌های حاصل از دگرگونی دفنی، بدون لایه‌اند.

ب) دگرگونی حرکتی – حرارتی، مربوط به نقاطی است که سنگ‌ها در میان دو نیروی جانبی که باعث ایجاد چین خوردگی‌ها و رشته‌کوه‌ها می‌شود، به دام افتند. در این حال، فشاری جهت‌دار بر سنگ‌ها وارد می‌آید و به اصطلاح، سنگ به جریان می‌افتد. در نتیجه، بعضی از آن سنگ‌ها به بالا و بعضی به پایین حرکت می‌کنند. سنگ‌هایی که به اعماق بیشتر بروند، با فشار و گرمای زیادی روبرو خواهند بود. این قبیل سنگ‌ها با تحمل فشار، حالت لایه‌دار به خود می‌گیرند.

۳- دگرگونی گرمایی (هیدروترمال)، این نوع دگرگونی حاصل تأثیر آب بسیار داغ بر سنگ‌ها و ایجاد تغییراتی شیمیایی در آنهاست. منشأ آبی که ایجاد کننده تغییر در سنگ‌هاست، ممکن است از ماگما، نفوذ آب‌های زیرزمینی به اعماق زیاد و داغ شدن در اثر مجاورت با سنگ‌های عمقی، یا آبی باشد که در بستر اقیانوس نفوذ می‌کند و به ماگمای داغ نزدیک می‌شود. در هر صورت، آب در چنین اعماقی بسیار داغ می‌شود (تا ۴۰۰ درجه) و سپس، به صورت بخار در می‌آید و در حین بالا آمدن، می‌تواند در میان سنگ‌های بین راه نفوذ کند و باعث حل کردن بعضی از مواد، یا دگرسانی کانی‌هایی از قبیل الوین و پیروکسن شود و آنها را به سرپانتین مبدل کند.



شکل ۶-۸- دگرگونی هیدروترمال ممکن است، در محل رشته‌کوه و وسط اقیانوس‌ها و به هنگام نفوذ آب سرد به داخل سنگ‌های بازالتی داغ موجب دگرسانی سنگ‌ها شود.

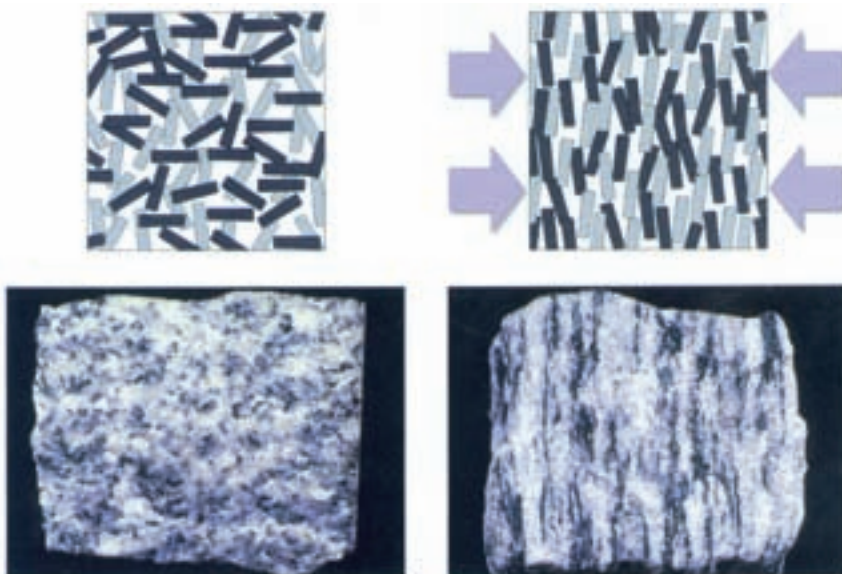
تغییر در بافت

چون سنگ‌های دگرگون شده از تغییر شکل سنگ‌های دیگر (آذرین، رسوبی و دگرگونی) به وجود می‌آیند، بافت این سنگ‌های قدیمی دستخوش تغییر می‌شود، یعنی شکل، اندازه دانه و رابطه بین دانه‌های مجاور تغییر می‌کند. همچنین، به علت تأثیر فشار جهت‌دار، ممکن است کانی‌ها جهت‌یافتگی پیدا کنند.

الف) اندازه دانه‌ها: عموماً در طی دگرگونی، کانی‌های دانه‌ریز با هم یکی می‌شوند و کانی دانه درشت‌تر به وجود می‌آورند. به این عمل تبلور دوباره گفته می‌شود. گاهی بر اثر نیروهای وارده، سنگ‌ها خرد می‌شوند و دانه‌ها شکسته شده و به انواع دانه‌ریزتر تبدیل می‌شوند.

ب) شکل دانه‌ها: اگر کانی‌های ورقه‌ای در جهت عمود بر فشار جهت‌دار قرار بگیرند، اندازه آنها بزرگ‌تر می‌شود و شکل و نحوه قرار گرفتن آنها تغییر می‌کند. به این ترتیب، سنگ شکل ورقه‌ورقه یا فلس‌مانند پیدا می‌کند که به آن شیستوزیته می‌گویند.

در دگرگونی درجات شدید، کانی‌های غیر ورقه‌ای مانند کوارتز و فلدسپات نیز تاحدی پهن و کشیده می‌شوند و سنگ منظره‌ای نواری یا لایه‌ای به خود می‌گیرد. این قبیل جهت‌یافتگی را فولیاسیون (Foliation) می‌گویند.



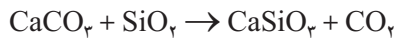
شکل ۷-۸ — کانی‌های موجود در گرانیت تحت فشار جهت‌دار در جهت خاصی ردیف می‌شوند و سنگ گنیس را حاصل می‌آورند.

تغییر در کانی‌ها

در طی دگرگونی ممکن است کانی‌های سازنده سنگ به صورت‌های مختلف تغییر کند :

- ۱- کانی‌ها بدون تغییر ترکیب شیمیایی رشد می‌کنند، مانند رشد بلورهای کوارتز در سنگ.
- ۲- کانی‌ها بدون آنکه ترکیب آنها تغییر کند بر اثر شدت درجات دگرگونی به کانی دیگر تبدیل می‌شوند، مثلاً گرافیت (معرف درجات ضعیف) به الماس (معرف درجات شدید دگرگونی) تبدیل می‌شود.

۳- کانی‌ها با هم واکنش می‌کنند که نتیجه آن تشکیل کانی جدید است. مثلاً از ترکیب کلسیت (CaCO_3) و کوارتز (SiO_2) کانی دگرگونی به نام ولاستونیت (Wollastonite) که خود، نوعی پیروکسن است به وجود می‌آید.



کلسیت سیلیس ولاستونیت

۴- آب و یا سیالات به ترکیب کانی وارد و یا از آنها خارج شود. تجزیه فلدسپات‌ها توسط محلول‌های داغ (محلول‌های گرمایی) که نتیجه آن ایجاد کانی‌های آبدار است و ایجاد سرپانتین از دگرسانی الیوین نمونه بارز آن است. بعضی از رگه‌های معدنی در نتیجه همین فعل و انفعالات به وجود می‌آید. چنان‌که قبلاً گفته شد، در دگرگونی مجاورتی، بعضی از کانی‌های آبدار، آب خود را از دست می‌دهند که خود نوعی تغییر ترکیب در کانی است.

طبقه‌بندی

سنگ‌های دگرگونی به دو گروه عمده زیر تقسیم می‌شوند :

- ۱- دارای جهت یافتگی : از این گروه، سنگ لوح، شیست و گنیس را می‌توان نام برد. سنگ لوح (Slate) : سنگی است که به آسانی به صورت ورقه‌های نازک متورق می‌شود. رنگ آن خاکستری یا سیاه است. کانی‌های این سنگ بسیار دانه‌ریز است و با چشم قابل تشخیص نیست. فیلیت نوعی سنگ لوح است و به علت وفور میکا در سطح شیستوزیته، جلای براق دارد که وسیله خوبی برای تشخیص آن است. این سنگ‌ها از دگرگونی شیل‌ها در درجات ضعیف به وجود می‌آیند. شیست : این سنگ نیز از دگرگونی شیل‌ها به وجود می‌آید ولی درجه دگرگونی آن شدیدتر از سنگ لوح است. کانی اساسی آن میکا است. شیست‌ها اقسام مختلف دارند و معمولاً از روی کانی فراوان‌تر، آنها را نام‌گذاری می‌کنند. مثلاً میکاشیست دارای میکای سفید، میکای سیاه و کوارتز است.

یا گرافیت شلیست، گرافیت زیاد دارد و یا تالک شلیست حاوی تالک است.

گنیس (Gneiss): سنگ دگرگون شده‌ای است که معمولاً از دگرگونی گرانیت‌ها و ماسه‌سنگ‌های فلدسپات‌دار به وجود می‌آید. کانی‌های اصلی آن همان انواعی است که در گرانیت یافت می‌شود (کوارتز، فلدسپات و میکا) ولی فولیاسیون دارد، یعنی کانی‌های غیر ورقه‌ای آن نیز در امتداد خاصی طولی یا پهن شده‌اند (شکل ۷-۸). این مسئله باعث تشکیل منظره متناوبی از لایه‌های سفید (فلدسپات و کوارتز) و لایه‌های سیاه (غالباً میکای سیاه) در سنگ می‌شود.

۲- فاقد جهت یافتگی: از این گروه مرمر، کوارتزیت و هورنفلس را می‌توان نام برد.

مرمر سنگ آهک دگرگون شده است. در این سنگ، بلورهای ریز کلسیت، مجدداً متبلور شده، و به صورت بلورهای دانه درشت‌تر درآمده‌اند. رگه‌های موجود در سنگ مرمر مربوط به ناخالصی‌ها در سنگ آهک اولیه است. به علت اینکه، مرمر عموماً از یک نوع کانی (کلسیت یا دولومیت) تشکیل یافته، فاقد جهت یافتگی مشخص است و غالباً منظره دانه قندی دارد.

کوارتزیت: ماسه سنگ دگرگون شده است. این سنگ نیز مانند مرمر از یک نوع کانی تشکیل شده است به نحوی که فاصله بین دانه‌های درشت کوارتز، از سیمان سیلیس متبلور پر شده است. استحکام سیمان کوارتزیت به حدی است که وقتی سنگ شکسته شود این شکستگی از بین دانه‌ها عبور نمی‌کند بلکه خود دانه نیز شکسته می‌شود. رنگ کوارتزیت مشابه رنگ ماسه سنگ‌ها و اکثراً سفید تا خاکستری رنگ است. این سنگ، از سیلیس تقریباً خالص تشکیل یافته، درشیشه‌سازی از آن استفاده می‌کنند.

هورنفلس (Hornfels): از دگرگونی مجاورتی سنگ‌هایی مانند شیل‌ها و یا شلیست‌ها به وجود می‌آیند. اصولاً به علت دمای زیاد در هاله دگرگونی، سنگ‌های سخت، دانه‌ریز، متراکم و غالباً سیاه‌رنگی با بافت مضرسی دنداندار و فاقد هر نوع جهت یافتگی به وجود می‌آید. هورنفلس سنگ تریینی سیاه رنگ و درخشنده خوبی است.

درجات دگرگونی و کانی‌های شاخص

از آنجا که مشاهده مستقیم محیطی که فرایند دگرگونی به‌طور طبیعی در آن رخ می‌دهد ممکن نیست، زمین‌شناسان در محیط آزمایشگاه، کانی‌ها را در معرض فشارها و گرمای در حال ازدیاد قرار می‌دهند. همچنین، می‌توان در آزمایشگاه ترکیبات شیمیایی موجود در سنگ‌های معمولی را در درجات مختلف فشار و گرما قرار داد. در این حال، معلوم می‌شود کدام کانی‌ها می‌توانند در دما و فشارهای

معین و کنترل شده‌ای شکل بگیرند. با این آزمایش‌ها معلوم شده است که هر سنگ دگرگون شده‌ای دارای درجه معینی از دگرگونی است و از این راه، میزان تغییر نسبت به سنگ اولیه معلوم می‌شود. سنگ‌های دارای درجه پایین دگرگونی هنوز هم بسیاری از مشخصات اولیه (بعضی از آثار لایه‌بندی، فسیل‌ها و کانی‌های اصلی) را حفظ کرده‌اند. پس تشخیص سنگ اولیه آسان است. درجه پایین، حدی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ درجه سانتیگراد و فشاری حدود ۲ تا ۶ کیلو بار است. در درجه بالای دگرگونی، به علت تحمل فشار و دمای بیشتر، عملاً ساختار اولیه سنگ از میان می‌رود و سنگ‌هایی که دمای ۵۰۰ تا ۷۰۰ درجه سانتیگراد و فشار ۸ تا ۱۰ کیلو بار را تحمل کنند، در این گروه قرار می‌گیرند. بین این دو محدوده هم سنگ‌های مختلف دیگری قرار می‌گیرند.



شکل ۸-۸ - تغییراتی که کانی‌های موجود در شیل در درجات مختلف دگرگونی به خود می‌بینند.

دگرگونی و منابع طبیعی

بر اثر فرایندهای دگرگونی، منابع طبیعی با ارزشی به وجود می‌آید که می‌توان آنها را به دو دسته کانی‌ها و سنگ‌های با ارزش تقسیم کرد. این منابع در درجات متفاوت دگرگونی حاصل می‌شوند. به موارد استفاده انواعی از کانی‌های دگرگونی (گرافیت، گارنت، آزبست و تالک) در صفحات قبل اشاره شد. علاوه بر این نمونه‌ها می‌توان از کیانیت نام برد که به علت تحمل حرارت زیاد، برای ساختن چینی شمع خودروها استفاده می‌شود.

سنگ‌های دگرگون شده معمولاً محکم و با دوام‌اند، زیرا گرما و فشار فضاهای بین دانه‌های

آنها را از میان برده و بر تراکم آنها افزوده شده است. واکنش‌های دگرگون‌کننده، کانی‌های ناپایدار را با کانی‌های پایدارتر عوض می‌کنند و تبلور مجدد، پیوند میان دانه‌های رسوبی و سیمان بین آنها را مستحکم‌تر می‌سازد. به همین سبب است که از سنگ‌های دگرگون شده در نمای بیرونی ساختمان‌ها، سدها و پل‌ها استفاده می‌کنند.

بعضی از سنگ‌های دگرگون شده، به خاطر ظاهر زیبای خود با ارزش شده‌اند. سرپانتی‌نیت یکی از این سنگ‌هاست. مرمر هم همواره از جمله سنگ‌های مورد توجه مجسمه‌سازان بوده است. مرمر خالص، سفید است و با کمی ناخالصی به رنگ‌های متنوعی در می‌آید. این شکل‌ها به علت استحکام خوب و منظره زیبا به عنوان سنگ‌های تزئینی استخراج می‌شوند.

گاهی نیز سنگ‌های دگرگون شده، منابع فلزی پر ارزشی را دربردارند که مس، نیکل، روی، سرب، آهن و طلا، نمونه‌هایی از آنها هستند.

جمع‌آوری اطلاعات

دانش زمین‌شناسی، ارتباط نزدیکی با سایر شاخه‌های علوم دارد. به مثال‌های زیر توجه کنید و درباره آنها، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کنید.



۱

۱- بهداشت: چه عناصری در بدن ما و در ساختمان آن به کار رفته‌اند که آنها را از زمین به‌دست می‌آوریم. نقش این عناصر در بدن چیست؟ این عناصر به چه شکل از زمین به‌دست می‌آیند؟



۲

۲- اقیانوس‌شناسی: در بعضی از نقاط بستر اقیانوس قطعات فلزی خاصی پراکنده است. این قطعات یا گرهک‌ها، شامل فلزاتی مانند منگنز، نیکل، کبالت و مس‌اند. استخراج آنها چه مشکلاتی را دربر دارد؟



۳

۳- زیست‌شناسی : باکتری‌های

تثبیت‌کننده نیتروژن، این عنصر را از هوا می‌گیرند و آن را در ریشه گیاهانی از قبیل نخود و لوبیا به صورت نیترات درمی‌آورند. درباره سرنوشت این عنصر و چرخه آن اطلاعات لازم را جمع‌آوری کنید.



۴

۴- فیزیک : در قدیم، ساعت‌ها را با

چرخ و دنده به کار می‌انداختند، اما امروزه از بلورهای کوارتز برای ساعت‌سازی استفاده می‌کنند و عقیده دارند که ساعت‌های جدید، از ساعت‌های قدیمی دقیق‌ترند. کدام خاصیت بلور کوارتز این امکان را در اختیار انسان گذاشته است؟

تغییرات سنگ‌ها

سطح زمین در تغییری همیشگی است. برخی از فرایندهای تغییر، چنان کُند عمل می‌کنند که مشاهده آنها بسیار مشکل است. مثلاً، هوازدگی سنگ‌ها را به آسانی نمی‌توان دید. در عوض، بعضی از تغییرات بسیار سریع صورت می‌گیرند، چنانکه، مشاهده تغییراتی که یک زمین‌لغزه ایجاد می‌کند بسیار آسان است.

۱- هوازدگی

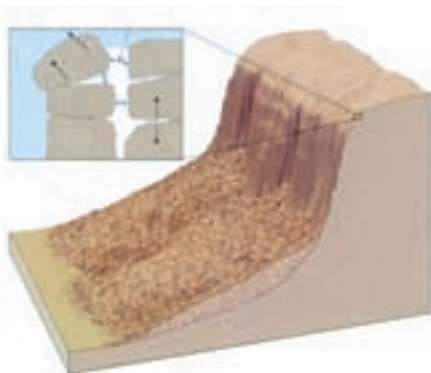
هوازدگی نتیجه فعالیت عوامل فیزیکی، شیمیایی و زیستی است که همه باهم بر سنگ‌های سطح زمین اثر می‌کنند، ولی سبب جابه‌جایی مواد حاصل نمی‌شوند.

در هر جا که سنگ کره و هوا کره در تماس باشند، تخریب فیزیکی و شیمیایی در سنگ‌ها روی می‌دهد. محل تماس آنها در واقع یک سطح نیست، بلکه منطقه‌ای است که از سطح تا عمقی که هوا و آب می‌توانند نفوذ کنند، گسترش دارد. در این منطقه، آب کره و زیست کره نیز فعال‌اند. وجود شبکه‌ای از منافذ و درز و شکاف‌ها در این منطقه باعث می‌شود که سنگ‌ها همواره در معرض حمله فیزیکی و شیمیایی هوا و آب قرار گیرند و در نتیجه، به تدریج خرد و متلاشی یا به سخن دیگر هوازده شوند.

نتیجه عمل هوازدگی را، غالباً می‌توان در بریدگی جاده‌ها یا دیواره رودخانه‌ها مشاهده کرد. بر اثر هوازدگی، معمولاً قشری از مواد نرم و ناپیوسته بر روی سنگ بستر (سنگ‌های اصلی سازنده پوسته زمین) تشکیل می‌شود. در بسیاری از نقاط، به ویژه در مناطق مرطوب (مثل استان پر باران گیلان) سنگ بستر ممکن است در سطح زمین دیده نشود، چون در زیر مواد ناشی از هوازدگی خود مدفون شده است.

معمولاً هوازدگی را به دو نوع فیزیکی و شیمیایی تقسیم می‌کنند:

هوازدگی فیزیکی: هوازدگی فیزیکی عبارت است از خرد شدن فیزیکی سنگ‌ها به قطعات و ذرات کوچک‌تر بدون آن که ترکیب آنها تغییر کند. برای ایجاد این نوع هوازدگی، نیروهای فیزیکی لازم است. آزمایش نشان می‌دهد که وقتی آب یخ می‌زند تقریباً ۹ درصد به حجمش اضافه می‌شود. به همین



جهت با یخ بستن آب در شکاف سنگ ها و بر اثر تکرار چرخه های ذوب و انجماد، سرانجام ممکن است قطعه ای از سنگ شکسته شود (شکل ۱-۹).

شکل ۱-۹ - تأثیر نفوذ آب و انجماد آن، در خرد شدن سنگ ها



شکل ۲-۹ - رشد ریشه درختان در ترک های سنگ ها می تواند موجب انبساط این ترک ها شود و حتی قطعاتی از سنگ را جدا کند.

ضمناً تغییرات دمای هوا سبب انبساط و انقباض قشر نازکی از سطح سنگ ها می شود که تکرار آن ممکن است موجب متلاشی شدن سطحی سنگ ها شود. گرچه مطالعات آزمایشگاهی این موضوع را دقیقاً تأیید نمی کند، اما تصور می شود که تغییرات دما در هوازدگی فیزیکی سنگ ها در مناطق بیابانی، (که تفاوت دمای هوا در شب و روز زیاد است) مؤثر باشد. ریشه گیاهان نیز ممکن است با نفوذ و رشد خود در داخل ترک های سنگ ها فشاری ایجاد کند که به خرد شدن سنگ ها منجر شود. (شکل ۲-۹)

به هر حال علت هوازدگی فیزیکی سنگ ها هرچه که باشد موجب می شود که توده های بزرگ سنگ به قطعات کوچکتری شکسته شود. هرچه سنگ به قطعات کوچکتری تقسیم شود،

نسبت سطح به حجم آن بیشتر می شود و چون سطح بزرگتری از سنگ در معرض هجوم عوامل هوازدگی شیمیایی قرار می گیرد، سریع تر هوازده می شود.

هوازدگی شیمیایی: در هوازدگی شیمیایی کانی های سنگ از نظر شیمیایی تغییر می کنند. انجام هوازدگی شیمیایی غالباً مستلزم وجود آب است، زیرا آب قادر است بسیاری از کانی ها را حل کند. مثلاً کانی هالیت به آسانی به وسیله آب حل و به یون های سدیم و کلر تفکیک می شود البته اکثر کانی ها به سرعت هالیت در آب حل نمی شوند. کلسیت که کانی اصلی سنگ های آهکی است به وسیله آب خالص به کندی حل می شود، ولی آب های اسیدی این سنگ ها را خیلی سریع تر حل می کنند. آب باران مقدار

کمی از دی اکسید کربن هوا را در خود حل می کند و اسید ضعیفی تشکیل می دهد (اسید کربنیک). این اسید با کلسیت واکنش کرده و آن را به طور کامل حل می کند حفرات موجود در سنگ های آهکی و غارهای بزرگ آهکی به همین ترتیب تشکیل می شوند.

کانیهای سیلیکاتی در مقابل هوازدگی شیمیایی کمتر آسیب پذیرند. تمام محصولات ناشی از هوازدگی آنها هم قابل حل نیست. مثلاً بر اثر هوازدگی شیمیایی فلدسپات ها، کانی های رسی به وجود می آید. چون فلدسپات ها فراوان ترین کانی های سازنده پوسته زمین اند، رس ها در خاک ها و رسوبات فراوان اند. بر اثر هوازدگی شیمیایی سیلیکات های آهن و منیزیم دار، اکسیدها و هیدروکسیدهای آهن و کانیهای رسی ایجاد می شود که برجای می مانند و مواد دیگری که محلول اند، از محل دور می شوند. این ترکیبات آهنی به جای مانده سبب رنگ قرمز و زرد بسیاری از خاک ها هستند. کوارتز در مقابل هوازدگی شیمیایی فوق العاده پایدار است و فقط به طور جزئی حل می شود.

نوع دیگر هوازدگی شیمیایی بر اثر ترکیب مستقیم اکسیژن با یک عنصر، طی فرآیند اکسایش انجام می گیرد. در این مورد نیز آب موجب سرعت بیشتر واکنش می شود. اشیای آهنی در مناطق مرطوب خیلی سریع تر از مناطق خشک اکسیده می شوند. آهن که میل ترکیبی زیادی با اکسیژن دارد، در بسیاری از کانی ها مثل الیون، بیوتیت و آمفیبول ها یافت می شود. وقتی آهن این قبیل کانی ها بر اثر هوازدگی آزاد شود، اگر اکسیژن موجود باشد، بلافاصله به اکسیدهای آهن تبدیل می شود.

گیاهان و جانداران نیز در هوازدگی شیمیایی سنگ ها مؤثرند. گیاهان در حال پوسیدگی، اسیدهایی تولید می کنند که می توانند سنگ ها را تخریب کنند. هرچه گیاهان بیشتری در یک منطقه رشد کنند، هوازدگی شیمیایی تا عمق بیشتری نفوذ می کند، سنگ ها بیشتر متلاشی می شوند و خاک بیشتری می سازند. باکتری ها نیز با اکسایش و فاسد کردن باقیمانده های گیاهی و ایجاد محیط اسیدی به هوازدگی شیمیایی کمک می کنند.

پایداری سنگ ها در برابر هوازدگی

میزان پایداری سنگ ها در برابر هوازدگی به عوامل مختلف بستگی دارد :

ترکیب و ساختمان سنگ : سنگ ها از کانی های مختلف درست شده اند و چنان که دیدیم کانی های مختلف در مقابل هوازدگی به یک اندازه مقاوم نیستند. بنابراین پایداری یک سنگ به ترکیب کانی شناسی آن وابسته است. مثلاً میزان نسبی پایداری بسیاری از سیلیکات ها را در مقابل هوازدگی شیمیایی می توان به شرایط اولیه تشکیل آنها ارتباط داد. از کانی های سیلیکاتی مختلفی که از ماگما متبلور

می‌شوند، آنهایی که در بالاترین دما و فشار تشکیل می‌شوند، در مقابل هوازدگی مقاومت کمتری نشان می‌دهند. کوارتز که در مراحل نهایی انجماد ماگما تشکیل می‌شود مقاوم‌ترین کانی در مقابل هوازدگی است. می‌توان پایداری نسبی کانی‌های معمولی سیلیکاتی را در مقابل هوازدگی شیمیایی براساس سری واکنشی بوون برآورد کرد (شکل ۳-۹):

سرعت هوازدگی سنگ‌ها به بافت و ساخت آنها نیز بستگی دارد. روشن است که هرچه سنگ منافذ و شکاف‌های بیشتری داشته باشد آسان‌تر هوازده می‌شود.



شکل ۳-۹ - هوازدگی کانی‌های سیلیکاتی معمولی



شکل ۴-۹ - قسمتی از دریاچه و سنگ‌های اطراف سد کرج. به اختلاف پایداری سنگ‌ها در برابر تأثیر عوامل هوازدگی توجه کنید.

اختلاف مقاومت سنگ‌ها در برابر هوازدگی موجب پیدایش مناظر گوناگونی در آنها می‌شود (شکل ۴-۹). مثلاً هرگاه در منطقه‌ای تناوبی از ماسه سنگ و سنگ‌های رسی وجود داشته باشد به علت آنکه ماسه سنگ‌ها معمولاً در مقابل هوازدگی پایدارترند، برجستگی‌ها و سنگ‌های رسی فرورفتگی‌ها را می‌سازند.

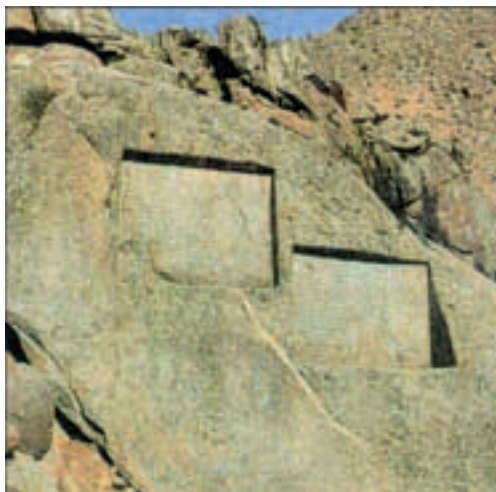
اقلیم: رطوبت و گرما دو عامل مهم تشدید واکنش‌های شیمیایی‌اند. بنابراین، هوازدگی در مناطق گرم و مرطوب نسبت به نواحی سرد و خشک خیلی شدیدتر است و تا عمق بیشتری نفوذ می‌کند. در مناطق گرم و پر باران استوایی، هوازدگی شیمیایی فوق‌العاده فعال است و در نتیجه قشر مواد هوازده ممکن است به بیش از

۱۰۰ متر برسد. در حالی که در مناطق گرم و خشک بیابانی به علت کمبود رطوبت و گیاهان، هوازدگی شیمیایی توسعه چندانی ندارد و آنچه که بیشتر دیده می‌شود خردشدگی فیزیکی سنگ‌هاست. در مناطق سرد قطبی، هوازدگی شیمیایی بسیار کند صورت می‌گیرد.

شیب زمین: وقتی در شیب‌های تند یک کانی بر اثر هوازدگی از سنگ بستر جدا می‌شود، به حرکت درمی‌آید و در نتیجه، قسمت تازه‌ای از سنگ بستر در معرض هجوم عوامل هوازدگی قرار می‌گیرد. در این نقاط، ضخامت پوشش هوازده ممکن است کم یا ناچیز باشد. در حالی که در شیب‌های کم و افقی محصولات هوازدگی به آسانی از محل دور نمی‌شوند و ممکن است ضخامت‌های زیادی پیدا کنند.

زمان: صدها، بلکه هزاران سال وقت لازم است تا یک سنگ سخت به عمق چند میلیمتر هوازده شود. سنگ نبشته‌های موجود در کوه الوند (گنج‌نامه)، که بر روی سنگ گرانیت حک شده‌اند، در طی چند هزار سال تغییرات چندانی نشان نمی‌دهند (شکل ۵-۹). به هر حال بعضی از سنگ‌ها در برخی اقلیم‌ها ممکن است در طی هزاران سال اساساً بدون تغییر باقی بمانند و بعضی دیگر در مدت خیلی کمتر هوازدگی قابل توجهی تحمل کنند.

❓ سرعت هوازدگی با گذشت زمان زیادتر می‌شود یا کمتر؟ دلیل بیاورید.

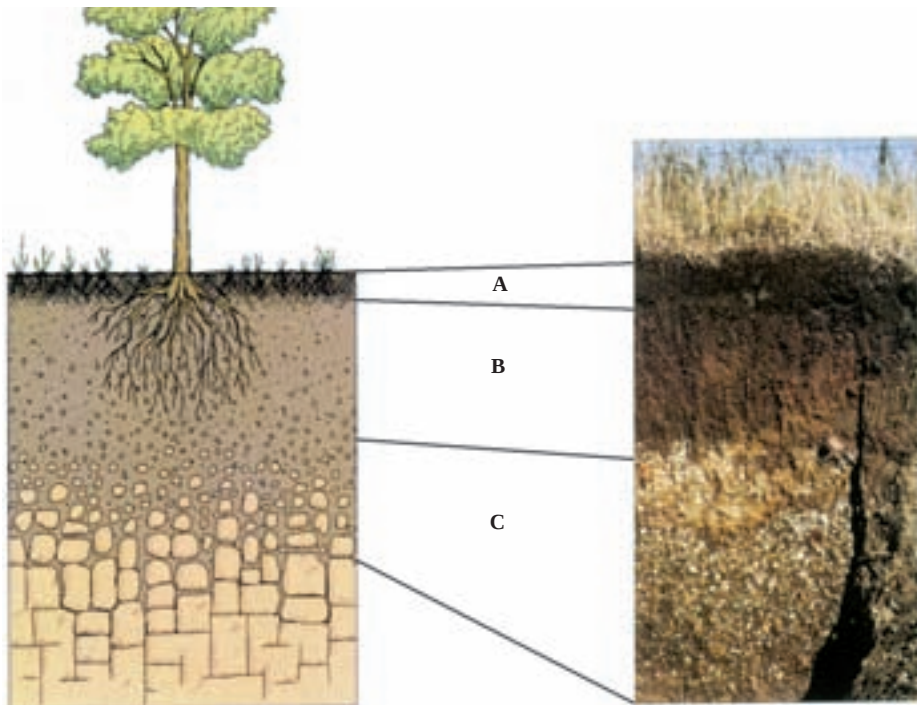


شکل ۵-۹ - سنگ نبشته دوره هخامنشی در گنج‌نامه (همدان)

خاک

خاک محصول نهایی هوازدگی و نتیجه تخریب فیزیکی و شیمیایی سنگ‌ها همراه با تجمع باقیمانده‌های

در حال فساد جانداران است که لایه‌ای را بین سنگ بستر و هواکره تشکیل می‌دهد. خاک متشکل از مواد معدنی (غیرآلی) و مواد آلی است. البته حداقل ۸۰ درصد خاک را مواد معدنی حاصل از هوازدگی سنگ‌ها تشکیل می‌دهد. کوارتز، کانیهای رسی و ترکیبات عناصری چون پتاسیم، فسفر و نیتروژن مهم‌ترین مواد معدنی موجود در خاک‌اند. خاک‌ها عموماً دارای هوا و آب نیز هستند. خاک ماده پرارزشی است. زندگی انسان و بسیاری از موجودات زنده دیگر بدون وجود خاک، ناممکن به نظر می‌رسد. از آنجا که فرایند تشکیل خاک بسیار آهسته است و تشکیل یک سانتیمتر آن به ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ سال زمان نیاز دارد، باید در بهره‌برداری از خاک و نگهداری از آن دقت‌های لازم را به عمل آورد. در تشکیل خاک، علاوه بر عوامل پیش گفته (سنگ اولیه، اقلیم، شیب زمین و زمان)، زندگی گیاهی و جانوری موجود در خاک عامل مهمی است. مثلاً حفیرهایی که به وسیله جانوران در زمین ایجاد می‌شوند امکان نفوذ آب و هوا و در نتیجه هوازدگی بیشتر خاک را فراهم می‌کنند. باقیمانده‌های گیاهان و اجساد جانوران پس از مرگ آنها می‌پوسد و موجب افزایش «هوموس» در خاک می‌شود. هوموس (گیاهخاک) به بخش آلی خاک گفته می‌شود.



شکل ۶-۹ - نیمرخ خاک. در خاک کامل، لایه‌های مختلفی را می‌توان مشاهده کرد.

نیمرخ خاک : خاک به صورت لایه‌هایی افقی تشکیل می‌شود که به آن «افق‌های خاک» می‌گویند. هر یک از افق‌های خاک را با یکی از حروف لاتین نشان می‌دهند (شکل ۶-۹). بالاترین لایه، افق A است. این لایه حاوی هوموس و مقدار کمی رس و ماسه است. ریشه‌های بسیاری از گیاهان محدود به همین افق‌اند. در زیر آن افق B قرار دارد که حاوی رس، ماسه و مقدار کمی هوموس است. افق B همچنین حاوی عناصر محلولی است که به وسیله آب از افق فوقانی شسته شده‌اند. در زیر افق B، لایه ضخیم‌تری متشکل از سنگ‌هایی که بخشی از آن هوازده‌اند، قرار دارد. اغلب ریشه‌های گیاهی به این لایه نمی‌رسد. نفوذ آب و هوا نیز به این افق محدود می‌شود. در زیر افق C سنگ بستر قرار گرفته است. گرچه افق‌های پیش گفته را در بسیاری از خاک‌ها می‌توان مشاهده کرد، ولی خاک‌های نواحی مختلف با هم تفاوت دارند. در مناطق سرد، خاک کمی تشکیل می‌شود، زیرا سطح یخ‌زده زمین مانع از هوازدگی بیشتر است. به علاوه، در این نواحی به علت نبودن پوشش گیاهی محافظ، سطح تازه سنگ‌ها در بیشتر نقاط دیده می‌شود.

در مناطق مرطوب حاره‌ای به علت بالا بودن دما و باران فراوان، خاک‌های ضخیمی تشکیل می‌شود. ولی در این مناطق بسیاری از کانی‌ها از لایه‌لای خاک شسته می‌شوند و از این رو، این خاک‌ها برای رشد فراوان محصولات کشاورزی به قدر کافی غنی نیستند.

خاک‌های نواحی بیابانی به علت هوازدگی شیمیایی کم و فرسایش آبی و بادی زیاد، معمولاً نازک و به صورت تکه‌تکه‌اند. این خاک‌ها غالباً دارای کانی‌های محلول ولی فاقد مواد آلی‌اند، یا مواد آلی کمی دارند. افق‌های خاک معمولاً وجود ندارد یا به خوبی توسعه پیدا نکرده است.

در مناطق معتدل، معمولاً میزان بارش کمتر از نواحی پرباران استوایی است با وجود این، مناطق معتدل غالباً آن قدر باران دریافت می‌کنند که خاک‌های ضخیمی پدید آورند. رشد فراوان گیاهان در این نواحی، خاک‌های غنی، سیاه‌رنگ و با هوموس فراوان تولید می‌کند. به همین جهت خاک‌های نواحی معتدل از حاصلخیزترین خاک‌ها هستند و بیشتر غذای مردم جهان از همین نواحی تأمین می‌شود.

۲- فرسایش

فرسایش عبارت است از فرایندهایی که در طی آن مواد هوازده و متلاشی شده سنگ‌های سطح زمین جابه‌جا می‌شوند. هوازدگی مقدمه فرسایش است و در طی فرسایش، هوازدگی نیز همچنان ادامه دارد.

عواملی چون نیروی جاذبه، آب‌های جاری، آب‌های زیرزمینی، یخچال‌ها، دریا و باد در فرسایش

سنگ‌ها دخالت دارند.

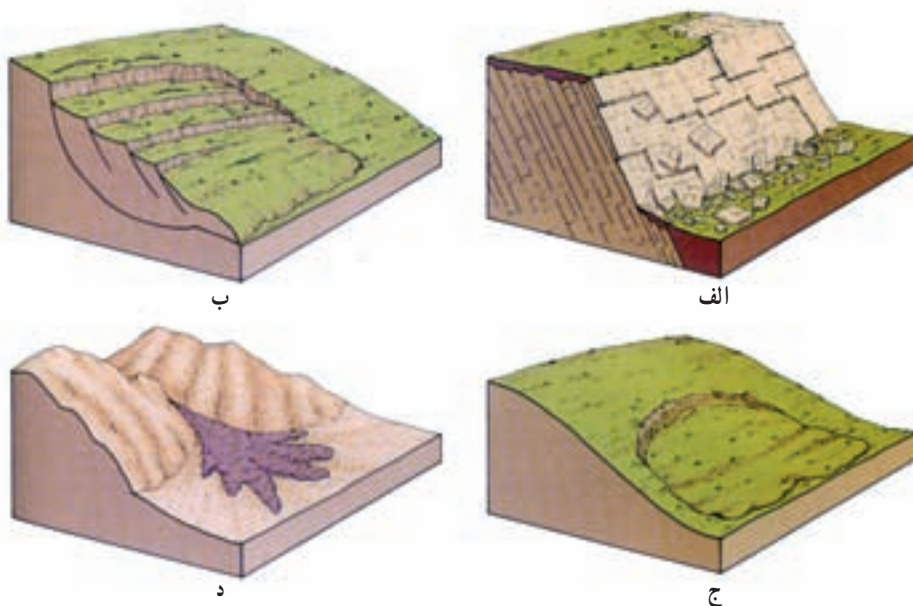
نیروی جاذبه: توده‌های سنگ و خاک در سرایشی ممکن است بدون دخالت یک عامل حمل و نقل مثل آب، باد یا یخ به حرکت درآیند. با این حال آب نقش مهمی در حرکت مواد در سرایشی‌ها دارد. اشباع ذرات خاک‌ها یا رسوبات با آب، اصطکاک بین آنها را کاهش می‌دهد و حرکت را آسان‌تر می‌کند. به همین جهت است که پس از بارندگی‌های شدید و طولانی، احتمال حرکت توده‌های خاک و سنگ در سرایشی‌ها بیشتر است. به هر حال فرایندهای هوازدگی، حرکت توده‌های سنگ و خاک در دامنه‌ها فرایندهای وابسته به هم‌اند و اثر متقابل برهم دارند. نتیجه نهایی عمل آنها متلاشی شدن تدریجی سنگ بستر و پراکندگی مواد حاصل است.

ذره‌ای که بر اثر هوازدگی از سنگ بستر جدا می‌شود، دارای انرژی پتانسیلی است که آن را در جهت شیب زمین به حرکت درمی‌آورد. این آغاز مسافت ذره است که می‌تواند خیلی تند یا خیلی کند باشد. این ذره دیر یا زود در اختیار یک رود یا عامل حمل‌کننده دیگری قرار می‌گیرد که آن را به فواصل دورتری می‌برد.

در تقسیم‌بندی حرکت مواد در دامنه‌ها، عوامل مختلفی مثل جنس، نوع مواد و سرعت حرکت را در نظر می‌گیرند. این حرکات را به‌طور کلی می‌توان به سه نوع «ریزش»، «لغزش» و «جریان» تقسیم کرد. «ریزش» عبارت از حرکت و سقوط ذرات سنگ و خاک از پرتگاه‌ها و سرایش‌های خیلی تند است (شکل ۷-۹ - الف).

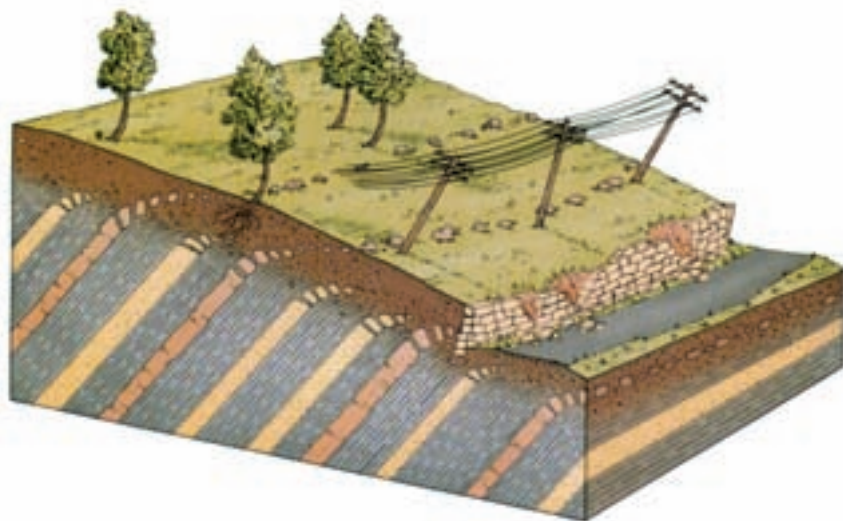
حرکت توده‌های سنگ یا رسوب در امتداد سطوح لغزشی را «لغزش» می‌خوانند. «زمین لغزه» نیز اصطلاحی کلی است که معمولاً شامل حرکات لغزشی و ریزشی توده‌های نسبتاً خشک سنگ و خاک می‌شود. سطوح لغزشی معمولاً سطح لایه‌بندی یا سطح شکستگی‌هاست (شکل ۷-۹ - ب). معمولاً وجود یک لایه رسی در زیر قطعات و توده‌های سنگ، لغزش آنها را آسان‌تر می‌کند، زیرا لایه رسی بر اثر نفوذ آب حالت صابونی و لغزنده پیدا می‌کند. پایداری سنگ‌ها در بریدگی‌های طبیعی و مصنوعی به جهت شیب لایه‌ها بستگی دارد.

در نوع سوم حرکات دامنه‌ای، مواد به صورت خمیری (پلاستیک) یا نیمه مایع به سمت پایین جریان می‌یابند (شکل ۷-۹ - ج). جریان‌ها گاهی بسیار تندند، مانند «جریان‌های گل» که در مناطق کوهستانی نواحی خشک و نیمه‌خشک صحرایی، پس از رگبارهای کوتاه مدت، عمومیت دارند (شکل ۷-۹ - د). باران‌های تند، پوشش خاک و مواد هوازده را به سرعت به توده‌هایی از گل تبدیل می‌کند که همراه با قطعات سنگ، رو به پایین به حرکت درمی‌آیند و قدرت فرسایشی زیادی دارند.



شکل ۷-۹ - انواع حرکات دامنه‌ای

اهمیت مطالعه حرکات دامنه‌ای در کارهای مهندسی : حرکت توده‌های سنگ و خاک گاهی ممکن است به ساختمان‌ها و دیگر سازه‌هایی که در دامنه سرایشی‌ها و پرتگاه‌ها قرار گرفته‌اند صدمه بزند یا آنها را تخریب کند، جاده‌ها و خطوط آهن را مسدود سازد و در مسیر رودها، سدها و دریاچه‌هایی به وجود آورد. به این جهت مطالعه حرکت سنگ‌ها در بسیاری از کارهای مهندسی مربوط به ایجاد جاده‌ها، پل‌ها، سدها و ساختمان‌ها اهمیت اساسی دارد. این گونه سازه‌ها باید در نقاطی بنا شوند که زمین به قدر کافی پایدار باشد، یا تدابیر لازم از پیش اندیشیده شود. بی‌توجهی به مسئله ریزش و لغزش سنگ‌ها و محاسبه دقیق شیب بریدگی‌ها گاهی می‌تواند خسارات فراوانی به بار آورد. امروزه به روش‌های مختلف، مثل ایجاد دیواره‌های حایل، استفاده از تورهای سیمی، محاسبه دقیق شیب بریدگی‌ها، ایجاد زهکشی برای تخلیه آب اضافی، ایجاد بهمن‌گیرها و بسیاری اقدامات دیگر، کوشش می‌شود که شیب‌ها تثبیت شود و آثار نامطلوب ریزش‌ها و لغزش‌ها از بین برود.

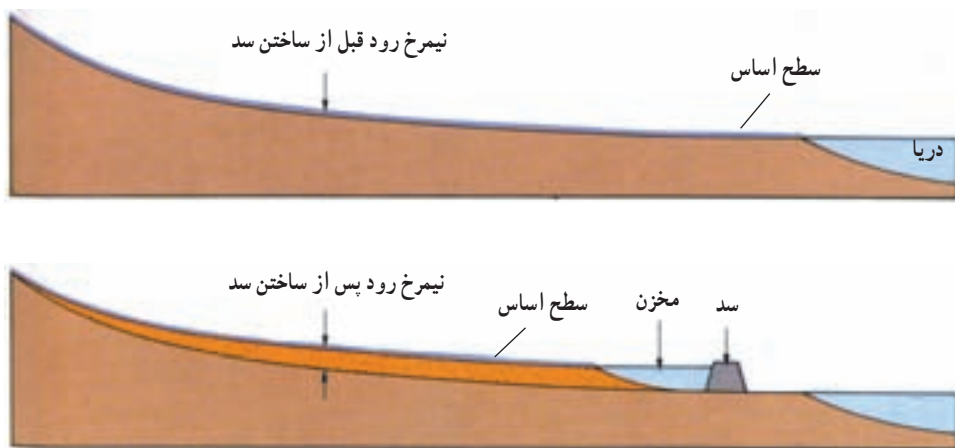


شکل ۸ - ۹ - خزش ملایم مواد

آب‌های جاری : حتماً تاکنون رودهای کوچک یا بزرگی را دیده‌اید. بعضی از رودها، آب تقریباً زلالی دارند. ولی برخی دیگر گل‌آلودند. رودها، چه کوچک و چه بزرگ، همواره سطح زمین را در جایی می‌فرسایند و مواد حاصل را در جای دیگر ته‌نشین می‌کنند. فرسایش سطح زمین از لحظه فرود قطرات باران شروع می‌شود. هر قطره باران، در لحظه برخورد به زمین، دارای مقداری انرژی جنبشی است که می‌تواند ذرات خاک را سست و پراکنده کند. آن‌گاه این ذرات توسط آب‌های سطحی شسته می‌شوند. این‌گونه فرسایش، که «فرسایش ورقه‌ای» خوانده می‌شود، نقش مهمی در فرسایش و شستشوی خاک در سطح حوضه آبریز دارد. اگر سطح زمین به وسیله رستنی‌ها محافظت نشده باشد فرسایش بیشتری پیدا می‌کند. وقتی زمین به قدر کافی فرسایش پیدا کند، مجاری و آبراهه‌های کوچکی ایجاد می‌شود. با ادامه فرسایش، این مجاری وسیع‌تر و عمیق‌تر شده و بسترهای بزرگ‌تری به وجود می‌آید.

رودها طی فرایندی که فرسایش قهقرای خوانده می‌شود، طول خود را روبه عقب نیز می‌افزایند. به عبارت دیگر رودها با فرسایش هرچه بیشتر سنگ‌ها در مبدأ یا سرچشمه خود، دائماً زمین را به طرف بالا رود حفر می‌کنند. انتهای دیگر رود، که مصب یا دهانه رودخانه خوانده می‌شود، جایی است که رود وارد توده‌ای از آب مثل دریا یا دریاچه می‌شود و موادی را که با خود حمل می‌کند ته‌نشین می‌سازد.

هیچ رودی نمی‌تواند پایین‌تر از ارتفاع دهانه خود، سطح زمین را فرسایش دهد. سطحی که در آن رودخانه انرژی خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند بیش از آن بستر خود را روبه پایین حفر کند، سطح مبنای یا سطح اساس خوانده می‌شود. سطح مبنای نهایی رودها معمولاً سطح دریاست. یک دریاچه یا لایه‌ای از یک سنگ مقاوم ممکن است به عنوان یک سطح مبنای موقتی یا محلی عمل کند (شکل ۹-۹).



شکل ۹-۹ - بالا رفتن سطح اساس با ساخته شدن سد

وقتی یک رودخانه با لایه‌ای از یک سنگ مقاوم روبرو شود، معمولاً تشکیل آبشار یا تندآب می‌دهد. سنگ مقاوم به عنوان یک سطح مبنای موقتی عمل می‌کند. با فرسایش آهسته سنگ مقاوم، آبشار یا تندآب به طرف بالای رود عقب‌نشینی می‌کند.

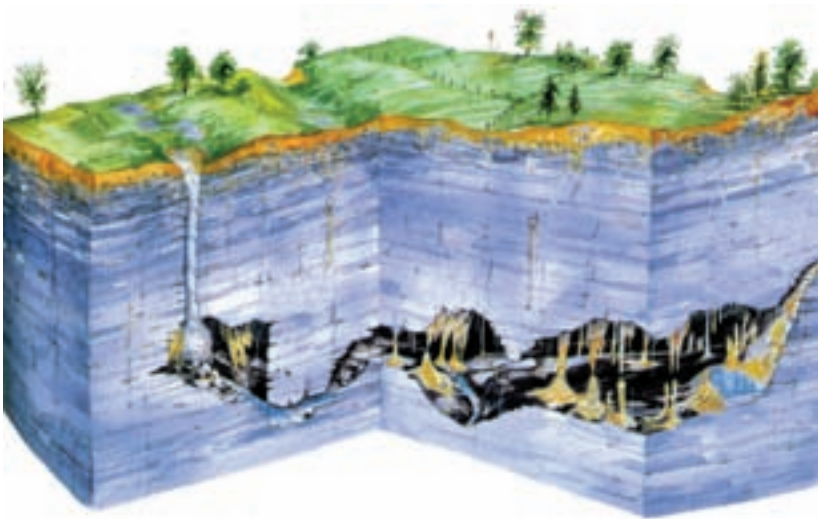
تشکیل دره: تشکیل و توسعه دره رودخانه‌ها را می‌توان به سه مرحله جوانی، بلوغ و پیری تقسیم کرد، دره رودهای جوان، ۷ شکل با دیواره‌های پرشیب است. زیرا بیشتر انرژی فرسایشی آنها صرف عمیق‌تر کردن بسترشان می‌شود. وقتی رود جوانی به سطح مبنای خود نزدیک می‌شود، شروع به فرسایش جانبی سواحل خود می‌کند و دره‌ای پهن‌تر به وجود می‌آورد. هوازدگی و ریزش و لغزش دیواره‌های دره و فرسایش توسط اشعاعات رود به پهن‌تر شدن بیشتر دره کمک می‌کند و در نتیجه رودی بالغ تشکیل می‌شود.



شکل ۱۰- ۹- یک دره ۷ شکل. این دره‌ها در چه نوع زمین‌هایی تشکیل می‌شود.

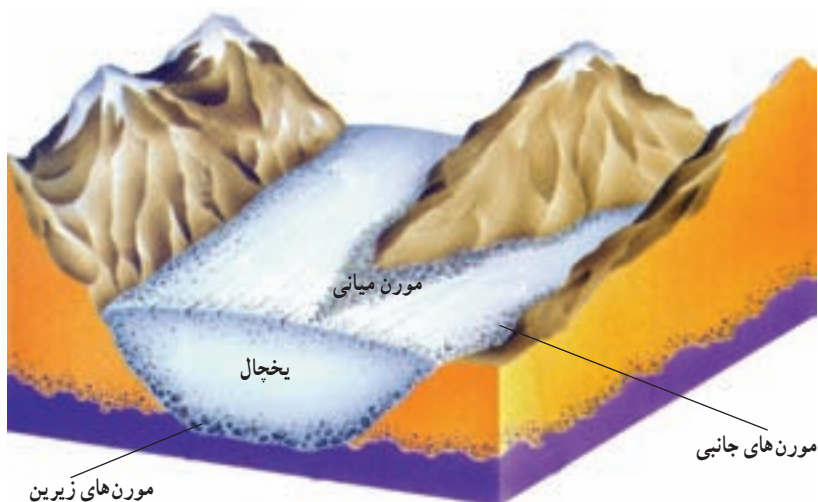
آب‌های زیرزمینی : آب‌های فرورو ضمن عبور از لایه‌های خاک و سنگ، مقدار زیادی از مواد را در خود حل می‌کنند، به‌خصوص که حرکت آب نیز به کندی صورت می‌گیرد. مقدار و نوع مواد معدنی محلول در آب بستگی به جنس و ضخامت لایه‌های خاک و سنگ و دمای آبی دارد که از میان آنها می‌گذرد.

آب‌های فرورو با عمل انحلال خود سبب تخریب بعضی از قسمت‌های درونی زمین می‌شوند. به‌ویژه اگر جنس زمین از لایه‌های آهکی و محلول در آب باشد عمل تخریب آسان‌تر صورت می‌گیرد. لایه‌هایی که جنس آنها از آهک باشد غالباً شکافدارند. وقتی که آب‌های دارای دی‌اکسید کربن که حالت اسیدی دارند به درون این شکاف‌ها راه‌یابند، کم‌کم آهک را در خود حل می‌کنند. ادامه این عمل طی هزاران سال منجر به پیدایش حفره بزرگی به نام غار می‌شود که ممکن است طول و عرض آن به کیلومترها برسد (شکل ۱۱ - ۹). گرچه اغلب غارها کوچک‌اند، ولی برخی نیز اندازه‌های استثنایی پیدا می‌کنند و متشکل از شبکه پیچیده‌ای از مجاری، محفظه‌ها، گذرگاه‌ها و تالارهای زیرزمینی‌اند. در برخی از غارها مثل غار علی‌صدر (حوالی همدان) سطح ایستایی بالاتر از کف غار قرار گرفته و ایجاد دریاچه‌ای زیرزمینی کرده است.



شکل ۱۱ - ۹ - تشکیل غار در داخل سنگ های آهکی صورت می گیرد.

یخچال ها: یخچال ها با نیروی زیادی سنگ های بستر خود را فرسایش می دهند و این کار به وسیله مورن ها صورت می گیرد. تمام موادی که به وسیله یخچال حمل می شوند به نام مورن موسومند مورن ها ممکن است در زیر، کنار و یا در میان یخچال باشند، در جلو یخچال هم موادی به وسیله یخ آورده می شوند که در نتیجه ذوب یخ، آن مواد روی هم انباشته می شوند و مورن های جبهه ای را به وجود می آورند (شکل ۱۲ - ۹).

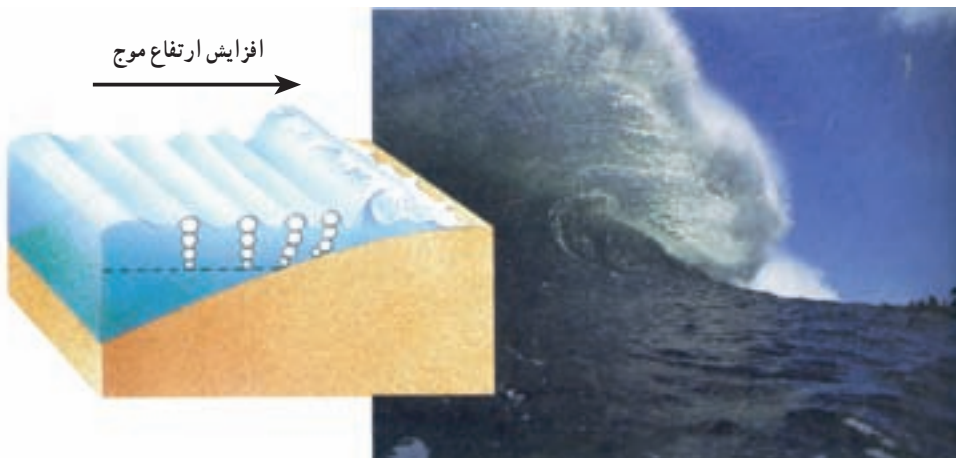


شکل ۱۲ - ۹ - برخورد دو یخچال دره ای و تشکیل مورن های میانی

مورن‌ها در زیر و اطراف یخچال به‌طور ثابت در یخ قرار دارند و همچنان که با یخ به جلو می‌روند، بستر یخچال را می‌سایند. ذرات شن، مانند سمباده عمل می‌کنند و سبب صاف و صیقلی شدن بستر یخچال می‌شوند. مورن‌های درشت‌تر در سنگ‌های بستر، خطوط موازی ایجاد می‌کنند، این خطوط امتداد حرکت یخچال را نشان می‌دهند. بدیهی است که مورن‌ها خود نیز مخطط می‌شوند.

یخچال‌های قطبی چون نواحی کوهستانی را یکسره می‌پوشانند از ارتفاع قله می‌کاهند و آنها را صاف و ساییده می‌کنند، درحالی که یخچال‌های دره‌ای ارتفاعات را می‌برند و آنها را تیزتر می‌کنند.

دریاها : وقتی که موج به سوی ساحل پیش می‌آید، به نقطه‌ای می‌رسد که عمق آب بسیار کم است. در اینجا ته موج با زمین برخورد می‌کند و از سرعت قسمت پایین آن کاسته می‌شود، اما قسمت سطحی آن با سرعت قبلی به حرکت خود ادامه می‌دهد. نتیجه آن می‌شود که موج می‌شکند. وقتی که موج شکسته شد، نیروی زیادی در لبه آن جمع می‌شود که به کمک این نیرو می‌تواند موادی را در ساحل جابه‌جا کند و اگر به ساحل سنگی برخورد، باعث ریزش و تخریب آن می‌شود.



شکل ۱۳-۹- وقتی طول موج کاهش یابد، ارتفاع آن زیاد خواهد شد.

امواج را باید از نیرومندترین عوامل فرسایش دانست. مخصوصاً در سواحل سنگی که عمق آب در کناره‌ها نیز زیاد است، تمام نیروی موج در اولین نقطه برخورد جمع می‌شود. فشار موجی که از طوفان پدید می‌آید ممکن است متجاوز از هزار کیلوگرم نیرو بر متر مربع باشد. امواج دریا باعث پراکنده شدن شن، سنگ‌ریزه و گل‌های رسی روی ساحل می‌شوند و سنگ‌های بزرگ را به قطعات کوچک‌تر تقسیم می‌کنند. این قطعات نیز ضمن حرکات متوالی کم‌کم بدون زاویه می‌شوند، این مواد به عمل تخریبی امواج

کمک می‌کنند، زیرا آب آنها را به سنگ‌های دیگر می‌کوبد. با این عمل، خود آنها نیز خردتر و به ماسه مبدل می‌شوند. در سواحل سنگی نیز نفوذ آب در شکاف سنگ‌ها که توسط موج صورت می‌گیرد، سبب فروریختن سنگ‌ها می‌شود. همچنین، اگر در سنگ‌های ساحلی املاح محلول وجود داشته باشند، آن املاح در آب دریا حل می‌شوند و تخریب سواحل سرعت بیشتری پیدا می‌کند.

آب دریا می‌تواند مواد حاصل از تخریب ساحل، هوازدگی و مواد حل شده توسط رودها را جابه‌جا کند. همه این مواد از قطعات بزرگ گرفته تا ذرات کوچک رس به وسیله امواج و جریان‌های دریایی حمل می‌شوند تا آنجا که دور از تأثیر این عوامل قرار گیرند و رسوب کنند. از آنجا که در کنار ساحل قدرت امواج زیاد است، قطعات ریز و درشت حمل می‌شوند، اما هر چه از ساحل دورتر می‌شویم، از قدرت امواج به تدریج کاسته می‌شود و بالطبع قطعات بزرگ‌تر در نزدیکی ساحل می‌مانند و آنها که کوچک‌ترند جلوتر برده می‌شوند. دانه‌های شن در قسمت‌های کم عمق رسوب می‌کنند و ذرات رس به نواحی عمیق‌تر آب کشانده می‌شوند.



شکل ۱۴ - ۹ - اثر امواج بر سواحل مرتفع

باد: بادی که از عوامل تغییر سیمای زمین به‌ویژه در نواحی خشک و بیابانی است. در بیابان‌ها بارندگی کم و رستنی‌ها پراکنده و محدودند. به همین جهت سطح زمین بیشتر در معرض فرسایش باد

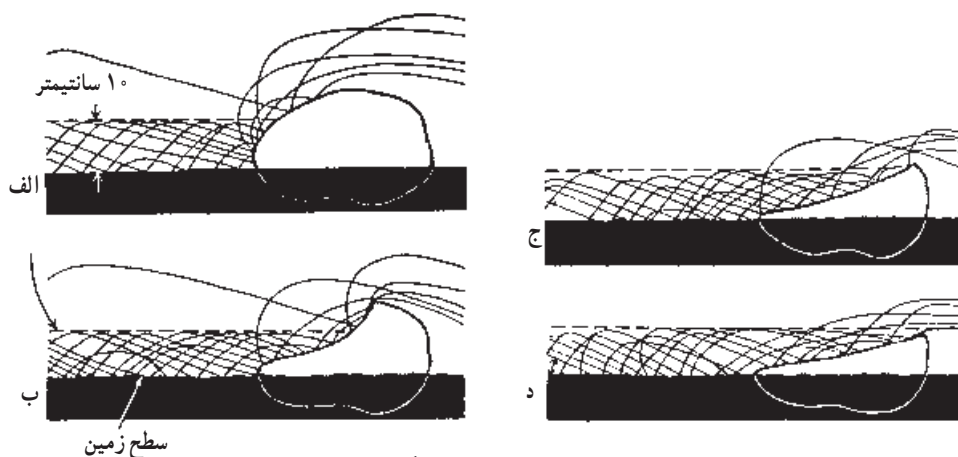
قرار می‌گیرد و آثار فرسایشی و رسوبی باد بهتر از هر جای دیگر نمایان است. ولی بیابان‌ها تنها قلمرو فعالیت باد نیست. باد در مناطق دیگر، از جمله مناطق قطبی، سواحل دریاها، نواحی کوهستانی و حتی در مناطق معتدل و مرطوب، در کنار سایر عوامل طبیعی فعال است. گرچه باد عامل زمین‌شناسی مهمی است، ولی در مقایسه با آب یا یخ نقش کوچک‌تری در تغییرات سطح زمین دارد. بادهای از نظر شیمیایی تأثیری بر سنگ‌ها ندارند و قادر به انحلال کانی‌ها نیستند و به علاوه، قدرت فرسایش و توان حمل آنها بسیار کمتر از رودها و یخچال‌هاست.

ذراتی که به وسیله بادهای به حرکت درمی‌آیند شامل دو بخش باربستری و بار معلق است. ذراتی که در سطح یا نزدیک سطح زمین و بر اثر غلتیدن یا جهش‌های متوالی به جلو رانده می‌شوند، «باربستری» و ذرات دانه‌ریزتری که باد قادر است به صورت معلق در هوا حمل کند، «بار معلق» خوانده می‌شوند. چگالی خیلی کمتر هوا نسبت به آب و یخ، موجب می‌شود که باد در حمل رسوبات خیلی کمتر از رودها و یخچال‌ها مؤثر باشد. در نتیجه، در سرعت‌های یکسان، باد قادر به حمل ذرات دانه‌ریزتری است. ذراتی که به صورت باربستری جابه‌جا می‌شوند اکثراً در حد ماسه‌اند. ذرات ماسه به ندرت ممکن است خیلی از زمین بلند شوند. ذرات دانه‌ریزتر (معمولاً کوچک‌تر از 0.2 میلی‌متر) می‌توانند به صورت معلق جابه‌جا شوند، ذرات خیلی دانه‌ریز گرد و غبار ممکن است مدت‌های طولانی در هوا معلق باقی بمانند.

حمل ذرات دانه‌ریز توسط باد : مواد دانه‌ریزی که به صورت معلق توسط بادهای

جابه‌جا می‌شوند، غالباً به فاصله کمی از منشأ خود دوباره در سطح زمین رسوب می‌کنند. ولی گاهی بادهای قوی قادرند این ذرات را مدت‌های طولانی در هوا کره نگه‌دارند و در فواصل دوری بر جای بگذارند. پس از فوران آتشفشان کراکاتوا نزدیک جزیره جاوه در اندونزی به سال ۱۸۸۳ میلادی، خاکسترهای دانه‌ریز آتشفشانی چند سال در لایه‌های فوقانی هوا کره باقی ماندند و چندبار به دور زمین چرخیدند و در نقاط دوردستی مانند اروپای غربی به زمین نشستند.

برخورد مداوم باد با سطح خاک و سنگ موجب فرسایش آنها می‌شود. روشن است که باد، خاک‌ها و رسوبات را خیلی آسان‌تر از سنگ‌های سخت و یک‌پارچه می‌فرساید. در واقع باد به تنهایی اثر چندانی بر سطح سنگ‌ها ندارد. ولی ذراتی که به وسیله بادهای حمل می‌شوند با برخورد مداوم به سنگ‌ها و مواری که در سر راهشان قرار دارد، می‌توانند موجب «سایش» سطح آنها شوند. (شکل ۱۵ - ۹).



شکل ۱۵ - ۹ ذرات ماسه سطح سنگ‌ها را می‌خراشند.

چون عمل سایش بیشتر به وسیله ذرات ماسه انجام می‌گیرد، به آن «سایش ماسه‌ای» نیز می‌گویند. به این ترتیب در تکه سنگ‌های پراکنده در سطح زمین بر اثر برخورد مداوم ذرات ماسه در یک یا چند جهت، ممکن است سطح یا سطوح صافی ایجاد شود. برحسب شرایط، سطح سنگ‌ها ممکن است شیاردار، نقطه‌نقطه یا صیقلی شود. سنگ یا تکه‌سنگی را که تحت اثر سایش بادی قرار گرفته باشد اصطلاحاً «بادساب» می‌گویند (شکل ۱۶ - ۹).



شکل ۱۶ - ۹ قطعات بادساب

فرسایش بادی در نواحی بیابانی گاهی موجب پیدایش شیارهای عمیقی در رسوبات نرم می‌شود، که به آنها شیارهای «بادکند» و تیغه‌های بین آنها را «یاردانگ» می‌گویند. در قسمت‌هایی از دشت لوت

در شرق کرمان، باد در رسوبات نرم رسی و گچی شیارهایی به عمق ۸۰ متر حفر کرده است.

۳- رسوب گذاری

وقتی که باد از جریان می افتد یا زمانی که آب از حرکت می ایستد و یا یخچال ذوب می شود، یعنی انرژی خود را از دست می دهند، مواد همراه آنها ته نشین می شوند. در روی زمین، عمل حمل مواد توسط آب، باد و یخچال، تحت تأثیر نیروی گرانشی همیشه از بلندی ها به سوی فرورفتگی ها صورت می گیرد. به طور کلی، به موادی که توسط عوامل فرسایشی حمل شده و در محیط های رسوبی ته نشین می شوند، رسوب می گویند.

آب های جاری: وقتی که سرعت آب جاری کاسته شود، مقداری از مواد همراه آن رسوب می کنند. سرعت رود وقتی کم می شود که درجه شیب مسیر آن کاهش یابد، بسترش عریض شود، یا مقدار آب آن کاهش یابد رودها مخصوصاً زمانی سرعت خود را از دست می دهند که وارد دریا شوند و در اینجاست که تمام مواد همراهشان رسوب خواهد کرد. ولی رودها بخشی از رسوبات سنگین وزن و درشت خود را نیز در خشکی ها، در بستر یا کناره های آن، به جای می گذارند. این گونه رسوبات را به طور کلی «آبرفت» می گویند. آبرفت ها به ترتیب جرم و حجم ته نشین می شوند و اغلب گردشگری و جورشدهگی خوبی دارند. تشکیل مخروط افکنه، دلتا، تراس آبرفتی و دشت سیلابی از اعمال رسوب گذاری آب های جاری است (شکل های ۱۷-۹ و ۱۸-۹).



شکل ۱۷-۹ - تراس آبرفتی و دشت سیلابی



شکل ۱۸ - ۹ - مخروط افکنه

آب‌های زیرزمینی: آب‌های زیرزمینی معمولاً موادی را به صورت حل شده حمل می‌کنند. این مواد محلول به صورت سیمان بین ذرات منفصل ته‌نشین می‌شوند و آنها را تبدیل به سنگ می‌کنند.

عمل دیگر آب‌های زیرزمینی «جانشینی» است. بر اثر این فرایند ممکن است یک ماده در آب حل شود و هم‌زمان جای آن با ماده معدنی جدیدی پر شود. به این ترتیب صدف‌ها، استخوان، برگ‌ها، ساقه درختان و غیره ممکن است به‌طور کامل به‌وسیله یک ماده معدنی جدید جانشین شوند.

آب‌های زیرزمینی با رسوب‌گذاری کربنات کلسیم بر سقف، کف و دیواره‌های غارها سبب پدید آمدن شکل‌های بسیار زیبایی می‌شوند. رسوبات سقف غارها را **استالاکتیت** و رسوبات کف غارها را **استالاکمیت** گویند.

آب‌های زیرزمینی با ظاهر شدن در سطح زمین نیز بخشی از مواد محلول خود را ممکن است به‌صورت رسوب ته‌نشین کنند. این‌گونه رسوبات، بیشتر به‌وسیله چشمه‌های آب گرم تشکیل می‌شوند. آب گرم چون از نظر شیمیایی فعال‌تر از آب سرد است، بیشتر می‌تواند کانی‌های مسیر خود را حل کند. با رسیدن آب گرم به سطح زمین و در نتیجه تغییر شرایط، مقداری از کانی‌های محلول در آب در سطح زمین ته‌نشین می‌شوند. در دهانه بسیاری از چشمه‌های آب گرم (مثلاً چشمه‌های آب اسک در اطراف کوه آتشفشان دماوند، یا چشمه‌های سرعین در اطراف آتشفشان سبلان)، رسوبات کربنات کلسیم ته‌نشین می‌شود.



الف

شکل ۱۹ - ۹ - تشکیل ستون‌های آهکی در داخل غار (الف)
مقطع یک ستون آهکی (ب)

یخچال‌ها : یخچال نیز کاری مشابه کار آب‌های جاری را انجام می‌دهد. اما آب‌های جاری موقعی مواد را ته‌نشین می‌کنند که از سرعت جریان آنها کاسته شود، در صورتی که کاهش سرعت حرکت یخچال تأثیری در عمل رسوب‌گذاری ندارد و ته‌نشین شدن مواد حمل شده به وسیله یخچال را باید نتیجه مستقیم ذوب یخ و برف دانست.

موادی که به وسیله یخچال رسوب‌گذاری می‌شوند دو دسته‌اند :

۱- موادی که در موقع ته‌نشین شدن، صورت لایه‌لایه به خود نمی‌گیرند و شامل ذرات میکروسکوپی رس تا سنگ‌هایی به وزن چندین تن هستند که با هم مخلوط شده‌اند. این مواد را جمعاً رسوبات درهم یخچالی (تیل) می‌نامند.



۲- آبی که در نتیجه ذوب یخ، در زیر یخچال‌ها جاری می‌شود، رسوبات دانه‌ریزی به همراه دارد که آنها را پس از ته‌نشین شدن، باید رسوبات مطابق یخچالی نامید. این رسوبات تقریباً صورت لایه‌لایه دارند.

اقیانوس‌ها : منابع اصلی

رسوبات اقیانوسی عبارت‌اند از : (۱) قاره‌ها، که مواد حاصل از هوازدگی و فرسایش آنها به وسیله آب، باد و یخ به

شکل ۲۰ - ۹ - مواد همراه یخچال، پس از ذوب یخ، در روی بستر آن بر جای می‌مانند.

دریاها حمل می‌شود، ۲) آب دریا همراه با مواد شیمیایی محلول در آنها، ۳) جاندارانی که در دریا زندگی می‌کنند و پوسته و اسکلت آنها بخش زیستی رسوبات دریایی را تشکیل می‌دهد، ۴) خاکسترهای آتشفشانی، ۵) مقدار کمی رسوباتی که از خارج از سیاره زمین منشأ گرفته و به صورت عمدتاً غبارهای شهاب‌سنگی وارد آب اقیانوس‌ها می‌شود.

رسوبات حاشیه قاره‌ها عموماً از نوع رسوبات آواری هستند که از قاره‌ها منشأ گرفته‌اند. چون رسوبات دانه درشت‌تر زودتر ته‌نشین می‌شوند، به ساحل نزدیک‌ترند و به تدریج رسوبات به طرف دریا دانه‌ریزتر می‌شوند. این رسوبات معمولاً در محل خود ثابت نیستند و به وسیله جریان‌هایی که در فلات قاره و شیب قاره وجود دارد و بر اثر لغزش‌های زیردریایی پراکنده و جابه‌جا می‌شوند و حتی به آن سوی خیز قاره برده می‌شوند. ترکیب شیمیایی و کانی‌شناسی رسوبات آواری به جنس سنگ‌هایی وابسته است که بر اثر هوازدگی از آنها منشأ گرفته‌اند. ولی ریزترین بخش آنها را کانی‌های رسی تشکیل می‌دهد. این ذرات دانه‌ریز به آسانی به صورت معلق باقی می‌مانند و ممکن است تا فواصل دوری حمل شده و در دشت‌های مفاکی ته‌نشین شوند و بخشی از رسوبات پلاژیک را تشکیل دهند. رسوبات پلاژیک، صرف‌نظر از منشأ آنها، به رسوبات اقیانوس‌های باز (دور از حاشیه قاره‌ها) گفته می‌شود. البته بیشتر رسوبات پلاژیک کف اقیانوس‌ها منشأ زیستی دارند.

مهم‌ترین جاندارانی که در تشکیل رسوبات پلاژیک شرکت دارند، دو گروه از آغازیان جانورمانند به نام روزن‌داران و شعاعیان‌اند. بخش‌های سخت بدن بیشتر روزن‌داران، آهکی (غنی از CaCO_3) و شعاعیان، سیلیسی (غنی از SiO_2) است. اجساد این جانوران، که در نزدیک سطح آب زندگی می‌کنند، پس از مرگ به اعماق اقیانوس فرومی‌رود و در کف آن ته‌نشین می‌شود. مواد آلی نرم بدن آنها به تدریج می‌پوسد و بخش‌های سخت به جای می‌ماند. گرچه هر پوسته یا صدف خیلی کوچک است، ولی تعداد بی‌شمار این جانداران روی هم، تجمع عظیمی از رسوبات را می‌سازد، که حاصل آن تشکیل رسوبات دانه‌ریز آهکی و سیلیسی اشباع از آب است که به آن لجن آهکی و سیلیسی گفته می‌شود.

نوع دیگری از رسوبات زیستی دریاها، ریف‌های آهکی است. ریف‌ها، توده‌های آهکی بزرگی هستند که به وسیله جانداران دریایی آهک‌ساز به‌ویژه مرجان‌ها، ایجاد می‌شوند. این جانداران با جذب بی‌کربنات کلسیم محلول در آب دریا اسکلتی آهکی برای خود می‌سازند. مرجان‌ها به صورت کلنی با هم زندگی می‌کنند و از اجتماع اسکلت‌های باقی‌مانده میلیون‌ها جانور مرجانی، توده‌های آهکی بزرگی در اطراف جزایر و سواحل دریاها (به‌ویژه در مناطق استوایی اقیانوس آرام)

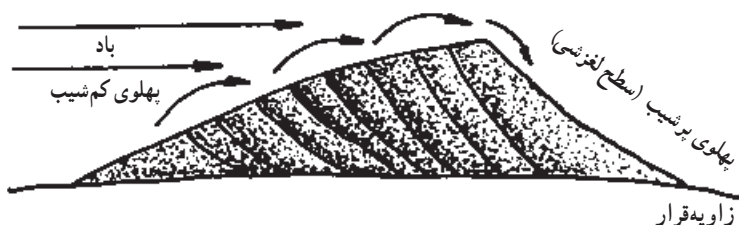
به وجود می آورند.

در بخش های خیلی عمیق کف اقیانوس ها، در جایی که سرعت رسوب گذاری بسیار کم است، بر اثر واکنش های شیمیایی بین یون های محلول در آب و مواد موجود در کف دریا، اکسیدها و هیدروکسیدهای منگنز به صورت گرهک های منگنز ته نشین می شوند. این گرهک ها توده های مدور و غنی از منگنز، به قطر ۵ تا ۱۰ سانتیمتراند که مناطق وسیعی از کف دریاها را می پوشانند. این گرهک ها شامل لایه های اکسیدهای منگنز و آهن مخلوط با ذرات رسوبی اند. دانشمندان تصور می کنند که این گرهک ها علاوه بر منگنز و آهن حاوی مقادیر عظیمی از نیکل و کبالت باشند. طرح هایی برای استفاده از این منابع درآینده، تهیه شده است.

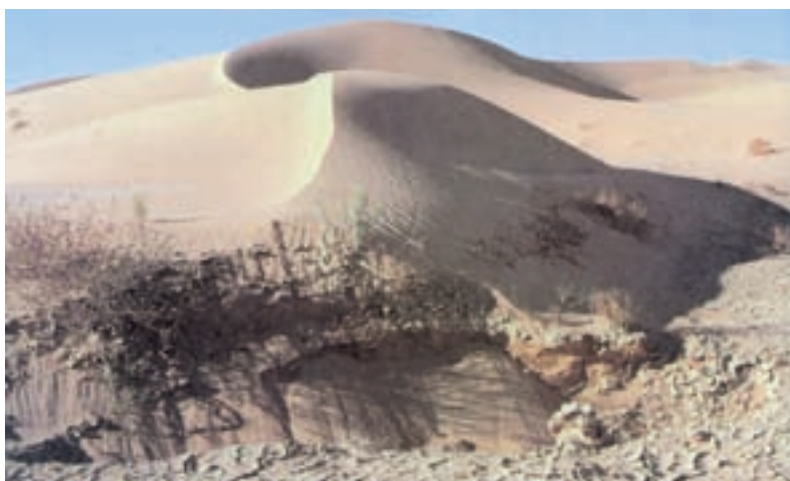
باد : ذراتی که به وسیله بادهای حمل می شوند، سرانجام رسوبات بادی را به وجود می آورند. ذرات ماسه که در نزدیک سطح زمین و نسبتاً آهسته حرکت می کنند، خیلی زود با کم شدن سرعت باد از حرکت باز می مانند. ذرات دانه ریز تر رس و سیلت که به صورت معلق و سریع تر حرکت می کنند، قبل از ته نشینی، مسافت های طولانی تری را می پیمایند.

باد معمولاً ذرات درشت تر را به صورت تپه ها یا پشته هایی از ماسه به جای می گذارد که «تلماسه» خوانده می شوند. بخش های وسیعی از بیابان ها، مثل صحرای بزرگ در افریقا، ربع الخالی در عربستان و دشت لوت ایران پوشیده از تلماسه هاست. تلماسه ها همچنین در سواحل دریاها (مثل بخش هایی از سواحل دریای خزر و خلیج فارس) نیز تشکیل می شوند.

ذرات ماسه، که به صورت بار بستری حرکت می کنند، در برخورد با موانعی که بر سر راه آنها قرار گرفته اند به روی هم انباشته می شوند. با جمع شدن تدریجی ماسه، سرانجام تلماسه به وجود می آید. ارتفاع تلماسه ها گاهی از ۱۰۰ متر تجاوز می کند. در دشت لوت تلماسه هایی با ارتفاع بیش از ۲۰۰ متر نیز مشاهده می شود. تلماسه ها در مقطع، شکلی نامتقارن دارند و پهلوی کم شیب آنها روبه باد قرار گرفته است. ذرات ماسه از پهلوی رو به باد به بالا رانده می شوند و در پهلوی دیگر سقوط می کنند. وقتی تجمع ماسه در پهلوی پرشیب از حد معینی، که زاویه قرار خوانده می شود، تجاوز کند ماسه ها به سمت پایین می لغزند. از این رو شیب پهلوی پرشیب (سطح لغزشی) همیشه تقریباً ثابت و حدود ۳۴° باقی می ماند. به این ترتیب حرکت مداوم ماسه ها از سطح کم شیب و سقوط آنها در دامنه پرشیب موجب می شود که کل تلماسه نیز به آهستگی در جهت وزش باد به حرکت درآید (شکل ۲۱-۹). رسوبات تلماسه ای عموماً از ماسه های دانه ریز، گرد شده با جورشدگی خوب تشکیل شده اند و معمولاً از جنس کوارتزند.



شکل ۲۱ - ۹ - برشی از یک تلماسه، نحوه حرکت ذرات ماسه به وسیله باد و ساختمان داخلی تلماسه



شکل ۲۲ - ۹ - تلماسه در کویر لوت

مسئله ماسه‌های روان: اندازه‌گیری موقعیت تلماسه‌ها در طول زمان نشان می‌دهد که در مناطق بیابانی تلماسه‌ها تا ۲۵ متر در سال نیز جابه‌جا می‌شوند. پیشروی ماسه‌ها در نواحی اطراف بیابان‌ها و در امتداد سواحل ماسه‌ای گاهی موجب وارد آمدن خسارات فراوانی به شهرها، مزارع، جاده‌ها، کانال‌های آبیاری و غیره می‌شود و حتی ممکن است موجودیت یک شهر یا روستا را به خطر اندازد. پوشش گیاهی پیوسته، همان‌طور که می‌تواند مانع عمل رویش شود می‌تواند از مهاجرت تلماسه‌ها نیز جلوگیری کند. ساکنان اطراف کویر مرکزی ایران که همواره با خطر هجوم ماسه‌های روان مواجه‌اند برای تثبیت ماسه‌ها و جلوگیری از پیشروی ماسه‌ها روش‌های مختلفی را به کار می‌بندند. از جمله ایجاد دیوارهای حصیری به نام «بادشکن» در مسیر باد یا کاشتن گیاهانی که با آب و هوای خشک سازگارند و می‌توانند در ماسه‌ها رشد کنند (مانند گیاه تاغ یا گز).

- ۱- چرا کانی‌های ماگمایی فراوان‌ترین کانی‌ها در پوسته زمین‌اند؟
- ۲- منظور از سنگ‌های درونگیر چیست؟
- ۳- دو کانی مهم سنگ‌های رسوبی را که به طریق شیمیایی به وجود می‌آیند نام ببرید. چرا این دو کانی در سنگ‌های آذرین یافت نمی‌شوند؟
- ۴- به کمک چه خواصی می‌توان باریت را از کلسیت تشخیص داد؟
- ۵- ماگما چگونه به وجود می‌آید و عوامل تولید آن کدام است؟
- ۶- چرا رنگ خاک‌ها متفاوت است؟
- ۷- بافت سنگ آذرینی که هم دارای بلورهای درشت و هم دارای بلورهای ریز همراه با شیشه باشد، چه نام دارد و نحوه تشکیل آن چیست؟
- ۸- پوکه معدنی چگونه حاصل می‌شود؟ موارد استفاده آن را ذکر کنید.
- ۹- یک کانسنگ برای آنکه ارزش بیشتری داشته باشد به نظر شما باید واجد چه شرایطی باشد؟
- ۱۰- چرا سنگ‌های رسوبی در سطح زمین فراوان‌اند، ولی در حجم پوسته زمین چنین نیست؟
- ۱۱- چه کانی‌هایی در سنگ‌های رسوبی تخریبی فراوان‌ترند و چرا؟
- ۱۲- چگونه بافت آواری را از بافت غیرآواری تشخیص می‌دهید؟
- ۱۳- چگونه می‌توانید ثابت کنید که ماسه‌سنگ‌ها در سطح زمین تشکیل شده‌اند؟
- ۱۴- چرا ماسه سنگ‌ها در محیط‌های مختلفی تشکیل می‌شوند؟
- ۱۵- چرا کانی الیوین در ماسه‌سنگ‌ها به ندرت یافت می‌شود؟
- ۱۶- محیط تشکیل شیل چه تفاوتی با محیط‌های دیگر دارد؟
- ۱۷- رس به چه موادی گفته می‌شود؟
- ۱۸- اهمیت اقتصادی شناسایی سنگ‌های رسوبی چیست؟
- ۱۹- یک بادکنک را در هوا رها کنید. این بادکنک رو به مشرق حرکت می‌کند. آیا فشار هوا را باز هم همه‌جانبه می‌گویید یا جهت‌دار؟ چرا؟
- ۲۰- چه نوع سنگ‌های دگرگونی در نتیجه فشار جهت‌دار به وجود می‌آید؟
- ۲۱- وقتی می‌گوییم سیالات و آب در دگرگونی نقش کاتالیزوری دارند، منظور چیست؟
- ۲۲- کدام سنگ دگرگونی را در هاله دگرگونی می‌توان یافت؟ مشخصات آن چیست؟
- ۲۳- در دگرگونی مجاورتی دما عامل تعیین‌کننده است یا فشار؟
- ۲۴- شیسستوزیته را تعریف کنید. کدام یک از سنگ‌های زیر دارای شیسستوزیته‌اند؟ گنیس، سنگ لوح و هورنفلس.
- ۲۵- یکی از مشخصات بارز اسلیت‌ها را با ذکر دلیل بیان کنید.
- ۲۶- مرمر و کوارتزیت هر دو سنگ دگرگون‌شده‌اند. مرمر سخت‌تر و متراکم‌تر است یا کوارتزیت؟ چرا؟

پارهای از مشخصات کانی‌های معروف

نام و فرمول شیمیایی	درجه سختی	وزن مخصوص	رنگ	انرژی یونان لایب	نوع شکستگی	جلا	خاصه‌های مهم
آپتیت $\text{Ca}_2(\text{F}, \text{Cl})\text{PO}_4$	۵-۶/۵	۳/۲ - ۳/۱	فروزه سبز، قهوه‌ای، آبی زرد	سفید	تورق ضعیف دارد، شکستگی صدفی	شیشه‌ای	یکی از منابع کم اهمیت کوهستان، نوعی از آن در جواهرسازی به کار می‌رود، اما نرم است.
آسبست (بیه سوزن) یا کروزیل $\text{Mg}_3\text{Si}_2\text{O}_5(\text{OH})_4$	۷/۸ - ۵/۵	۵/۵	سبز زرد، سفید	مخروطیگ	رشته ریشه می‌شود	چرب یا اثرش می‌دهد	از آن پنبه نسوز به دست می‌آید.
ازوکلاز (از فلیسپات‌ها) KAlSi_3O_8	۶	۵/۵۷	سفید، خاکستری، صورتی	سفید	در دو جهت تورق خوب دارد	شیشه‌ای	خاصه‌های سنگ‌های آتزیان را دارد.
الماس C	۱۰	۳/۵	مخروطیگ تا زرد کمرنگ، گاهی به رنگ‌های دیگر	مخروطیگ	تورق چهار وجهی دارد	شیشه‌ای، چرب	جواهر است، برای سنباده کاری و خطاری مهم به کار می‌رود.
آلومین (زیمون) $(\text{Mg}, \text{Fe})_2\text{SiO}_5$	۷-۶/۵	۳/۳۷ - ۳/۳۷	سبز زیتونی	سیر کمرنگ - سفید	صدفی	شیشه‌ای	یکی از کانی‌های تشکیل دهنده سنگ‌های آتزیان است.
آوینت (اوهی پروکسین) $\text{Ca}(\text{Mg}, \text{Fe}, \text{Al})(\text{AlSiO}_4)$	۶-۵	۳/۶ - ۳/۸	سبز تیره تا سبده	خاکستری مایل به سبز	مشروهای آن در ابعاد ۱ تا ۱۰۰ درجه در دو سطح می‌شکند	شیشه‌ای	از کانی‌های است که در ترکیب سنگ‌های آتزیان زیاد یافت می‌شود.
پیریت (سنگی سبده) $(\text{AlO}_3, \text{YH}_2\text{O})$	۳-۷/۵	۳/۲ - ۳/۸	سبده قهوه‌ای، سبز تیره	مخروطیگ	در یک جهت تورق دارد	شیشه‌ای	در سنگ‌های آتزیان و دیگرگون شده زیاد است.
پیریت (سولفید آهن) FeS_2	۵-۶/۵	۵/۲	زرد	سبده مایل به سبز یا قهوه‌ای	نامنظم	فلزی	در ساختن اسید سولفوریک به عنوان منبع گوگرد به کار می‌رود.
تالک $\text{Mg}_3\text{Si}_2(\text{OH})_4$	۱	۲/۸ - ۲/۷	خاکستری، سفید، سبز کمرنگ	سفید	در یک جهت تورق دارد	چرب	از تغییر شکل سیلیکات منیزیم حاصل می‌شود و در سنگ‌های دیگرگون شده زیاد است.
فلزات $\text{AlSiO}_3(\text{F}, \text{OH})_n$	۸	۳/۶ - ۳/۸	زردکاهی - صورتی، سبز، آبی	مخروطیگ	در یک جهت تورق دارد	شیشه‌ای	نوعی جواهر است.
دولومیت $\text{Ca}, \text{Mg}(\text{CO}_3)_n$	۴-۳/۵	۵/۵	صورتی، سفید، خاکستری، سبز، سبده	مخروطیگ	در سه جهت تورق دارد	شیشه‌ای تا مورانه‌ای	در سنگ‌های آتزی دلویتنی فراوان است، نسبت به کلسیت در برابر اسید کلریدرک رفیق دیرتر تحت تأثیر واقع می‌شود.
نفس (ج) $\text{CaSO}_4, \text{YH}_2\text{O}$	۲	۲/۲۲	مخروطیگ، سفید و در اثر باخالی می‌شود، زرد و فروزه	مخروطیگ	در یک جهت تورق خوب دارد	شیشه‌ای	در سنگ‌های رسوبی فراوان است.
فلز فلوئیت CaF_2	۴	۳ - ۲/۲	سفید، زرد، سبز، قهوه‌ای، زردکاهی، آبی	مخروطیگ	تورق چهار وجهی دارد	شیشه‌ای	بعضی گونه‌ها خاصیت فلورسانس دارند، در سنگ آهک‌ها فراوان است.



نام و فرمول شیمیایی	درجه سختی	وزن مخصوص	رنگ	اثر بر چینی بدون لعاب	نوع شکستگی	جلا	خاصه های مهم
کاولینت (نفاک چینی) $Al_2SiO_5(OH)_2$	۲-۲/۵	۲/۶	سفید	عیرنگ	نامنظم	خاکی	از هاردگی فلزیسات پدید می آید، جانب اثر طویه نشدید است.
کلسیت $CaCO_3$	۳	۲/۷	معمولا سفید یا عیرنگ، گاهی خاکستری، صورتی، آبی و زرد	عیرنگ	در سه جهت توری دارد	شیشه ای	نوعی کانی بسیار فراوان است. در ترکیب سنگ های آتشفشانی بزرگ می کشد. اسید کلریدریک بر آن اثر دارد.
کوارتز SiO_2	۷	۲/۶۵	عیرنگ، سفید و بر اثر ناخالصی به رنگ های مختلف	عیرنگ	صفیف	شیشه ای	یکی از اجزای اصلی سنگ های آذرین است
گالی PbS	۲/۵	۷/۳-۷/۶	سری	سری	در سه جهت توری دارد	فلزی	کانسنگ اصلی سرب است
گرافیت C	۱-۲	۲/۳	سیاه	سیاه	در یک جهت توری دارد	فلزی یا خاکی	در سنگ های دگرگون یافت می شود.
لیونیت (اکسید آب آبی) $FeO_2.nH_2O$	۵-۵/۵	۲/۶-۳	زرد، قهوه ای تا سیاه	زرد - قهوه ای	نامنظم	شیشه ای - خاکی	نوع کانسنگ فرعی آهن است
مانیت (اکسید منگنزی آهن) Fe_2O_3	۶	۵/۸	سیاه	سیاه	نامنظم	فلزی	خاصیت آهن رباپی دارد.
موسکویت (نفاک چینی) $KAl_2Si_2O_5(OH)_2$	۲-۲/۵	۲/۸-۲/۸۶	تازک عیرنگ، قهوه ای، ضخیم؛ زرد کمرنگ، قهوه ای، سبز و قهوه زرد	عیرنگ	توری خوب در یک جهت	شیشه ای	به عنوان طلق سبز مورد مصرف دارد.
هالیت (نمک طعام) $NaCl$	۲/۵	۲/۸۶	عیرنگ، سفید و در اثر ناخالصی زرد و قهوه زرد	عیرنگ	در سه جهت توری دارد	شیشه ای	استفاده خوراکی دارد.
هماتیت (اکسید آهن) Fe_2O_3	۵/۵-۶/۵	۵/۲۶	قهوه زرد تا سیاه	قهوه آجری	نامنظم	فلزی	مهم ترین کانسنگ آهن است.
هوربلاند (از آتشفشان ها) سینکات در همی از Al, Ti, Mg, Na, Ca	۵-۶	۲/۲	سبز تیره تا سیاه	عیرنگ	توری سخت زاویه ۹۰ درجه و ۱۲۴ درجه	شیشه ای و گاهی اریشمنی	در سنگ های آذرین و دگرگون یافت می شود.
زیرت $R_2R_3(SiO_3)_2$ Mg, Fe سنگی است $R, R', Cr, Ti, Fe, Al, R'$ باند	۶/۵-۷/۵	۲/۵-۲/۳	قهوه زرد، قهوه ای، زرد، سفید، سبز	عیرنگ	نامنظم	شیشه ای	در سنگ های دگرگون شده زیاد است. نوعی جیوه ابر است.